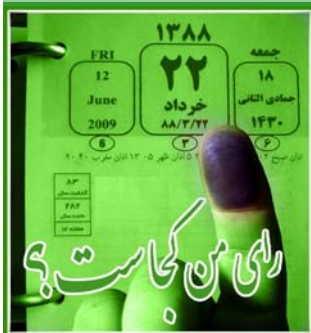


شماره ی ۶۲

۱۸ خرداد ماه ۱۳۸۹



INFO.MABISHOMARIM@GOOGLEMAIL.COM

باز معنی وطن

تهیه و تنظیم:

شهلا بهار دوست

دعوا در اردوی کودتاگران لاریجانی و احمدی نژاد یکدیگر را به قانون شکنی متهم کردند

هشدار رئیس جمهور روسیه:

مقامات ایران از مواضع
غیر مسئولانه پرهیز کنند!

کلینتون:

باید در انتظار ترفند جدیدی
از سوی ایران بود

پرونده ایران

در دستور کار نشست
شورای حکام

وزیر نفت ایران خبر داد:

واگذاری دو پروژه
پارس جنوبی به سپاه

سپاه:

آبادگی اسکورت
کاروان های صلح

فشار احمدی نژاد به مجلس
با "اهرم رهبری"

راهپیمایی نمادین برای آزادی:

از بلژیک به سوی ایران



[COURTESY: IIRAGE]

راه اندازی بانک مخصوص زنان

در مشهد

برگزاری نشست روسا و مدیران

حراست ها و ۵ روز

اعتراض در دانشگاه مازندران

علم الهدی:

دانشگاهها، نیازمند انقلاب

فرهنگی دوم

عکس های فرزاد کمانگر در جلسه

افتتاحیه سازمان جهانی کار

فراخوان به تظاهراتهای ۲۲ خرداد در شهرهای مختلف ایران و خارج از کشور

اعتراض ، بازداشت، مجازات

مقالات و مصاحبه ها در این شماره :

۶	گفتگو با پدر امیر جوادی فر یکی از قربانیان کمپ کهریزک فرشته قاضی
۱۶	نمایش پرهای ریخته ی ولایت روزنامه نگار معترض (جان شیفته)
۱۷	یک سال جنبش سبز در گفتگو با مهدی ممکن مژگان مدرس علوم
۱۹	زندان، ممنوع الخروج، ممنوع التصوير! سعید زندگانی
۲۰	دانشجویان: وعده ما ۲۲ خرداد، سراسر ایران آتش بهمنی
۲۱	ماجرای غزه، همبستگی "ما"ی جهانی و بیگانگی "من" ایرانی شعله ایرانی
۲۲	پشت پرده حمله به حسن خمینی نازنین کامدار

با سپاس از همکاری سایت اخبار روز

<http://www.akhbar-rooz.com>

سروده ها:

عسگر آهین، شهلا بهار دوست، تورج پارسی
ویدا فرهودی، یوسف صدیق، حسن مکاری

آقای هوشنگ گلشیری عزیز سلام
عمران صلاحی

تفسیری بر رمان «جن نامه»
در سرزمین جن زندگان

دمکراسی و آزادی زمانی به ثمر می رسد که فضای شکوفایی و رشد اندیشه ها در جامعه مان پدید آید. ما باید یاد بگیریم تا با احترام متقابل به دیگر اندیشان با هم وارد دیالوگ شویم و در جهت ارتقاء جامعه و رسیدن به آنچه که خواهانش هستیم تلاش کنیم. حذف دیگران و نادیده گرفتن خواسته های آنان ثمری جز پیشروی استبداد ندارد. با آگاهی به نیازهای جامعه و جدی گرفتن خواسته های خلقها در کشورمان و فراهم آوردن امکانات یکسان برای رشد کودکانمان و برابری اجتماعی و حقوقی زنان و مردانمان است که به ایرانی آباد و آزاد خواهیم رسید.

خبرها و گزارش ها

پرونده ایران در دستور کار نشست شورای حکام آمانو خواستار همکاری بیشتر تهران شد



رادیو فردا:

در حالی که اعضای شورای امنیت سازمان ملل برای اتخاذ دور تازه‌ای از تحریم‌ها علیه ایران آماده می‌شوند، یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز دوشنبه در آغاز نشست فصلی شورای حکام از ایران خواست تا با آژانس همکاری بیشتری داشته باشد.

آقای آمانو که در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین سخن می‌گفت، افزود که پرونده اتمی ایران به دلیل احتمال آزمایش‌های پنهان هسته‌ای نظامی یک «پرونده ویژه» است. وی از دولت‌های ایران و سوریه خواست در مورد درباره برنامه‌های هسته‌ای مشکوک خود گمان می‌رود مقاصد نظامی داشته باشد با آژانس همکاری بیشتری بکنند.

شورای ۳۵ نفری حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از روز دوشنبه گفت‌وگوهای مفصلی را در چارچوب نشست فصلی خود آغاز کرده است که قرار است علاوه بر برنامه اتمی مناقشه‌برانگیز ایران، به برنامه‌های اتمی سوریه و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله اسرائیل نیز بپردازد.

این در حالی است که در آغاز نشست شورای حکام گلین دبویس، نماینده آمریکا در آژانس، با قرار گرفتن موضوع اسرائیل در دستور کار آژانس به دلیل اینکه اسرائیل عضو پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی نیست و تا کنون مقررات آژانس را زیر پا نگذاشته مخالفت کرد.

شورای امنیت سازمان ملل هفته آینده در مورد اتخاذ دور جدیدی از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به خاطر برنامه‌های اتمی حساسش تصمیم‌گیری می‌کند. نشست فصلی شورای حکام آژانس در حالی آغاز به کار کرده است که هفته گذشته سازمان بین‌المللی انرژی اتمی تازه‌ترین گزارش خود را درباره برنامه‌های اتمی ایران منتشر کرد که بر اساس آن، ایران به رغم تحریم‌های بین‌المللی همچنان به غنی‌سازی در درجات خلوص بالا ادامه می‌دهد.

این گزارش همچنین از وجود حداقل ۵.۷ کیلوگرم اورانیوم با درجه خلوص بالا خبر داد که ظاهراً برای راکتور تحقیقاتی تهران که در آن از این اورانیوم برای تولید رادیو ایزوتوپ که مصارف پزشکی دارد، استفاده می‌شود. کشورهای غربی از آن بیم دارند که ایران از این اورانیوم غنی‌شده در ساخت بمب اتمی استفاده کند.

این در حالی است که در بخش دیگری از این گزارش هم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از احتمال کارکردن ایران بر روی ساخت سلاح اتمی ابراز نگرانی کرده است.

ایران تاکنون توانسته بود که اورانیوم را تا درجه خلوص ۵ درصد غنی‌سازی کند، اما از زمستان گذشته با این توضیح که امکان تأخیر در دریافت اورانیوم با درجه خلوص ۲۰ درصد که قرار بود از سوی کشورهای غربی تأمین شود وجود دارد، غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم را به منظور تأمین اورانیوم مورد نیاز خود برای مصارف پزشکی آغاز کرد.

بیشتر شورای امنیت سازمان ملل از ایران خواسته بود تا تمامی روند غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند.

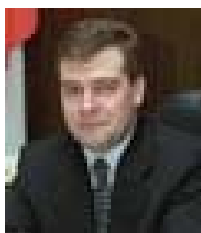
این روند غنی‌سازی با توجه به اینکه ایران هنوز از تکنولوژی لازم برای تبدیل اورانیوم با خلوص بالا به میله‌های سوخت مورد نیاز راکتور را ندارد، سوءظن کشورهای غربی را در این باره که ایران به دنبال ساخت بمب اتمی است قوی‌تر کرده است.

در اواخر مهر ماه سال گذشته خورشیدی و همزمان با بالا گرفتن دوباره تنش‌ها بر سر برنامه اتمی ایران به دلیل افشای ساخت تأسیسات غنی‌سازی مخفی ایران در نزدیکی شهر قم، نمایندگان جمهوری اسلامی با شرکت در مذاکراتی در مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین «موافقت اصولی» تهران را با پیشنهادی

در باره مبادله سوخت هسته‌ای اعلام کرده بودند. بر اساس این پیشنهاد قرار بود جمهوری اسلامی ایران ۱۲۰۰ کیلوگرم از اورانیوم غنی‌شده ۳.۵ درصدی خود را برای غنی‌سازی بیشتر و تبدیل آن به میله‌های سوخت به روسیه و فرانسه ارسال کند و در مقابل ۱۱۶ کیلوگرم سوخت مورد نیاز خود برای راکتور تحقیقاتی تهران را دریافت کند. اما مقامات ایران به تازگی ایران با رد پیشنهاد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به جای روسیه و فرانسه با ترکیه و برزیل درباره مبادله سوخت اتمی وارد معامله شدند گرچه توافق تهران با ترکیه و برزیل برای مبادله سوخت، از سوی کشورهای غربی ناکافی توصیف شده است. کشورهای غربی بر این باورند که جمهوری اسلامی در پوشش برنامه‌های هسته‌ای خود اهداف نظامی را دنبال می‌کند. این در حالی است ایران ضمن رد این اتهامات، همواره بر صلح آمیز بودن برنامه‌های اتمی خود تأکید می‌کند.

هشدار رئیس جمهور روسیه

مقامات ایران از مواضع غیر مسئولانه پرهیز کنند!



اخبار روز:

• اجماع جهانی بر اعمال تحریم‌ها علیه ایران است؛ هرچند کسی تمایلی به این تحریم‌ها ندارد ...

رئیس جمهور روسیه به مقامات ایران تذکر داد از اظهارات غیرمسئولانه پرهیز کنند. وی بعد از دیدار با خانم آنگلا مرکل صدراعظم آلمان تصریح کرد جامعه جهانی بر تحریم ایران توافق نظر دارد.

به گزارش تابناک به نقل از سی ان ان، دیمیتری مدوف که پس از دیدار با مرکل، صدراعظم آلمان با خبرنگاران سخن می‌گفت، افزود: اجماع جهانی بر اعمال تحریم‌ها علیه ایران است؛ هرچند کسی تمایلی به این تحریم‌ها ندارد، گاهی لازم است، کشورها بدانند که باید همگام با جامعه جهانی، جهان را مدیریت کنند.

او همچنین تحریم‌ها را ضرورت جهانی دانست و افزود: لازم است برای ادامه روابط با اروپا، چین و ایالات متحده آمریکا، به تحریم‌ها توجه کنیم.

بنابر این گزارش، مدوف خطاب به سران ایران گفت: از رهبران ایران می‌خواهم به خواسته جامعه جهانی که همچون یک خانواده هستند، پاسخ بدهند و از سخنان غیر مسئولانه پرهیز کنند، زیرا این کار، تنها راهکار پرونده به بن‌بست رسیده اتمی ایران است.

این گزارش می‌افزاید: آنجلا مرکل هم سخنان مدوف را به گونه‌ای دیگر بر زبان آورد و گفت: به زودی شاهد اعمال تحریم علیه ایران خواهیم بود، هرچند مدت‌های بسیاری صبر کردیم تا شاید ایرانی‌ها به خواسته‌های جامعه جهانی پاسخ مثبت بدهند؛ اما اکنون زمان تحریم است، اگر ایران همراهی نکند! از طرفی، اما لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در دیدار با همتای چینی خود گفت: اعمال تحریم‌ها علیه ایران باید با نگاه به توافق ایران، ترکیه و برزیل درباره تبادل سوخت هسته‌ای همراه باشد.

به گزارش نووستی، خبرگزاری رسمی روسیه، لاوروف مدعی شد: روسیه تلاش‌های بسیاری انجام داده تا شاید تحریم‌ها به ایران زیان نزنند و تهران به خواسته‌های اعضای شورای امنیت پاسخ مثبت بدهد



کلینتون:

باید در انتظار ترنند جدیدی از سوی ایران بود



به گفته کلینتون در آستانه تصویب قطعنامه‌ی جدیدی در شورای امنیت، جمهوری اسلامی می‌کوشد با ترنند دیگری افکار جهانی را از برنامه اتمی خود منحرف سازد. همزمان با افزایش فشارها تلاش‌های دیپلماتیک ایران نیز فزونی گرفته‌اند. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، پیش از سفر خود به آمریکای جنوبی در روز یکشنبه (۶ ژوئن) گفت، انتظار می‌رود، که ایران در روزهای آینده ترنند جدیدی را بکار گیرد. خانم کلینتون در جمع خبرنگاران در فرودگاه واشنگتن افزود: «ایران می‌کوشد اذهان را از اتحاد شورای امنیت منحرف کند. اما فکر نمی‌کنم این موضوع کسی را شگفت‌زده کند.»

به گفته‌ی خانم کلینتون برغم مخالفت ترکیه و برزیل، حامیان اعمال تحریم‌ها رای کافی در شورای امنیت خواهند داشت. کلینتون در سفر خود به آمریکای جنوبی با مقامات برزیلی درباره برنامه اتمی ایران و تصویب قطعنامه جدید گفت‌وگو خواهد داشت. به گفته دیپلمات‌های غربی تلاش برای جلب آرای اعضای غیر دائم شورای امنیت همچنان به شدت ادامه دارد.

گرچه سفر کلینتون به منظور شرکت در نشست سازمان کشورهای آمریکایی در پرو درباره‌ی مسایلی از قبیل کنترل مهاجرت، اوضاع سیاسی هندوراس، قاچاق مواد مخدر و همکاری‌های اقتصادی است، با این وجود تحلیل‌گران سیاسی برنامه اتمی ایران را یکی از موضوعات مهم در گفت‌وگوهای خانم کلینتون با سیاستمداران آمریکای جنوبی عنوان می‌کنند.



نشست شورای حکام آژانس

در آستانه برقراری تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از روز دوشنبه (۷ ژوئن) به مدت پنج روز نشستی را در وین برگزار خواهد کرد. به گفته ناظران سیاسی، انتظار نمی‌رود که پیشرفت فوق‌العاده‌ای در مناقشه اتمی با ایران حاصل شود. برغم نوبیدی برخی کشورها، ۳۵ عضو شورای حکام خواهان رایزنی درباره برنامه اتمی ایران هستند. پیش از برگزاری این نشست یوکیو آمانو، سرپرست آژانس، بار دیگر از ایران خواست برای شفافیت مسائل باقی‌مانده با آژانس همکاری بیشتری کند.

دفتر مطبوعاتی آژانس اتمی اعلام کرد، که سوا از برنامه اتمی ایران، شورای حکام در نشست غیر علنی خود گزارش جدید سرپرست آژانس را بررسی خواهد کرد. یکی دیگر از موضوعات مورد بحث درباره اجرای توافق‌نامه ضمانت‌ها در سوریه، پیرامون قرارداد منع گسترش جنگ‌افزارهای اتمی (ان پی تی) خواهد بود.

مقامات جمهوری اسلامی پیشتر تهدید کرده بودند، که در صورت برقراری تحریم‌های جدید، درباره‌ی همکاری خود با آژانس اتمی تجدید نظر خواهند کرد.

فشار احمدی نژاد به مجلس با "اهرم رهبری"



دوپیچه وله:

محمود احمدی نژاد در نامه‌ای خطاب به احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران را به تخطی از اصول قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس و دخالت در امور اجرایی کشور متهم کرده است.

این نخستین بار نیست که اختلافات محمود احمدی نژاد و علی لاریجانی علنی شده است. ولی شروع این تازه‌ترین کشمکش به هفته گذشته باز می‌گردد. محمود احمدی نژاد در ملاقاتش با اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، گفته بود: «قوه مقننه بدون توجه به قوانین بالا دستی موارد فراوانی از قوانین را به تصویب رسانده که همه آنها با مشکل مواجه است. اگر اشکال نا به جای دولت عدم ابلاغ ۲ قانون باشد، مجلس تاکنون بیش از ۱۳۰ قانون تصویب کرده که مغایر با شرع و قانون اساسی است.»

پس از این اظهار نظر رییس مجلس به این سخنان واکنش تندى نشان داد. آقای لاریجانی گفت: «بعید می‌دانم کل مصوبات مجلس هشتم ۱۳۰ عدد باشد. از این تعداد شاید ۱۰ تا ۱۵ عدد آن با اشکال شرعی و یا مخالفت قانون اساسی توسط شورای نگهبان مواجه شده است که آن هم اغلب مربوط به موافقتنامه‌های دولت با سایر دول خارجی است که با امضای رئیس جمهور و یا وزیر خارجه به مجلس داده شده است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، تصریح کرد در صورت اصرار دولت بر انکار این موارد قطعاً در مورد تخلفات دولت اطلاع رسانی خواهد شد و اقدام مناسب صورت خواهد گرفت.

ریشه اختلاف اخیر مجلس و دولت

کمیسیون اصل نود مجلس خواستار توضیحاتی از احمدی نژاد شده بود که چرا قوانین مصوب مجلس را برای اجرا به دولت ابلاغ نمی‌کند. تاخیر در ابلاغ قانون "دو میلیارد دلار تسهیلات برای قطار شهری" و نیز "قانون حمایت از تولید مسکن" دو مورد قانون ابلاغ نشده از سوی دولت بود که هیئت رئیسه کمیسیون اصل ۹۰ آنها را ذکر کردند.

برخی رسانه‌ها در ایران خبر می‌دهند که احمدی نژاد به دلایل سیاسی از ابلاغ برخی قوانین خودداری می‌نماید. به عنوان نمونه احمدی نژاد مدعی است اجرای قانون "پرداخت دو میلیارد دلار تسهیلات برای قطار شهری" دارای تبعات و خطرات بسیار نامناسبی است. امری که به نظر می‌رسد به حضور محسن هاشمی رفسنجانی به عنوان مدیر عامل مترو تهران ارتباط مستقیم داشته باشد. از دیگر موارد اختلاف مجلس و دولت به "برداشت غیرقانونی دولت از صندوق ذخیره ارزی" بدون کسب اجازه و اطلاع مجلس و اجرایی نشدن بیش از "یکصد قانون در حوزه بهداشت" می‌توان اشاره کرد.

درخواست برای دخالت شورای نگهبان

نامه محمود احمدی نژاد به شورای نگهبان و اشاره به اظهار نظر آیت الله خامنه‌ای در مورد اینکه "مجلس قوانینی را تصویب نکرده که قابل اجرا نیست" فصل جدید را در اختلاف این دو نهاد تحت کنترل اصولگرایان باز نموده است. به نظر می‌رسد رییس دولت دهم در تلاش است با استفاده از حمایت رهبر ایران مجلس را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد و مخالفان خود را در این نهاد قانون‌گذاری و نظارتی ساکت کند.

اتفاقی که پیش از این نیز در موارد مختلف تکرار شده است. از جمله در قانون هدفمند سازی یارانه‌ها که با دستور رهبر ایران، مجلس تلاش کرد نظر دولت را تأمین نماید هر چند که بسیاری از نمایندگان درخواست دولت را غیرکارشناسی و غیر قانونی می‌دانستند.

به باور کارشناسان با توجه به حمایت قاطع اعضای شورای نگهبان از دولت احمدی نژاد در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم، ورود این شورا به اختلاف مجلس و دولت می‌تواند کفه توازن قوا را به سمت دولت سنگین‌تر نماید. اتفاقی که بیش از گذشته جایگاه و اعتبار مجلس ایران را بی‌اعتبار خواهد نمود.

مهدی محسنی

تحریریه: فرید وحیدی

وزیر نفت ایران خبر داد: واگذاری دو پروژه پارس جنوبی به سپاه



رادیو زمانه:

طبق گفته وزیر نفت ایران، قرار است قرارداد توسعه بخش بالادستی این دو فاز مشترک گازی تا یک ماه آینده به «کنسرسیوم خاتم الاوصیا» به ارزش تقریبی «پنج میلیارد دلار» واگذار شود.

در حالی که ۹ سال از آغاز مذاکرات شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های انگلیسی - هلندی شل و رپسول اسپانیا برای توسعه فازهای ۱۳ و ۱۴ میدان پارس جنوبی می‌گذرد، سید مسعود میرکاظمی وزیر نفت ایران مذاکرات با این شرکت‌ها را متوقف و رایزنی با برخی از مجموعه‌های داخلی برای واگذاری قرارداد این طرح گازی آغاز کرد.

به گزارش مهر، وزیر نفت جمهوری اسلامی با همین هدف کنسرسیومی با عنوان «خاتم الاوصیا» تشکیل داده است. این کنسرسیوم از پنج پیمانکار بزرگ طرح‌های نفت و گازی ایران همچون «قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء، شرکت ساختمان صنایع نفت (اویک)، شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی، ایزوایکو و صدرا» تشکیل شده است.

واگذاری این قرارداد عظیم نفتی به قرارگاه خاتم الانبیاء وابسته به سپاه پاسداران ایران در حالی صورت می‌گیرد که این قرارگاه و چهار شرکت وابسته به آن از نیمه دوم سال ۸۸ در صدر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران قرار گرفته‌اند.

گفته می‌شود اعضای این کنسرسیوم نفتی هنوز قطعی نشده‌اند و ممکن است تغییری در خصوص حضور شرکت‌های داخلی این کنسرسیوم انجام بگیرد که یکی از آن‌ها پیوستن شرکت‌هایی همچون ایدرو (سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران)، صف و شرکت ملی حفاری به این کنسرسیوم نفتی است.

گفت‌وگوها برای پایان کار با شرکت نفتی انگلیسی- هلندی شل زمانی از سوی ایران بالا گرفته است که رایزر وینز نرید، سخنگوی این شرکت ماه گذشته در لاهه (هلند) از توقف فروش بنزین به ایران خبر داده بود.

ایران با وجود این که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان است، اما به دلیل گنجایش پایین پالایشگاه‌هایش ناگزیر به وارد کردن حدود یک سوم بنزین مورد نیاز در کشور است. شل، چهارمین شرکت بزرگ اروپایی است که در ماه گذشته فروش بنزین به ایران را متوقف کرده است.

در حالی که دلیل تیرگی این روابط هنوز روشن نیست، ناظران معتقدند که تحریم‌های احتمالی آمریکا علیه شرکت‌های صادرکننده بنزین به ایران باعث شده که این شرکت‌ها بدون سرو صدا فروش بنزین به ایران را متوقف کنند. کنگره آمریکا به دلیل آنچه کوشش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌داند، طرح تحریم گسترده‌ای را علیه ایران در دست بررسی دارد. اما ایران این تحریم‌ها را ناعادلانه می‌داند و بر صلح آمیز بودن تلاش‌هایش پافشاری می‌کند. در این بین ایران از معامله با کشورهای غربی صرف نظر کرده و حدود یک سوم بنزین مورد نیازش را از چین تأمین می‌کند. اخیراً نیز برای خرید بنزین با ونزوئلا موافقت نامه‌ای امضا کرده است.



به گفته برخی دیپلمات‌های غربی، در روزهای آینده شورای امنیت سازمان ملل پیرامون قطعنامه‌ای جدید علیه ایران تصمیم خواهد گرفت.



دیدار مقامات ایران و ترکیه

منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران، در روز یکشنبه (۶ ژوئن) با احمد داووداگلو همتای ترک خود در جده گفت‌وگو کرد. این دیدار در حاشیه نشست فوق‌العاده کمیته اجرایی سازمان کنفرانس اسلامی در جده صورت پذیرفت. ایران و ترکیه مایل به پیشبرد تفاهنامه سه‌جانبه پیرامون مبادله سوخت اتمی هستند. وزیران امور خارجه دو کشور ابراز امیدواری کردند، که گروه وین تعاملی هوشمندانه با این تفاهنامه داشته باشد. وزیر امور خارجه ترکیه باردیگر اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را نادرست خواند.

منوچهر متکی، همچون دیگر مقامات رسمی ایران، پیشتر هشدار داده بود، که تصویب قطعنامه‌ی جدید به مثابه رویاوری مستقیم با جمهوری اسلامی خواهد بود.

احمدی‌نژاد نیز سفر خود به سه کشور ترکیه، تاجیکستان و چین را آغاز کرد. احمدی‌نژاد در دیدار یک روزه خود از ترکیه با رجب طیب اردوگان، نخست‌وزیر و داووداگلو، وزیر امور خارجه ترکیه گفت‌وگو خواهد داشت. تأمین سوخت برای راکتور اتمی تهران و ارزیابی از تحولات منطقه در مرکز گفت‌وگوهای مقامات دو کشور قرار دارند.

راه‌اندازی بانک مخصوص زنان در مشهد

رادیو زمانه:

این شعبه تک‌جنسیتی را بانک ملی ایران با هدف در اختیار گذاشتن تبادلات مالی زنان بدون ارتباط با «مردان نامحرم» برای اولین بار در مشهد افتتاح کرده است.

به گزارش ایلنا، براساس قوانین شرعی جمهوری اسلامی که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ به تصویب رسیده است، ارتباط صمیمی و نزدیک زنان و مردان ممنوع است. اما در سال‌های پس از انقلاب هیچ‌گاه این موضوع شامل فعالیت‌هایی مثل بانکداری و خرید و فروش در اماکنی که در آن‌ها هر دو جنس زن و مرد خدمت می‌کردند، نشده است.

بانک ملی یکی از بزرگترین بانک‌های ایرانی است که برای اولین بار در ایران اقدام به افتتاح شعبه‌ای مخصوص بانوان راه‌اندازی کرده است. در سال‌های اخیر پارک و تاکسی‌هایی مخصوص زنان در برخی از شهرهای ایران راه‌اندازی شده که از ورود مردان به آن‌ها جلوگیری می‌شود. در اتوبوس‌ها نیز زنان از مردان جدا شده و در قسمت عقب این وسیله نقلیه عمومی می‌نشینند. در ماه گذشته همچنین یک مقام رسمی قوه قضاییه از حداکثر جریمه نقدی برای زنانی که به اصطلاح «بد حجاب» خوانده می‌شوند خبر داد. این جریمه مبلغ یک میلیون و سیصد هزار تومان در نظر گرفته شده است.



علم الهدی:

دانشگاهها، نیازمند انقلاب فرهنگی دوم



خبرگزاری هرانا

امام جمعه مشهد با اشاره به انقلاب فرهنگی در دانشگاهها گفت: در انقلاب فرهنگی پالایش نیروی انسانی در دانشگاه صورت گرفت و تا حدودی موفق عمل شد اما امروز نیازمند انقلاب فرهنگی دوم برای چنین نیروی علمی در دانشگاهها هستیم.

به گزارش مهر، آیت الله سیداحمد علم الهدی پنجشنبه در نشست هیئت رئیسه دانشگاه ها، مراکز پژوهشی و پارکهای علم و فناوری در دانشگاه شهید بهشتی با تشریح نظام اجتماعی جامعه لائیک گفت: در جامعه لائیک محور جامعه همزیستی انسانها با یکدیگر و زندگی مادی است در حالیکه این محور در امت مطرح نیست و امت به معنای جامعه قاصد است. وی افزود: در جامعه قاصد دو عنصر حرکت و هدف حاکم است. جامعه قاصد به طرف یک نقطه مقصدی حرکت می کند که عنصر اصلی آن جمع شدن انسان ها بر اساس ساختار امت است.

موقعیت دانشگاه در امت باید متناسب با ساختار امت هماهنگ باشد امام جمعه مشهد اظهار داشت: موقعیت دانشگاه در امت باید متناسب با ساختار امت هماهنگ باشد لذا آنچه مهم است مدیریت فرهنگی و علمی در دانشگاهها است.

اجرا نکردن مدیریت فرهنگی در دانشگاه به معنای سقوط دانشگاه است

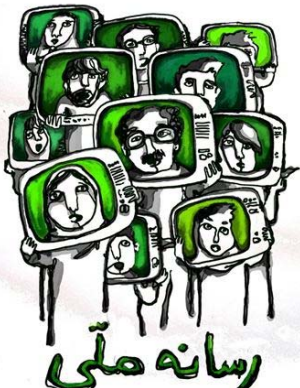
وی با تأکید بر اینکه در عرصه مدیریت فرهنگی باید فرهنگ متناسب با همه ارزش های دینی باشد گفت: پرورش و رشد نیروهای کارآمد در عرصه های مختلف باید در بستر یک سلسله ارزشهای فرهنگی و اسلامی باشد لذا بی تفاوتی به فرهنگ سقوط مدیریت فرهنگی دانشگاه است. علم الهدی گفت: اگر دانشگاه از نظر مظاهر ارزشی به یک تفریحگاه تبدیل شود، مدیریت فرهنگی اجرا نشده و این دانشگاه به تمام معنا ساقط شده است. وی اظهار داشت: حجاب و عفت عمومی اصلی برای مدیریت فرهنگ و همچنین مدیریت علمی و فرهنگی است.

65 تا 70 درصد تشکلهای دانشجویی نهادهای ارزشی در حوزه اجتماعی، سیاسی هستند

امام جمعه مشهد در عین حال اظهار داشت: علیرغم اینکه سعی دارند جامعه دانشگاهی را یک جامعه فاصله گرفته از ارزش های دینی نشان دهند، اساتید و دانشجویان ما متعهد و متدین در همه رشته ها هستند به طوریکه حدود 65 تا 70 درصد تشکلهای دانشجویی را نهادهای ارزشی در حوزه اجتماعی، سیاسی تشکیل می دهند.

30 درصد تشکلهای دانشجویی مربوط به جریانهای غیرارزشی است

امام جمعه مشهد تنها 30 درصد تشکلهای دانشجویی موجود در دانشگاههای کشور را مربوط به جریانهای غیر ارزشی دانست و گفت: بی تفاوت بودن به مظاهر ارزشی نشان از سقوط مدیریت فرهنگی دانشگاهها است.



رسانه ملی

سپاه: آمادگی اسکورت کاروانهای صلح



رادیو زمانه:

علی شیرازی با بیان این که دشمنان باید در برابر یک «حرکت خودجوش جهانی» «قرار گیرند، اعلام کرد سپاه با تمام قوا آماده اسکورت کاروانهای کمکسانی موسوم به «کاروان آزادی» به نوار غزه است. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام علی شیرازی با اشاره به حمله ارتش اسرائیل به کاروان صلح و آزادی، دفاع از مردم غزه را در برابر اقدامات «ناجوانمردانه» اسرائیل «وظیفه» جمهوری اسلامی دانست.

در حالی که رهبر ایران فرمانده کل نیروهای نظامی این کشور به حساب می آید، نماینده او در نیروی دریایی سپاه انجام این کار را منوط به صادر شدن «دستور» از طرف رهبر ایران می داند که در آن صورت سپاه «تمام توان و امکانات» خود را برای این منظور به کار خواهد بست. دوشنبه هفته گذشته، درگیری کماندوهای اسرائیلی با فعالان حاضر در یک کشتی امدادی عازم غزه، دستکم ۱۰ کشته و تعدادی زخمی برجا گذاشت. بیشتر جان باختگان از شهروندان ترکیه بودند.

درست پیش از اعلام ایران برای اسکورت کشتیهای کمکسانی، گرتا برلین، یکی از سازماندهندگان کمکسانی به غزه، از دریافت کمکهای ایران سر باز زده بود. او گفته بود این گروه از دولت و گروههای تندرو کمک دریافت نمی کند. خبرگزاری ایرنا گزارش داده که ایران سعی دارد یکشنبه با کشتی زیر پرچم ایران، به غزه کمکهای انساندوستانه ارسال کند. به گفته عبدالرئوف ادیبزاده، مدیر امور بین الملل جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، این کمکها شامل مواد غذایی، دارویی و تجهیزات پزشکی هستند. ایران تا پایان هفته جاری دو کشتی حامل کمک های امدادی به غزه می فرستد.

به گفته او در ابتدا قرار بود این کشتیها توسط یک کشور واسطه به غزه اعزام شوند اما سپس مسئولان سازمان تصمیم گرفتند، کشتیهای حامل کمک و امدادگر به طور مستقیم و بدون واسطه، همچنین «با هماهنگی فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر و کمیته بین المللی صلیب سرخ» به غزه ارسال شوند. این اقدام ایران در حالی صورت می گیرد که روز شنبه خبرگزاریها از توقیف کشتی ریچل کوری ایرلندی حامل کمکهای امدادی برای ساکنان نوار غزه از سوی شناورهای اسرائیلی در دریای مدیترانه خبر داده اند.

اسرائیل همواره ایران را به تجهیز و تهیه سلاح نظامی برای حماس، نیروی اسلامی حاکم در نوار غزه متهم می کند.

به گزارش گاردین، همزمان با طرح این موضوع از سوی ایران، نخست وزیر اسرائیل پیشنهاد سازمان ملل متحد برای بررسی حمله هفته گذشته سربازان اسرائیلی به یک کشتی حاوی کمک به نوار غزه را رد کرده است. نتانیاهو با استفاده از این استدلال که بدون محاصره، غزه به «پایگاه ایران» تبدیل می شود و موشکهای حماس تل آویو و اورشلیم را هدف قرار می دهند، ادامه محاصره غزه را حق اسرائیل می داند.

شک اسرائیل به روابط ایران و حماس از ژانویه گذشته افزایش چشمگیری داشته است. در آن زمان عوامل موصاد در دوی، از شناسایی فردی به نام «محمود المحبوب» به اتهام قاچاق اسلحه ایرانی به غزه خبر دادند.

از سی ساله گذشته دولت ایران هیچگاه اسرائیل را به رسمیت نشناخته و محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری این کشور همواره مرگ قریب الوقوع اسرائیل را پیش بینی کرده است.

گفتگو با پدر امیر جوادی فر یکی از قربانیان کمپ کهریزک فرشته قاضی



روز آنلاین

هفتمین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده بازداشتگاه کهریزک، امروز در حالی در دادرسی نظامی تهران برگزار می شود که پدر امیر جوادی فر، یکی از جانبازان این کهریزک در گفتگو با "روز" خبر داده است که به دلیل اعتراض خانواده های جان باختگان به کیفرخواست، قاضی دادگاه دستور تحقیق داده و برگزاری دادگاه را متوقف کرده بود.

علی جوادی فر همچنین خبر میدهد که از قضاتی که دستور انتقال فرزندش به کهریزک را داده اند به دادرسی کارکنان دولت شکایت کرده است. با آقای جوادی فر در حالی گفتگو کرده ام که همچون ماههای گذشته به شدت متأثر است و به راحتی قادر به سخن گفتن نیست.

امیر جوادی فر، دانشجوی مدیریت دانشگاه آزاد قزوین بود. پیکر بی جان این جوان 25 ساله که روز 18 تیر سال گذشته بازداشت شده بود، در حالی به خانواده اش تحویل داده شد که آنها پیش از آن نمی دانستند فرزندشان کجا و در چه شرایطی نگهداری می شود.

پیشتر آقای جوادی فر به "روز" گفته بود که: "روز 18 تیر با من تماس گرفتند و گفتند بچه شما در بیمارستان فیروز گر است و از ما خواستند به این بیمارستان برویم. ما هم رفتیم. در آنجا آثار ضرب و شتم بر روی بدن امیر مشخص و تحت مداوا بود. ما از آنجا او را با ماموری که همراهش بود به بیمارستان لاله در شهرک غرب منتقل کردیم. در آنجا فهمیدیم چند جای بدنش شکستگی دارد و تا ظهر روز 19 تیر تحت درمان بود اما ظهرا را مرخص کردند و ما چون مامور همراه او بود مجبور شدیم او را تحویل بدهیم. خودم به اتفاق مامور او را بردم و به پلیس امنیت تهران تحویل دادم تا مساله حل شود و از آن تاریخ هیچ اطلاعی از او نداشتیم و در به در دنبال او می گشتیم اما نتوانستیم هیچ خبری کسب کنیم؛ در لیست زندانیان اوین هم نام پسر من نبود تا اینکه اطلاع دادند بیابید بچه تان را تحویل بگیرید و او را از پزشکی قانونی کهریزک تحویل گرفتیم." و اینک از آقای جوادی فر پرسیده ام:

روند برگزاری دادگاه را چگونه می بینید آیا امیدی هست که این دادگاه به نتیجه ای که شما و سایر خانواده های جان باختگان و شاکیان این بازداشتگاه انتظار دارید برسد؟

فعلا نمی توان اظهار نظر کرد چون نتیجه دادگاه هنوز معلوم نیست و حکم صادر نشده است. ما هم صبر میکنیم ببینیم بالاخره به کجا می رسد.

گویا شما به روند دادگاه اعتراض داشتید ممکن است در این مورد توضیح دهید؟

بله ما به قسمت هایی از کیفرخواست اعتراض کردیم و به همین دلیل برگزاری دادگاه متوقف شد یعنی آخرین جلسه در فروردین ماه برگزار و بعد از اعتراض ما متوقف شده بود.

اعتراض شما دقیقا به چه بود؟ آیا این اعتراض فقط از جانب شما بود یا سایر خانواده ها هم اعتراض داشتند؟

ما در واقع به یکسری از موارد اتهامی و یکسری از افرادی که که در کیفرخواست، اسمی از آنها نیست اعتراض کردیم و خواستار حضور و محاکمه آمران در دادگاه نیز شدیم. این اعتراض هم از سوی وکیل ما و هم از سوی وکلای خانواده های محمد کامرانی و محسن روح الامینی صورت گرفت. قاضی دادگاه هم دستور تحقیق مجدد داد و روند برگزاری دادگاه را متوقف کرد. حالا امروز بعد از یک ماه و نیم، جلسه دادگاه برگزار می شود و ما امروز خواهیم فهمید که به اعتراض ما ترتیب اثر داده اند یا نه.

اسم قاضی مرتضوی و سایر قضاتی که دستور انتقال فرزند شما و سایر بچه ها را به کهریزک داده اند در کیفرخواست این دادگاه نیست. آیا اعتراض شما به این موضوع بوده یا...

نه، متأسفانه چون دادگاه غیر علنی است و مرتب تأکید می شود که اطلاع رسانی

از دادگاه جرم است نمی توانیم زیاد حرفی بزنیم. اعتراض ما به بخش هایی از کیفرخواست و نبودن اسامی برخی افراد در کیفرخواست است. ما رسماً در دادگاه گفتیم که باید آمران نیز در کنار عاملان محاکمه شوند. در حالیکه در این دادگاه فقط عاملان هستند و اسمی از آمران نیست؛ ما گفتیم فقط اینها را نمی خواهیم باید آمران نیز بیايند و محاکمه شوند و اکنون منتظر جلسه بعدی هستیم که امروز خواهد بود. درباره قضات نیز بله ما اعتراض کرده و گفته ایم که باید به اتهامات آنها نیز رسیدگی شود، اما قاضی دادگاه گفت که به اتهامات آنها در دادرسی انتظامی قضات رسیدگی خواهد شد و این دادگاه فقط مربوط به اتهامات افراد نظامی است. در اصل گفته اند که پرونده دو قسمت دارد که قسمت مربوط به پرسنل ناجا در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می شود و بخش مربوط به قضات در دادرسی انتظامی قضات خواهد بود اما هنوز نگفته اند دادگاه آنها چه زمانی برگزار خواهد شد.

آیا شما در دادرسی انتظامی قضات نیز شکایتی مطرح کرده اید؟

ما در دادرسی کارکنان دولت شکایت کرده و خواهان محاکمه قضاتی که بچه هایمان را به کهریزک فرستاده اند شده ایم و منتظر هستیم که به شکایت مان در آنجا نیز رسیدگی کنند.

چرا دادرسی کارکنان دولت؟

پی گیری کردیم گفتند باید آنجا شکایت کنیم و پرونده الان در شعبه 12 این دادسرا است؛ گویا این دادسرا پرونده به دادرسی انتظامی قضات ارجاع خواهد داد.

در کیفرخواست دادرسی نظامی، متهمان چه کسانی هستند؟

12 نفر از پرسنل نیروی انتظامی با رتبه ها و درجه های مختلف در این دادگاه به عنوان متهم هستند که به اتهامات آنها رسیدگی می شود. اما نمی توانم بیش از این توضیح دهم چون ما را از اطلاع رسانی منع کرده اند.

برخی شایعات از صدور حکم اعدام برای متهمان خبر میدهد آیا این قضیه صحت دارد؟

هنوز حکمی صادر نشده و هنوز دفاع آخر متهمان صورت نگرفته است.

اگر برای متهمان این دادگاه حکم اعدام صادر شود ...

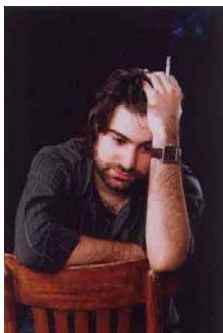
ما خواهان محاکمه آمران هستیم و با اعدام چند نفر که به عبارتی عاملان هستند ما آرامش نخواهیم یافت و در اصل پاسخ درستی به عدالت خواهی ما نخواهد بود. ما میخواهیم عدالت اجرا شود. ما روز اول به سیستم اعتماد کردیم و من فرزندم را خودم بردم تحویل دادم اما بعد... اکنون فقط اجرای عدالت را میخواهیم؛ اگر عدالتی است آمران و عاملان و همه کسانی که دست داشتند را محاکمه کنند، اگر هم عدالتی نیست و مثل روال سابق می خواهند داستان سازی کنند که من به خدا می سپارم و دادم را از خدا میخواهم ...

آقای جوادی فر، سالگرد امیر نزدیک است شما برای این روز مراسمی خواهید داشت؟

بله ما روز 23 تیر که سالگرد امیر است همچون شب سوم او، در پارکینگ منزلمان مراسم خواهیم داشت.

آقای جوادی فر میدانم برای شما بسیار سخت است و ورزش میخواهم باز باعث ناراحتی شما شدم و...

نه دخترم این ناراحتی ماههاست که با ماست؛ هر روز برای ما دقیقاً مثل روز اولی است که با شما صحبت کردم و از امیر گفتم. امیر فرزند من بود و داغ فرزند همیشه برای پدر و مادر سخت است و عادی نیست و... اما ما تحمل میکنیم و در ازای این صبر و تحمل اگر عدالتی باشد و اگر ما اعتقادی به خدا و پیغمبر داریم این صبر به نتیجه می رسد. اگر هم عدالتی نباشد که مسبب را به خدا واگذار کرده ام. مطمئنم که خدا حق ظالمان و کسانی را که به من و مردم و کشور ظلم کرده اند خواهد ستاند. کسی نمی تواند بچه مرا و بچه های دیگر را زنده کند؛ بچه های ما جانیشان را در راه مملکت از دست دادند و اگر کمی عدالت وجود داشته باشد آمر و عامل و مسبب را باید با هم محاکمه کنند.



دعوا در اردوی کودتاگران

لاریجانی و احمدی نژاد یکدیگر را به قانون شکنی متهم کردند

اخبار روز:

یک روز بعد از آن که علی لاریجانی تهدید کرد در مورد قانون شکنی های دولت «اطلاع رسانی» خواهد کرد، محمود احمدی نژاد در نامه ای به احمد جنتی دبیر شورای نگهبان، متقابلاً مجلس شورای اسلامی را به قانون شکنی متهم کرد.

در نامه ی احمدی نژاد به احمد جنتی که روز دوشنبه منتشر شده است، وی بر عدم انطباق برخی مصوبات مجلس با قانون اساسی تاکید کرده است. به گزارش ایرنا احمدی نژاد در نامه ی خود به عنوان «پاسدار قانون اساسی» نوشته است با توجه به نامه های رییس مجلس و با توجه به سوگندی که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند متعال یاد کرده است تا پاسدار قانون اساسی کشور باشد و به حکم وظیفه شرعی و قانونی مواردی را جهت استحضار احمد جنتی و اعضای شورای نگهبان اعلام می دارد.

احمدی نژاد طرح الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن را از جمله موارد قانون شکنی مجلس خوانده و نوشته است طرح یاد شده (بدلیل تسری قانون به خارج از بافت مسکونی و نیز به محدوده شهرها) هم جهت با دیگر مواردی است که پدیده زمین خواری را موجب گردیده است و از این رو با اصول چهل و پنجم و چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرمان مقام رهبری در تعارض جدی قرار دارد و ثانیاً به دلیل عدم رعایت آشکار قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ناسازگار با مبانی اصل شخصیت و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، وی افزوده است: ثالثاً این طرح با اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ناسازگار است. وی به گفته ای از خامنه ای استناد کرده که «قانونی تصویب شود که امکان اجرا داشته باشد».

«طرح پذیرش دانشجو در آموزش سکنه های فنی و حرفه ای، مراکز تربیت معلم و دانشگاه شهید رجایی» به ادعای احمدی نژاد از جمله موارد دیگر قانون شکنی مجلس است که در آن از یک طرف مجلس شورای اسلامی در مقام تعیین ظرفیت پذیرش دانشجو در مراکز و دانشگاه فوق الذکر برآمده است که از مصادیق بارز امور اجرایی است و از این جهت با اصل شخصیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ناسازگار به نظر می رسد و از سوی دیگر طرح یاد شده با مفاد اصول هفتاد و پنجم، سی ام و پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل جمع به نظر نمی رسد.

احمدی نژاد در نامه ی خود الحاق احکامی به قانون بودجه مصوب مجلس بدون رعایت ترتیبات مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه داخلی مجلس را از جمله موارد دیگر قانون شکنی مجلس خوانده است. وی با انتقاد مستقیم از لاریجانی نوشته است: در کمال تعجب رییس محترم مجلس شورای اسلامی که باید بیش از هر کس پایبند به ترتیبات مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه یاد شده باشد بدون رعایت اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی صرفاً به ارسال رونوشت برای شورای محترم نگهبان اکتفا نموده است.

احمدی نژاد در نامه ی خود به جنتی خاطر نشان کرده است: اینجانب به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از این میثاق دینی و ملی از جمله در خصوص جایگاه بی بدیل شورای نگهبان در صیانت از شرع مقدس اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بر همگان فرض می دانم که مرجع انحصاری تشخیص انطباق مصوبات مجلس با موازین اسلام و عدم مغایرت مصوبات یاد شده با احکام اسلام اکثریت فقهای معظم شورا و در مورد انطباق و عدم تعارض با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اکثریت همه اعضای شورای نگهبان می باشد. امیدوارم با درایت اعضای محترم شورای نگهبان قانونگذاری در مسیر منطبق بر قانون اساسی هر روز متعالی تر گردد.

لاریجانی: اطلاع رسانی می کنیم

یک روز پیش از انتشار این نامه، علی لاریجانی در روز یکشنبه در واکنش به برخی اظهارات احمدی نژاد گفته بود:

اگر اصرار دارید موارد تخلف دولت از قانون انکار شود، آنها را به اطلاع مردم می رسانیم.

به گزارش خبر آنلاین وی در نطق خود با انتقاد از احمدی نژاد که می گوشت قوای دیگر را زیر سلطه ی خود بگیرد، به اصل تفکیک قوا اشاره کرده و تمرکز قدرت در یک قوه را فساد آور خوانده و گفته بود: اگر قوای مقننه و قضاییه ذیل قوه مجریه فعالیت کنند، ممکن است سرعت کار بالا رود اما به دیکتاتوری می انجامد.

وی مدعی شده بود: تمرکز قدرت تنها در اختیارات ولی فقیه فساد آور نیست. وی به احمدی نژاد هشدار داده بود: قوه مجریه باید به حقوق و اختیارات خود پایبند باشد و حق ورود به عرصه قانونگذاری و اظهار نظر درباره مصوبات مجلس را ندارد.

رئیس مجلس در واکنش به اعتراض احمدی نژاد به ارجاع ۱۳۸ مصوبه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام به دلیل مغایرت با شرع و قانون اساسی، گفته بود: بعید می دانم کل مصوبات مجلس هشتم ۱۳۸ مورد باشد و حداکثر ۱۰-۱۵ مورد به مجمع ارائه شده است که خوب است دولت در ارائه لوایح خود دقت بیشتری داشته باشد که چنین نشود. هر چند که چند طرح هم ممکن است چنین شرایطی داشته باشد.

وی سپس به دفاع از جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در اصل ۱۱۲ قانون اساسی پرداخته و با تاکید بر اینکه مجلس اهل مجامله در برخورد نیست و حوزه فعالیتش را هم محدود نمی کند، ادامه داده بود: کمیسیون های مجلس بویژه کمیسیون اصل نود به وظایف قانونی خود عمل کند. هر چند که رایزنی های وحدت ساز مفید است اما نباید وظیفه ذاتی قوا را مخدوش کند. لاریجانی نهایتاً تاکید کرد که موارد تخلف دولت از قوانین موجود است و اگر اصرار به انکار آن شود، آنها را به اطلاع نمایندگان و مردم خواهند رساند.

برگزاری نشست روسا و مدیران حراست ها و ۵ روز

اعتراضی در دانشگاه مازندران

اخبار روز

حراست دانشگاه مازندران امروز دوشنبه ۱۷ خرداد میزبان جلسه ای تحت عنوان نشست روسا و مدیران حراست ها بود. این نشست در این دانشگاه در سکوت خبری و تحت تدابیر امنیتی برگزار شد.

به گزارش دانشجویان، در این جلسه راهکارهای مقابله با اعتراضات دانشجویی و سازمانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بنا براین گزارش درحالی که بنا بود در این جلسه به راهکاری منسجم درباره ی چگونگی سرکوب و کنترل اعتراضات دانشجویی دست یافته شود، نشست بدون حصول نتیجه و تنها با پذیرایی مجلل از مهمانان پایان یافت.

این نشست در میانه ی خرداد ماه در حالی در این دانشگاه برگزار می شود که زمزمه هایی از اعتراضات دانشجویی در دانشگاه مازندران به گوش می رسد. با نزدیک شدن به سالگرد ۲۲ خرداد و ۲۶ خرداد، فضای این دانشگاه روز به روز امنیتی تر از قبل می شود. ۲۶ خرداد اولین سالگرد حمله وحشیانه ی نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران به دانشجویان دانشگاه مازندران است. سال گذشته در این روز درحالی که صدها دانشجوی این دانشگاه در اعتراض به

تقلب صورت گرفته در انتخابات ریاست جمهوری و بازداشت یکی از دانشجویان، در دومین روز پیاپی، با تعطیلی امتحانات در فضای دانشگاه دست به اعتراض زده بودند، با حمله نیروهای مسلح به چماق، باتوم، زنجیر، خنجر و... مواجه شدند. در نتیجه ی این حمله ی سازماندهی شده، ده ها دانشجو زخمی و در تعجب همگان ۱۲۰ تن از دانشجویان بی گناه بازداشت شدند. دانشجویان بازداشتی در طول دوره بازداشت شان نیز مورد ضرب و شتم و شکنجه ی نیروهای انتظامی و اطلاعاتی مازندران قرار گرفتند.

به گزارش منابع دانشجویی، در این دانشگاه، یادآوری حمله ی وحشیانه نهادهای سرکوب استان فضای دانشگاه را از خشم و اعتراض مملو کرده است. در همین ارتباط هفته ی گذشته بیانیه ای از سوی فعالین دانشجویی استان برای حضور در اعتراضات به حکومت سرکوبگر صادر شد. این گزارش می

افزاید که دانشجویان این دانشگاه با اعلام فاصله ی بین ۲۲ تا ۲۶ خرداد به عنوان روزهای اعتراض در دانشگاه، از تمامی دیگر دانشجویان دانشگاه می خواهند تا با نشان دادن اعتراض خود به هر نحو ممکن در این بازه ی ۵ روزه به جنبش سبز دموکراسی خواهی مردم ایران کمک و یاد دانشجویان صدمه دیده ی مازندران در ۲۶ خرداد ۸۸ را گرامی بدارند.

منصور اسانلو به بند عمومی منتقل شد



خبرگزاری هرا

منصور اسانلو، رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، روز یکشنبه مجدداً به بند پنج زندان رجایی شهر کرج منتقل شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرا، آقای منصور اسانلو در پی شکایت یک زندانی عادی که به جرم قتل برادرش در زندان بسر می برد با اتهام جدیدی که با تهدید و اعمال فشار مسئولین حفاظت زندان بر این زندانی انجام شده است، به سلول انفرادی سپاه پاسداران در زندان رجایی شهر منتقل شد.

منصور اسانلو که در تیر ماه سال ۱۳۸۶ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت و به پنج سال زندان محکوم شده است، او از بیماری های قلبی و بینایی در رنج است.

تشکیل های کارگری در ایران و اتحادیه های بین المللی کارگری در جهان بارها خواستار اعطای مرخصی به آقای اسانلو برای درمان پزشکی و همچنین آزادی فوری او و سایر فعالان کارگر زندانی مانند ابراهیم مددی شده اند.

بند پنج زندان رجایی شهر به خاطر حضور زندانیان معتاد و مبتلا به بیماری های عفونی و مقاربتی «بند متادونی» خوانده می شود و آقای اسانلو بدون رعایت اصل تفکیک جرایم در میان زندانیان معتاد به مواد مخدر و خطرناک تحمل حبس می نماید.

شایان ذکر است سید محمد روح الله هاشمی - فرزند مجتبی هاشمی - که به اتهام قتل برادر و همسر برادرش در زندان رجایی شهر محبوس است، به تحریک کرمانی رییس و معاونش فرجی، از مسئولان حفاظت زندان بر علیه منصور اسانلو اعلام شکایت کرده و پرونده جدیدی برای این فعال کارگری از سوی دادگاه انقلاب تشکیل شده است.

روح الله هاشمی پس از شکایت علیه اسانلو به سایر زندانیان اعلام داشت که با تهدید افراد مذکور دست به این اقدام زده است.

رضا اکوانیان به شش سال حبس محکوم شد



خبرگزاری هرا

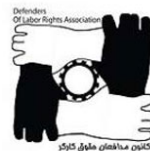
رضا اکوانیان شاعر، وبلاگ نویس از سوی شعبه یکم دادگاه انقلاب یاسوج به شش سال حبس محکوم شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرا، رضا اکوانیان از اعضای سابق مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و عضو کمپین یک میلیون امضا به اتهام توهین به رئیس جمهور و رهبر در وبلاگ، شرکت در تجمعات اعتراضی تهران و ارتباط با بیگانگان از طریق ارسال اخبار و گزارشات به یک سال حبس تعزیری و پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد.

لازم به ذکر است آقای رضا اکوانیان ۲۵ ساله و اهل شهرستان دهدشت، ساکن یاسوج در ۱۳ بهمن ماه سال گذشته توسط ماموران وزارت اطلاعات و به همراه دو تن از اقوام خود بازداشت و مورد شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفته بود.

اعتراض، بازداشت، مجازات

بیانیه ی کانون مدافعان حقوق کارگر در باره دستگیری علی اخوان



ساعت دو نیمه شب سیزدهم خرداد، ماموران امنیتی به منزل شخصی علی رضا اخوان وارد شده و بدون داشتن حکم قانونی، پس از جست و جوی کامل منزل که بیش از دو ساعت به طول انجامید، وی را دستگیر کرده و با خود بردند. در تماس تلفنی که او پس از ۲۴ ساعت با منزل داشته، از بازداشت خود در سلول انفرادی ۲۰۹ اوین خبر داده است. علیرضا اخوان هیچ گونه فعالیتی به جز دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان نداشته است.

تا کنون هیچ گونه اتهام مشخصی علیه وی اعلام نشده است. این اولین بار نیست که حقوق اولیه افراد نقض شده و مراحل قانونی در باره دستگیری افراد زیر پا گذاشته می شود.

کانون مدافعان حقوق کارگر ضمن محکوم کردن بازداشت غیر قانونی یکی از یاران خود، خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی می باشد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

بازداشت کاوه گل محمدی فعال کارگری و برادرش کیانوش گل محمدی در کامیاران

اخبار روز:

بنابر گزارش رسیده به سایت دانشجویان سوسیالیست روز پنجشنبه ۱۳ خرداد ماموران اطلاعات و سپاه پاسداران شهر کامیاران و روستاهای گشکی و گازرخانه، کاوه گل محمدی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری و کیانوش گل محمدی برادر ۱۸ ساله اش که مشغول تحصیل هستند، از ساعت ۹ صبح تا ۶ عصر در پاسگاه روستای گازرخانه بازداشت و مورد اذیت و آزار قرار داده اند و کاوه گل محمدی را به دست کشیدن از فعالیت کارگری مورد تهدید قرار داده اند و همچنین اقدام به تفتیش موبایل کاوه گل محمدی کرده اند.

ماموران اطلاعات و سپاه از آن روز تاکنون کاوه گل محمدی فعال کارگری را چندین بار از طریق تماس تلفنی مورد تهدید قرار داده اند که از فعالیتهای کارگری دست بکشد.

وضعیت نامشخص محمد پور عبدالله فعال چپ دانشجویی

محمدپور عبدالله، دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه تهران، با گذشت حدود یک سال و نیم از دوران بازداشت، همچنان در زندان قزل حصار به سر می برد. این فعال چپ دانشجویی که در دادگاه بدوی به شش و در دادگاه تجدیدنظر به سه سال زندان محکوم شده است.

به گفته یکی از خانواده محمد پور عبدالله "چند روز دیگر، یک سال و نیم از بازداشت محمد می گذرد. در این مدت محمد را در زندان قزل حصار نگه داشته اند. زندانی که اساساً متعلق به زندانیان عادی و مجرمان خطرناک است. حتی یک بار هم به محمد اجازه مرخصی نداده اند. وضع این زندان آنقدر آشفته است که تاکنون اصلاً چنین فرمی به دست محمد نرسیده است."

وی اضافه کرد: "با کمک وکیل محمد به دنبال این هستیم که زمینه آزادی مشروط وی را فراهم کنیم."

سیزده زندانی در قزل حصار اعدام شدند اعدامیان خرداد ماه به 31 تن رسید

خبرگزاری هرانا

سحرگاه امروز 13 تن از زندانیان زندان قزل حصار کرج که پیشتر در دادگاه های عمومی و انقلاب به اعدام محکوم شده بودند، به دار آویخته شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، روز گذشته 26 تن از زندانیان محکوم به اعدام جهت اجرای حکم به قرنطینه زندان قزل حصار منتقل شدند. محمد مصطفایی، وکیل پایه یک دادگستری روز گذشته در مصاحبه با رسانه های برون مرزی خبر انتقال زندانیان را از طریق یکی از موکلین خود به رسانه ها اعلام نمود. آقای مصطفایی اعلام داشت که اکثر این زندانیان درخواست عفو به کمیسیون مربوطه ارائه نموده بودند که مورد موافقت قرار نگرفته است و در پرونده برخی از این افراد سابقه کیفری وجود نداشته است. از اسامی و چگونگی اجرای حکم این افراد اطلاعی در دست نیست و رسانه های حکومتی تا کنون خبر اجرای حکم این تعداد زندانی را با ذکر جزئیات اعلام نکرده اند. گفته می شود اکثر این افراد به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر به اعدام محکوم شده اند، واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر تعداد اعدام شدگان خرداد ماه را تا کنون 31 نفر اعلام نموده است.

اعتصاب غذای یکی از فعالین دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

اخبار روز

گزارش دریافتی: بر اساس خبرهای رسیده از مشهد بعد از ظهر روز دوشنبه محسن صنعتی پور در اعتراض به حکم کمیته انضباطی دانشگاه فردوسی، دست به اعتصاب غذا زد. این اعتصاب غذا در حالی صورت می گیرد که در چند هفته اخیر کمیته انضباطی دانشگاه فردوسی مشهد تحت فشار نیروهای امنیتی حکم دو ترم محرومیت از تحصیل را برای محسن صنعتی پور صادر کرد.

این فعال دانشجویی که دبیر تشکیلات فراکسیون مدرن انجمن های اسلامی دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد می باشد در گفتگویی با منابع آگاه خبری در مشهد تاکید کرد: "تا شکستن حکم غیرقانونی دو ترم محرومیت از تحصیل از سوی کمیته انضباطی دست از اعتصاب غذا بر نخواهم داشت." منابع آگاه دانشجویی در مشهد گزارش می دهند که اعتصاب غذای محسن صنعتی پور در اعتراض به حکم کمیته انضباطی دانشگاه با حمایت اعضای فراکسیون مدرن و سایر فعالین دانشجویی در مشهد همراه بوده است. محسن صنعتی پور عضو شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت و عضو فعال ستاد دانشجویی مهدی کربوبی در استان خراسان بوده است و در شهریور ماه ۸۸ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد و پس از حدود یک ماه بازداشت با سپردن وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.

گفتنی است در چند روز اخیر آیت الله علم الهدی امام جمعه مشهد در خطبه های نماز جمعه خواستار انقلاب فرهنگی دوم در دانشگاه های کشور شد.



بهزاد باقری، فعال دانشجویی بازداشت شد



خبرگزاری هرانا

بهزاد باقری، فعال دانشجویی، روز شنبه ۸ خردادماه، در شاهین شهر اصفهان بازداشت شد. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، تا این لحظه تلاش خانواده و مادر این فعال دانشجویی برای به دست آوردن خبری از علت بازداشت و محل نگهداری وی بی نتیجه بوده است. بهزاد باقری دانشجوی دانشگاه تهران، در نشریات دانشجویی «خاک» و «طلوع» فعال بود و پیش از این در جریان بازداشت گسترده دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب در سال ۸۶ بازداشت شد. پیشتر، بهمن خدادادی از دیگر فعالان دانشجویی طیف چپ در اصفهان در ۱۸ اردیبهشت ماه بازداشت شد. در ماه های اخیر تعداد دیگری از فعالان دانشجویی طیف چپ در اصفهان، از جمله اشکان شریعتی احضار شده و مورد تهدید قرار گرفته اند.

یک نفر در اصفهان اعدام شد شمار اعدامیان امروز به چهارده تن رسید

خبرگزاری هرانا

سحرگاه امروز یک زندانی در زندان مرکزی اصفهان به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر اعدام شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، یک زندانی مرد به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر برای مصرف شخصی که پیشتر از سوی شعبه چهار دادگاه عمومی اصفهان به اعدام محکوم شده بود و پس از تأیید توسط دادستانی کشور در سی و یکم خرداد ماه سال گذشته در محوطه زندان مرکزی اصفهان اعدام شد. شایان ذکر است نامبرده دو مرتبه درخواست عفو به کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضائیه ارائه داده بود که هر بار درخواست از سوی کمیسیون مذکور رد شد. لازم به یادآوریست هفته گذشته در این زندان یک تبعه افغان نیز به دار آویخته شده بود. گفتنی است صبح امروز در زندان قزل حصار کرج نیز 13 زندانی که به اعدام محکوم شده بودند به دار آویخته شدند، واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با احتساب اعدامهای امروز تعداد اعدامیان از اول خرداد ماه را 32 تن اعلام کرد.

محمود بهشتی، سخنگوی کانون صنفی معلمان مجدداً بازداشت شد



خبرگزاری هرانا

محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران روز یکشنبه مورخ 17 خرداد ماه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان که پیشتر در آستانه هفته معلم در هشتم اردیبهشت ماه بازداشت و یازدهم خرداد ماه آزاد شده بود مجدداً از سوی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی بازداشت شد. شایان ذکر است، آقایان عبدی و باغانی از دیگر معلمان بازداشتی هم چنان در بند 209 زندان اوین نگهداری می شوند.

دولت خامنه ای - احمدی نژاد، با تقلب گسترده بار دیگر به حقوق مردم تعرض کرد و ملت مصمم در مقابله با حکومت کودتا و خواست آزادی و نفی دیکتاتوری با شرکت وسیع و یکپارچه با نمادهای سبز و سکوت به مصاف ارتجاع رفت. پاسخ رژیم غیر قانونی، خشونت و گلوله، گزرمه های مزدور حکومتی بود. در این روز جواب ملتی را که خواهان عدالت و اجرای قانون بودند با رگبار گلوله پاسخ داد و نشان داد که دیگر هیچ حقانیتی در بین مردم ندارد. این روز آغاز پیروزی خرد بر جهل، آزادی بر بندگی، پویایی بر ارتجاع و سکوت بر گلوله بود.

ماشین سرکوب حکومت بار دیگر با تجاوز، زندان، شکنجه و ترور به امید پراکندن رعب و وحشت باز بر اه افتاد که اوج آن اعتراف گیری های احمقانه رژیم و دادگاه های استالینیستی برای خاموش کردن موج سبزی بود که می رفت در گوشه گوشه کشور پراکنده شود. هاله تقدس حکومتی که با حيله بر پا بود با برملا شدن اقتضاح شکنجه و تجاوز در شکنجه گاه کهریزک و سایر کشتارگاه های رژیم اسلامی، ترکیب نهال سبز آزادی با خون زنان و مردان ایران زمین چون ندهاها و سهراب ها رشد کرد.

جنبش سبز در واقع رویارویی ملتی است با خشن ترین و بی رحم ترین نظام های استبدادی دینی قرن حاضر، که مخالف هر نوع دگر اندیشی است. کارنامه یکسال گذشته جنبش ملت ایران، نشان می دهد، که شرایط و عواملی که با عث تولد آن بود، چگونه ایست که با گسترش و نفوذ جنبش در جامعه، تضادهای درون حکومت را به مراتب بیشتر کرده و می کند. شکاف موجود میان حکومتگران و مردم، به دلیل بحران اقتصادی، فساد و ارباب بیشتر شده است.

در صحنه جهانی، بخاطر سیاست های ماجراجویانه و ضد ملی و عدم کفایت، لیاقت و مدیریت حاکمان مستبد، کشور را در یک تحریم و انزوای خاص قرار داده اند. در مقابل جنبش سبز با خواست آزادی و عدالتخواهی و احترام به حقوق انسانها و عقاید از هر قوم و قبیله و باور، می رود که در گوشه گوشه ایران ریشه بگستراند.



مهمترین دست آورد این جنبش خواست تغییر در درون جامعه بود که رژیم اسلامی، نظامی، امنیتی را در سراسریی و ازگونی قرار داده است. جنبش سبز باید همبستگی را در میان همه اقشار و اقوام ملت ایران تقویت نماید به خواست به حق خود برای آزادی و استقلال و پیشرفت و تفاهم همه ملت پافشاری کند. چالش قدرت میان مردم و کودتاگران در یکسال گذشته نشان داده است که کودتاگران تنها با اهرمهای زور و تزویر، شکنجه، سانسور و ترور به حکومت استبدادی ننگین خود ادامه می دهند. جنبش مدنی و عدالت طلبی ایران نیز همراه با گسترش آگاهی و نفوذ در لایه های گوناگون اجتماعی با بازنگری روند مبارزه یکسال گذشته خود به دنبال رهکارهای نوین برای ادامه مبارزه است. وظیفه ایرانیان برون مرز، پشتیبانی از مبارزات و منافع ملت ایران، پاسخ فعالانه به ندهای حق طلبی آنان است. به پاس از خود گذشتگی زنان و مردان آزاده ای که هم اکنون در زندانهای رژیم اسلامی و یا در بازداشت های خانگی

فراخوان به تظاهراتهای ۲۲ خرداد در شهرهای مختلف ایران و خارج از کشور

فراخوان حامیان جنبش سبز در شهرهای مختلف کشور برای برگزاری مراسم ۲۲ خرداد

تهران، شیراز، اصفهان، اهواز، رشت، یاسوج



جرس:

در آستانه ۲۲ خرداد ماه و برگزاری تجمعات و راهپیمایی های اعتراضی سالگرد انتخابات، حامیان جنبش سبز - همزمان با تهران- در شهرهای دیگر همچون شیراز، اصفهان، یاسوج، رشت، اهواز و شهرهای مختلف استان مازندران نیز، برای برگزاری تظاهرات و تجمع، فراخوان عمومی صادر کردند.

به گزارش منابع خبری جرس، حامیان جنبش سبز شیراز نیز، با خاطرنشان کردن اینکه "در ۲۲ خرداد سال صبر و استقامت ملی، به دریای بیکران سبز ملت می پیوندیم"، مراسم خود را راس ساعت پنج و نیم بعد از ظهر با حرکت از چهار راه ملاصدرا به سمت میدان نمازی، اعلام کرده اند. این فراخوان محل جایگزین را "راس ساعت شش و نیم بعد از ظهر در میدان دانشجو" و مسیر جایگزین آخر (در صورت رخ داد احتمالی هر گونه حادثه) را، "ساعت ۲۰، از پارامونت به سمت سینما سعدی"، اعلام کرده است.

این منابع خبری همچنین مراسم اصفهان را راس ساعت ۱۸ روز شنبه ۲۲ خرداد، از "خیابان چهارباغ عباسی (انقلاب) به سمت دروازه دولت" اعلام کرده اند.

حامیان جنبش سبز در رشت، مراسم خود را در "مقابل دانشگاه علوم پایه" و راس ساعت ۱۸ برگزار خواهند کرد.

در اهواز ساعت ۱۹ روز شنبه، و در محل "پل چهارم و فلکه شهداء به سمت خیابان نادری"، تظاهرات برگزار خواهد شد.

سبزه های یاسوج، ساعت ۱۶ روز ۲۲ خرداد، در "حداصل میدان هفت تیر تا هتل ارم"، را محل تجمع خود قرار داده اند.

جزئیات برگزاری تجمعات و تظاهرات شهرهای دیگر، متعاقباً اعلام می شود.

ما ایستاده ایم سبز تر از همیشه

نخستین سالگرد جنبش سبز آزادیخواهی و عدالتخواهی مردم ایران

در آستانه سالگرد کودتا شاهد گسترش جنون آمیز ترور حکومتی هستیم. یکسال از تولد جنبش اعتراضی مردم ایران می گذرد. ملتی که در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برای بدست آوردن حقوق دزدیده شده خود و با شعار < رای من کجاست؟ > به خیابانها آمد، چنان نمایی از شجاعت و درایت و ایستادگی از خود نشان داد، که به راستی نقطه عطفی را در جنبش های مدنی معاصر بشری رقم زد.

مهمترین عامل زایش جنبش نو پای ایران که ریشه در عمق آن آب و خاک دارد در حقیقت وجود خود حکومت استبداد دینی بود. کارنامه خیانت حاکمان بر ایران، به ارزش ها و اهداف انقلاب ۱۳۵۷ که با گسترش و استقرار حکومت مطلقه، تبعیض و خشونت و نفی حقوق انسانی مردم ایران بنام دین و مذهب، گسترش یافته بود، با به روی کار آمدن احمدی نژاد و نشستن او بر اریکه قدرت به اوج خود رسید.

در دوره نخست زمامداری اش با جبر و ارباب و حذف نیروهای غیر خودی و متمرکز نمودن قدرت در دست پاسداران و گروههای معلوم الحال (فداییان اسلام، حجتیه و مؤتلفه) شدت یافت. مردم ایران بخاطر حقوق از دست رفته و بی عدالتی، در اعتراض به رژیم، با شوق و حضور گسترده در انتخابات ۲۲ خرداد شرکت نمودند، به این امید که به کارنامه تبااهی و دروغ و خرافات احمدی نژاد < نه > بگویند.

ما به خرداد پر از حادثه عادت داریم!

هموطن!
یک سال گذشت. خرداد پر حادثه یک ساله شد!
یادتان هست؟!
خیابان های یک پارچه سبز وطن!
تظاهرات میلیونی سکوت!
سرود یار دبستانی و الله اکبر شبانه!
صدای گلوله و بوی گاز اشک آور!
ندا با سر مه خون!
سهراب با سریند سبز!
زندان، شکنجه و اعترافات دروغین!
مادران عزادار و پارک لاله!
مجید های با حجاب و شیوا های دربند!
محرم سبز و عاشورای خونین!
اوین و جوخه اعدام!
آری ما به خرداد پر از حادثه عادت داریم!

هموطن!
برای زنده شدن خاطرات خرداد سبز، بار دیگر در این خرداد صبر به خیابان می آیم!
همگام و همصدا با نداها و سهراب ها، همدرد با مادران سیاهپوش وطن و هم پیمان با زنان و مردان دربند استبداد به خیابان می آیم تا خردادی دیگر بسازیم!
همراه شو هموطن، ما بیشماریم!
ما پیروزیم، زیرا بزرگترین اعتراض ما، امید ماست
گروه ۲۲ خرداد - هامبورگ دعوت می کند:
زمان: ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۲ یونی ۲۰۱۰
ساعت: ۱۲
مکان و مسیر تظاهرات:

Hamburg
Theodor-Heuss-Platz Marschroute:
(S-Dammtor), Gänsemarkt
Jungfernstieg, Mönckebergstraße,
Hamburger Hauptbahnhof Kirchenallee,



بسر می برند و پاسداشت خون کشته شدگان راه آزادی و مردمسالاری و عدالتخواهی همه کسانی که در مقابله و رویارویی با عوامل ارتجاع سیاه و دژخیمان برای پاسداری و آبیاری این جنبش در ایران به نبرد ادامه می دهند، کوس رسوایی رژیم خودکامه و خونریز حاکم بر ایران را در جای جای جهان به صدا در آوریم. بامداد آزادی در راه است.
جاودان باد یاد و خاطره بخون خفتگان راه آزادی

United 4 Iran - Düsseldorf

مراسم مشترک ۱۷ نهاد ایرانی در سالروز جنبش اعتراضی مردم ایران

برگزاری سالگرد جنبش اعتراضی مردم ایران
علیه سرکوب و اعدام!
برای آزادی و انتخابات سالم و آزاد!

در سالگرد آغاز جنبش بزرگ مردم ایران؛ در پشتیبانی از خواسته های انسانی مردم کشورمان؛ روز شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ (۱۲ ژوئن ۲۰۱۰):
- برای تامین آزادی، حقوق اساسی مردم و استقرار دموکراسی در کشور
- برای آزادی همه زندانیان سیاسی - عقیدتی، آزادی احزاب، مطبوعات و رسانه ها، و برگزاری انتخابات سالم و آزاد.
- برای توقف ماشین سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام... گرد خواهیم آمد.
مردم ایران دست در دست هم به چالش سنگین با استبداد حاکم بر کشور برخاسته اند. آنها برای آزادی و عدالت مبارزه می کنند و از هموطنان خارج از کشور خود انتظار دارند تا پژواک فریادشان باشند.
در این راستا، حرکت مشترک سالگرد جنبش اعتراضی مردم ایران، در این روز و در شهر کلن برگزار خواهد شد.
این حرکت با همکاری گروهی از نهادها و کانون های ایرانی استان «نوردراین وستفالن» - استان غربی آلمان - تدارک دیده شده است که در روزهای آینده جزئیات بیشتری از آن در رسانه ها اعلام خواهد شد.
ما امضاکنندگان این فراخوان برای هر چه بهتر برگزار شدن این همایش، از پشتیبانی و همکاری دیگر نهادها، کانون ها و انجمن ها، صمیمانه استقبال می کنیم.
زمان: شنبه ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰ - (۲۲ خرداد ۱۳۸۹) - ساعت ۱۷ تا ۱۹
مکان: شهر کلن - شروع با «مارش سکوت» از Neumarkt به طرف Heumarkt و سپس گردهمایی در Heumarkt
۱ - جمعیت کردهای مدافع حقوق بشر - کلن
۲ - کمیته همبستگی با اعتراضات مردم ایران - آخن
۳ - اتحاد برای ایران (کلن - بن)
۴ - پشتیبانان دموکراسی و حقوق بشر - ايسن
۵ - حامیان مادران عزادار در ایران - مادران صلح دورتموند
۶ - ایران از اد - کانون دفاع از حقوق بشر، آزادی و دموکراسی (بوخوم، دورتموند)
۷ - گروه همبستگی با مادران عزادار ایران - کلن
۸ - کمیته جمعی از ایرانیان نورد راین وستفالن (کلن، ايسن، دورتموند، دوسلدورف، بوخوم)
۹ - جمعیت پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک مردم ایران - کلن
۱۰ - جوانان و دانشجویان موج سبز - کلن
۱۱ - اتحاد برای ایران - دوسلدورف
۱۲ - پشتیبانان جنبش سبز - مونستر
۱۳ - انجمن پویا - کلن
۱۴ - چپ دموکرات آذربایجان (هیت تحریریه سایت آذربایجان)
۱۵ - جوانان، دانشجویان و فعالان سیاسی مستقل ایرانی (اویسپا)
۱۶ - خانه همبستگی مهر
۱۷ - کانون ره آورد - آخن
پشتیبانان این مراسم:

- ۱ - ما هستیم»
- ۲ - خانه کورد و آلمان در شهر کلن
- ۳ - سنتر زنان کورد در شهر کلن
- ۴ - انجمن آلمانی - ایرانی (دیفا) - آخن

پاریس



و سرانجام بیست و دوم خرداد ۸۹ رسید، یک سال گذشت و سال‌ها پیر شدیم.

حال که با چشمی خون فشان و دیده‌ای گریان به یاد تمام شهدای جنبش سبزمان، به آنچه بر ایران ۸۸ رفت می‌نگریم، در خرداد ماه روایت حکومتی را می‌بینیم که در روزی موعود سر به طمع تعداد آرا برده و دندان بر رای مردم نیز کرده بود. روایت ملتی را می‌بینیم که یکپارچه در "نه به رئیس جمهور" متحد شده بود؛ روایتی از توافق نانوشته میلیون‌ها انسان در حق تعیین سرنوشت خویش. حکومتی که به پندار خویش آرزوهای ملتی را در صندوق‌های رای مدفون ساخته بود و همه چیز را تمام شده تلقی می‌کرد، به ناگاه با رستاخیز ملتی مواجه شد که در صیانت از رای خود از خون خویش دریغ نمی‌کردند. روز ۲۲ خرداد نه فقط روز تجلی اراده مردم، که فصلی نو در تاریخ مبارزات صدساله ایرانیان در نیل به دموکراسی و آزادی بود و اینچنین بر وجدان جمعی ملتی نقش بست. کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی در نظر دارد به مناسبت اولین سالگرد بیست و دوم خرداد ماه همگام و همصدا با ملت ایران زنجیره‌ی سبز انسانی را در مقابل دیوار صلح پاریس تشکیل دهد. از همین رو این کمیته از همه هموطنان عزیز دعوت می‌کند تا در روز ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ با شرکت در این تجمع همه با هم یاد و خاطره یک سال مبارزه بی‌امان بر سر حقوق اولیه انسانی مردم کشورمان را گرامی داریم و خاطره ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ را پیوند زیم به روزی که هیچگاه فراموشش نخواهیم کرد.

کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی در پاریس

برلین:



فرانکفورت:



گردهمایی و راهپیمایی در سالگرد ۲۲ خرداد در استکهلم

همبسته با ایرانیان جهان و همراه با نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد و وزیر اتحادیه اروپا

هموطن!

۲۲ خرداد سالروز اراده ملی برای نفی استبداد دینی، سالروز کودتای انتخاباتی نظام برای تحقیر اراده ملت و سالروز خیزش میلیونی مردم برای پایان بخشیدن به قدرت جبارانی است که ایران را بیش از ۳ دهه است که ویران ساختند. ۲۲ خرداد سالگرد انفجار بغض فرو خفته ایرانیان و زایش جنبش سبز و رنگین کمانی است که در پی ۳ دهه ایستادگی، با شعار "رای من کجا است" پا به میدان گذاشت و به سرعت با بانگ نه به ولایت فقیه همراه شد. هموطن! در سالگرد ۲۲ خرداد همبسته با ایرانیان سراسر جهان در اتحاد برای ایران، در اعتراض به احکام زندان، شکنجه، اعدام و سرکوب مردم ایران، برای جلب حمایت جهانیان، برای نه بزرگ دیگری به استبداد دینی حاکم و برچیدن هر نوع تبعیض (دینی، جنسیتی، اتمیکی و...) و برای برپایی ایرانی آباد و آزاد و تامین حقوق برابر برای همه شهروندان، با هر رنگ و مرام و پیشینه ای، با شرکت خود در گردهمایی و راهپیمایی شنبه ۱۲ یونی ساعت ۳ بهد از ظهر در میدان مرکزی شهر، بار دیگر نشان دهیم که اراده ایرانیان برای تغییر را نمی‌توان در هم شکست! در این تظاهرات برگیتا اولسون وزیر اتحادیه اروپا در دولت سوئد و رهبران و نمایندگان از احزاب سوسیال دموکرات، چپ و سبز سوئد در حمایت از جنبش مردم ایران سخن خواهند گفت.

همراه شو عزیز که این درد مشترک، جدا جدا درمان نمی‌شود!
زمان: شنبه ۱۲ یونی ساعت ۳ بعد از ظهر، مکان میدان سرگل
جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران

همایش بزرگ سراسری ایرانیان مقیم نروژ در همبستگی با جنبش آزادیخواهانه مردم ایران

همراه شو عزیز

یکسال از خیزش سبز و خروش مردم میهنمان با خواست پایان دادن به سه دهه سرکوب و نسل کشی رژیم جمهوری اسلامی می گذرد. خرداد سال ۸۸ مردم میهنمان بغض فروخورده در طی سی سال حکومت ولایت فقیه را به فریادی رسا مبدل کردند.

با اوج گرفتن مبارزات مردم میهنمان، وحشیگری و جنایت رژیم صد چندان اما مبارزه برای آزادی و برابری عمیقتر، آگاهی و مقاومت مردم در مقابل سرکوبهای بیرحمانه و ضد انسانی افزونتر گشت.

در حمایت از جنبش آزادیخواهانه سبز مردم میهنمان، ایرانیان خارج از کشور نیز با خبر رسانی و برگزاری همایش ها و تظاهرات در تمام این دوران سخت و جانفرسا به حمایت از این جنبش برخاسته و در این راه از هیچ کاری دریغ نورزیدند.

به همین مناسبت در اقدامی کم سابقه تعدادی از احزاب، سازمانها و فعالین سیاسی و مدنی با گرایشهای مختلف در برگزاری این همایش پرشکوه حضور فعال خواهند داشت و این خود گامی بزرگ در جهت اتحاد همه ایرانیان برای برگزاری هرچه باشکوه تر همایش های اعتراضی در خارج کشور خواهد بود.

از این رو ما برگزار کنندگان این همایش از شما مردم آزاده دعوت می کنیم در این گردهمایی شرکت کنید تا صدای رسای آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم میهنمان را به گوش جهانیان بویژه مردم آزادیخواه، صلح طلب و بشر دوست نروژ برسانیم.

برای هموطنانی که خارج از اسلو زندگی می کنند، محل اقامت تدارک دیده شده است. برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن روابط عمومی و مسئول هماهنگی برگزار کنندگان با شماره زیر تماس حاصل فرمائید.

شماره تلفن مسئولین هماهنگی (41643567 و 48147267)

مکان: مقابل پارلمان نروژ

زمان: ساعت ۱۶ روز شنبه ۱۲ یونی برابر با ۲۲ خرداد

کمیته نروژی-ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران - نروژ

فراخوان دانشجویان سبز دانشگاه آزاد لاهیجان: وعده ما ۲۲ خرداد، سراسر ایران

دانشجویان سبز دانشگاه آزاد لاهیجان با صدور بیانیه ای از هم میهنان در سراسر کشور درخواست کرده اند تا در سالروز انتخابات ریاست جمهوری اعتراض گسترده خود را به حاکمیت کودتا نشان دهند.

به گزارش دانشجویان، این دانشجویان در بخشی از فراخوان خویش آورده اند: "اکنون با افتخار اعلام میکنیم جنبش سبزی که با امید وارد عرصه شد هنوز بیدار است و تا گرفتن حق کامل خود دست از تلاش بر نخواهد داشت، چون این جنبش در دلای ما نقش بسته و تا وقتی زنده ایم امیدوارانه برای رسیدن به اهدافمان تلاش میکنیم."

متن کامل بیانیه به شرح زیر است:

به نام خداوندی که جز مهربانی چیزی نیست

از طرف جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه آزاد لاهیجان سخن دل را با هم میهنان عزیز مطرح میکنیم...

یک سال گذشت، در حالی که سال پیش در چنین زمانی با شادی فراوانی سعی داشتیم تا با دستان سبزمان کشور عزیز و پر افتخار ایران را بار دیگر از نو بسازیم، اینبار نسل جدیدی قدم در راه جدیدی گذاشت، با تمام ناامیدی هایی که داشتیم ولی باز امیدوار بودیم ایران ما آباد میشود، آزاد میشود... با افکاری مختلف گرد هم آمدیم و به یک هدف واحد رسیدیم با حضور خود در انتخابات نشان دادیم که ما بیشماریم و ما میخوایم ایران را دوباره ایران ببینیم، اما...

آن روزها برای ما فراموش نشدنیست، بهت و حیرت بعد از اعلام نتایج، در حالی که تمام نظرسنجی های قبل از انتخابات چیز دیگری میگفت، رای دیگری از صندوق بیرون آمد. باز دلسرد نشدیم، به امید پس گرفتن رای هایمان میدان را ترک نکردیم، انکار کردند، باور نکردیم... با سکوت میلیون ها نفر در کنار هم به خیابانها آمدیم تا حقمان را بگیریم، سکوت ما را با باتوم پاسخ دادند و

اصرار ما به ادامه تظاهرات را با کشتار...

اگر نخست برای پس گرفتن رای خود مقابل زور ایستادیم، بعد از اتفاقاتی که با چشم خود دیدیم و با گوش خود شنیدیم مسئولیت سنگین تری را به دوش خود میکنیم، برادران و خواهرانمان جان خود را فدا کردند چون کشورشان را دوست داشتند.

اکنون با افتخار اعلام میکنیم جنبش سبزی که با امید وارد عرصه شد هنوز بیدار است و تا گرفتن حق کامل خود دست از تلاش بر نخواهد داشت، چون این جنبش در دلای ما نقش بسته و تا وقتی زنده ایم امیدوارانه برای رسیدن به اهدافمان تلاش میکنیم.

از همه دانشجویان سبز و هموطنان عزیز درخواست میکنیم که روز ۲۲ خرداد امسال را مثل سال پیش سبز کنید تا نشان دهیم جنبش سبز هنوز بیدار و امیدوار است و به طرفداری از نمایندگانشان همچنان خواهان حق خود هستیم و تا گرفتن حقمان کنار نمیکشیم...

به امید دیدار، وعده ما ۲۲ خرداد، سراسر ایران

فراخوان دانشجویان سبز دانشگاه آزاد اهواز به برگزاری مراسم 22 خرداد:

استوار ایستاده ایم

به گزارش دانشجویان سبز دانشگاه آزاد اهواز با صدور بیانیه ای، ایرانیان را به برگزاری با شکوه مراسم اعتراضی در سالگرد انتخابات ریاست جمهوری فراخوانده اند.

متن این فراخوان در زیر می آید:

به نام مهربانترین

دوستان و همراهان خستگی ناپذیر سبز یکسال گذشت، یکسالی که با هیچ دوربینی نمیتوانیم آن را به تصویر بکشیم!

اتفاقاتی در سال گذشته رخ داد که تمامی امیدمان به اصلاح پذیر بودن بانیان

قدرت را نا امید کرد و تنها راه باقی

مانده را استقامت در برابر زورگویان تا پیروزی دانستیم.

از طرف دانشجویان سبز دانشگاه آزاد اهواز اعلام میکنیم با وجود محرومیت ها و احظار به کمیته انضباطی های

سال گذشته ما همچنان سبز هستیم و هیچ جای تردیدی نداشته باشید که ۲۲ خرداد در کنار هموطنانمان در شهر

اهواز و در کنار رئیس جمهور موسوی و همه ایرانیان خواهیم بود.

آنچه در سال گذشته بر ما رفت:

احضار بیش از ۱۰۰ نفر از دانشجویان به کمیته انضباطی فقط در آستانه ۱۶ آذر برای سرکوب دانشجویان اهوازی بود.

اعتراضات گسترده و در پی آن محرومیت از تحصیل و احظار به کمیته

انضباطی دانشگاهمان در ۱۳ آبان بود.

و...

همچنان دانشگاه آزاد اهواز زنده است...

آن روزها را هرگز فراموش نمیکنیم و اگر سال گذشته خواسته ما تنها رای ما بود، اینک با مشاهداتی که در

یکسال گذشته داشتیم وظیفه خطیر تری را بر دوش خود احساس میکنیم، شهدائی که در راه کشور تقدیم کردیم

و زندان هایی که تحمل کردیم و اخراج هایی از دانشگاهها که دیدیم و.... مگر امثال بروایه ها چه میخواستند

جز طلب کردن رای شان! آیا جواب سوال آنها گلوله های بانیان قدرت بود؟ این بود آن عدل علوی که از آن دم میزدید؟

با صدائی بلند فریاد میزنیم ما دانشجویان سبز دانشگاه آزاد اهواز بیداریم و

استوار ایستاده ایم و اجازه نخواهیم داد

دولت کودتا به اهداف شوم خود برسد و کشور را فدای هوس بازیهای قدرت

طلبان کند. و از پدران و مادران

خود میخوایم ما را در ۲۲ خرداد تنها نگذارند و همراه فرزندان خود برای

کشور خود و احقاق حقوق از دست

رفته خود در کنار فرزندان خود باشند.

تاریخ در تغییر است و آنچه به یادگار میماند استقامت کنونی ماست.

دانشجویان سبز دانشگاه آزاد اهواز

برمن: دعوت به گرامیداشت حماسه ۲۲ خرداد

هموطن گرامی،

خیزش گسترده مردم ایران در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ به امید دستیابی به دگرگونی های آزادیبخش با دروغ و تقلب اقتدارگرایان و دشمنان سربلندی ایران از دستیابی به اولین هدف خود موقتاً باز ماند.

این هدف همانا کنار زدن عقب افتاده ترین و منفورترین دولت در جمهوری اسلامی ایران بود.

این خیزش با شکوه اما نتایج بسیار عمیق، پربار تر و مهم تری به همراه داشت؛ - آشکار شدن باطن خشن و ضد انسانی رژیم و فساد گسترده و پوسیدگی درونی آن

- اتحاد وسیع و بالنده اقشار گوناگون مردم برای احقاق حقوق شهروندی خویش و دستیابی به آزادی و دموکراسی

از اینرو شایسته است که روز آغاز این حماسه نوین دادخواهی را چون آتشی که اردوگاه آزادیخواهی را گرم و روشن میدارد سپاس بداریم.

با گردهمایی خود در تجمعی که بدینوسیله برگزار میشود سهم کوچکی را در این حرکت ادا کنیم!

زمان: شنبه ۱۲ یونی ساعت ۱۱ تا ۱۳

مکان: an der Domsheide - روبروی مرکز پست برمن

برگزارکنندگان:

کانون حمایت از مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران

تظاهرات و راهپیمایی در واشنگتن دی سی به مناسبت ۲۲ خرداد

هم وطن

گاهی دیگر است و وطن رنگ خون دارد. فریادها خونین که بوی آتش از جای جای ایران به مشام می رسد.

هم وطن سالگرد حماسه ۲۲ خرداد است و طنین صدای تو نور امیدی ست بر دلهای ایرانیانی که در میان گلوله و آتش ندای آزادی و آزادیخواهی سر می دهند.

هموطن

همراه این فریاد شو. خودت را به آبهای خروشان و دلهای دریایی مردمیت بسپار مردمی که خواستار حق تعیین سرنوشت خویش هستند.

کمیته همبستگی با خواسته های دموکراتیک مردم ایران با همکاری جوانان ایرانی - آمریکایی در چنین روزی همگام با مردم ایران در واشنگتن - دی سی تظاهرات برگزار می نماید. گام هایت را در چنین روزی با مردم ایران هماهنگ کن. همراه شو تا از حق داشتن آزادی های اساسی برای مردمیت دفاع کنی. ندای بهره مندی همه ایرانیان از حقوق بشر و حقوق شهروندی، شعار تامین آزادی های اساسی و دموکراسی و حق برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه برای همه را به گوش افکار عمومی برسان و دستهایت را به دست گرم هموطنانت بده تا دوباره سرود عشق و دوستی و یکرنگی سر دهیم.

وعده دیدار ما شنبه ۱۲ ژوئن

ساعت ۳:۳۰

مقابل دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن دی سی به سمت دفتر سازمان ملل.

رکابزنی و گردهمایی در آمستردام



هر یک از شهرهای شرکت کننده بطور سمبولیک تعدادی از زندانیان سیاسی را برجسته میکنند آمستردام: زینب جلیلیان، فعال سیاسی کرد، محکوم به اعدام بهاره هدایت، فعال دانشجویی و حقوق زنان، محکوم به دهسال حبس مجید دری، فعال دانشجویی محروم از تحصیل، محکوم به شش سال حبس برای علاقمندان به شرکت در اکسیون رکابزنی امکان کرایه دوچرخه ارزان قیمت در محل هماهنگ شده است به حمایت از فریاد آزادیخواهی مردم ایران برخیزید رکابزنی و گردهمایی در آمستردام تظاهرات جهانی ۲۲ خرداد، برای بزرگداشت سالگرد خیزش آزادیخواهانه مردم ایران، همزمان در بیش از ۶۵ شهر جهان

به حمایت از فریاد آزادیخواهی مردم ایران برخیزید تظاهرات جهانی ۲۲ خرداد، برای بزرگداشت سالگرد خیزش آزادیخواهانه مردم ایران، همزمان در بیش از ۶۵ شهر جهان

برای همبستگی با مبارزات مردم ایران برای آزادی، بر علیه اعدام، برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی

با سخنرانی سازمانهای بین المللی فعال حقوق بشر و فعالین دانشجویی و زنان هر یک از شهرهای شرکت کننده بطور سمبولیک تعدادی از زندانیان سیاسی را برجسته میکنند

آمستردام: زینب جلیلیان، فعال سیاسی کرد، محکوم به اعدام بهاره هدایت، فعال دانشجویی و حقوق زنان، محکوم به دهسال حبس مجید دری، فعال دانشجویی محروم از تحصیل، محکوم به شش سال حبس برای علاقمندان به شرکت در اکسیون رکابزنی امکان کرایه دوچرخه ارزان قیمت در محل هماهنگ شده است به حمایت از فریاد آزادیخواهی مردم ایران برخیزید

رکابزنی و گردهمایی در آمستردام تظاهرات جهانی ۲۲ خرداد، برای بزرگداشت سالگرد خیزش آزادیخواهانه مردم ایران، همزمان در بیش از ۶۵ شهر جهان برای همبستگی با مبارزات مردم ایران برای آزادی، بر علیه اعدام، برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی

با سخنرانی سازمانهای بین المللی فعال حقوق بشر و فعالین دانشجویی و زنان هر یک از شهرهای شرکت کننده بطور سمبولیک تعدادی از زندانیان سیاسی را برجسته میکنند

آمستردام: زینب جلیلیان، فعال سیاسی کرد، محکوم به اعدام بهاره هدایت، فعال دانشجویی و حقوق زنان، محکوم به دهسال حبس مجید دری، فعال دانشجویی محروم از تحصیل، محکوم به شش سال حبس برای علاقمندان به شرکت در اکسیون رکابزنی امکان کرایه دوچرخه ارزان قیمت در محل هماهنگ شده است



عکس های فرزند کمانگر در جلسه افتتاحیه سازمان جهانی کار

در جلسه افتتاحیه سازمان جهانی کار وابسته به سازمان ملل (آی ال او) هموطنان ایرانی حاضر، با بلند کردن عکس فرزند کمانگر به حضور نماینده حکومت آخوندی اعتراض کردند. اعتراض این هموطنان مورد تشویق افراد شرکت کننده در این کنفرانس قرار گرفت.

این سازمان کنفرانس سالانه خود را از روز دوم ژوئن در مقر اصلی خود در ژنو آغاز کرده است. این کنفرانس تا 18 ژوئن ادامه خواهد داشت.

راهپیمایی نمادین برای آزادی: از بلژیک به سوی ایران

آقای حمیدرضا برهانی استاد ورزشهای رزمی و فعال حقوق بشر، یک جوان ایرانی در بلژیک است که برای آزادی مردم ایران از بروکسل تا ایران را در روزهای آینده خواهد پیمود.

آقای برهانی بیشتر از آنکه نزد ایرانی ها شناخته شده باشد، با بلژیکی ها کار کرده و در رسانه ها و جامعه ورزشی این کشور شناخته شده تر هستند.

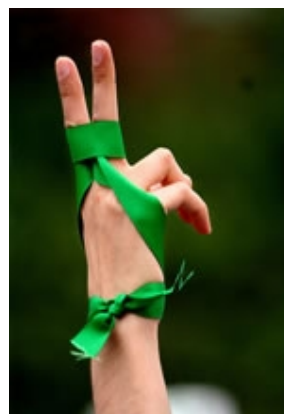
او در فیس بوک خود با درست کردن یک برگ دیگران را از این راهپیمایی آگاه کرده است:

Rally for freedom in IRAN

ایشان در اول ماه جون بروکسل را به سوی پاریس و روز گذشته پاریس را به سوی ژنو ترک کرد تا با دیگر همراهان خود به این راهپیمایی ادامه دهد، در عکسهایی را از ایشان می بینید



بیانیه تظاهرات ۲۲ خرداد دانشجویان دانشگاه های مشهد



اخبار روز:

گروهی از دانشجویان دانشگاههای مختلف شهر مشهد با صدور بیانیه ای محل های مورد نظر خود برای تجمع روز ۲۲ خرداد در دانشگاههای این شهر را اعلام کردند.

به گزارش تحول سبز، متن کامل این بیانیه بدین شرح است:

به نام خدا

دانشجوی عزیز سلام

سال پیش در همین روزها حال و هوای تازه ای بین ما بود، سرشار از شور برای تعالی بخشیدن ایرانمان

با تمام عقیده های گوناگون بسیاری از ما بر این عقیده شدیم که برای حداقل بهتر شدن اوضاعمان، برای کمی آزادی بیشتر همه با هم پای صندوق رای برویم و اینطور شد که تمامی اعضای یک خانواده که تاکنون هیچ دوره ای رای نداده بودند پای صندوق رفتند، اما آه از بعد آن روز، آه از ظلم در حق مان، ظلم بدین آشکاری بر انتخابمان.

امروز میخواهم این سخن با تو بگویم: هم کلاسی، هم دانشگاهی، هم شهری، ای هموطن اگر در این یکسال که گذشت آنچه من دیدم تو ندیدی، آنچه من شنیدم تو نشنیدی، آن غمی که از پرپر شدن ندای عزیزم، سهراب، ترانهو بقیه هموطنان شهیدمان بر من رفت بر تو نرفت، مرا با تو کاری نیست جز آنکه به وجدانت بسپارم؛

اما اگر ذره ای برای خونهایی که ریخته شد تا من و تو و فرادها فرزندانمان از میراث آزادی بهره مند شوند، ارزش قائلی؛ اگر بغض گرفته در گلو داری؛ اگر اندکی به جای خالی دوستان که از تحصیل محروم شدند فقط به خاطر طلب کردن حق شان، می اندیشی؛ وقت آن فرارسیده تا ۲۲ خرداد در کنار هم باشیم.

ترس به خود راه نده، مگر ندیدی و نشنیدی که ما بشماریم
ترس به خود راه نده که این روز، روز ریزش پایه های دیکتاتوری و استبداد است و پنجره ای باز به سوی فردایی آزاد
دوست عزیز منتظرت هستم؛ مرا تنها مگذار

و عده ما ۲۲ خرداد دانشگاههای مشهد

دانشگاه آزاد مشهد: بین دانشکده فنی و انسانی ساعت ۱۱:۳۰

دانشگاه فردوسی: روبروی دانشکده مهندسی ساعت ۱۱:۳۰

دانشگاه خیام: روبروی سلف ساعت ۱۱:۳۰

دانشگاه سجاد: صحن حیاط دانشگاه ساعت ۱۱:۳۰

زنده باد ایرانی غیور و آزاده

زنده باد جنبش سبز

آزاد باد ایران پاک و عزیزمان

با همکاری مشترک:

نهضت سبز دانشجویان مشهد

جنبش سبز دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

و دانشجویان سبز دانشگاه های خیام و سجاد

مصاحبه ها، مقالات

نمایش پرهای ریخته ی ولایت روزنامه نگار معترض (جان شیفته)

اخبار روز:

مبارزات ضددیکتاتوری مردم ایران در چارچوب جنبش اعتراضی سبز در روزهای سرنوشت ساز نیمه ی دوم خرداد با مراسم حکومتی نماز جمعه ۱۴ خرداد در مرقد آقای خمینی که توسط سیدعلی خامنه یی اقامه شد، با حواشی آن که محصول عینی و ذهنی همین جنبش اعتراضی است، آغاز گردید. به همان نسبتی که گروه های دست چین شده ی لباس شخصی و بسیجی با هتاک آشکار نسبت به نوه ی خمینی مانع از سخنرانی وی شده و هم چنین احمدی نژاد و خامنه یی با خط کش خود، خط امام را مهریه ی از دواج مصلحتی ولایت فقیه و دیکتاتوری نظامی قرار دادند، می توان این واقعیت را درک کرد که "پایان مصلحت" برای هر دو طرف مبارزه فرا رسیده است. این پایان در سیر حرکتی خود به نتیجه یی ختم خواهد که هر دو جناح موجود حداقل در فاز اجماع حکومتی و حفظ نظام به بن بست کامل رسیده و راهی برای تعامل یا آشتی را در قالب مناسبات موجود دست نیافتنی کنند. در این تقابل درون ساختاری برنده ی واقعی مردم و جنبش اعتراضی اکثریت ملت ایران خواهد بود که از این پس وحدت ملی خود را در راستای گسست کامل ساختار حاکمیتی کنونی رقم خواهند زد. زمانی که علی خامنه یی در طی یک توهم ذهنی و اغتشاش عینی، خویشتن را با امام علی مقایسه می کند و مخالفان خویش را به طلحه و زبیر، در واقع صحنه یک جنگ و میدان تقابل را می آراید که سرانجام آن می بایست حذف بدون بخشش رقیب باشد. تنها یک روز پس از این سخنان مغشوش وقتی که میرحسین موسوی به عنوان شاخص ترین رهبر جنبش سبز به صراحت از سقوط اعتبار و جایگاه کسی سخن می گوید که خود را در جایگاه امام اول شیعیان قرار داده است، در واقع پیام عبور از نظام حاکم (البته حتما نه به مفهوم عبور از آنچه خود وی آرمان های جمهوری اسلامی می خواند) را صادر می کند. نماز جمعه ۱۴ خرداد در مرقد امام خمینی نه تنها بزرگداشت بنیانگذار جمهوری اسلامی نبود که بی شک مرثیه یی بود بر میراثی که در شرف بر باد رفتن است. به عکس تصور اولیه از این نمایش حکومتی، چنانچه بتوان تئمه اعتبار و اقتداری را برای نظام حاکم سراغ گرفت در همان چند جمله ی حسن خمینی نهفته بود که هتاک افراد دست چین شده و ممانعت از ادامه سخن خود توسط آنان را در این جمله که "عده یی قلیل نمی گذارند که من صحبت کنم" بیان کرد و گرنه سخنان مغشوش مقام ولایت، تیک های عصبی محمود، چهره های مغموم و سرهای به زیر افتاده سران حکومتی در صف های اول نماز جمعه، خود بهترین تعبیر و توصیف برای نمایشی بود که به جای ترسیم اعتبار و اقتدار نظام، تنها اثبات کننده وقوع یک تراژدی بود. سناریویی که قرار بود با تدارک گسترده و سراسری سپاه پاسداران و بسیج، جمعیت چند میلیونی را برای حمایت از رهبر گرد آورد تنها به چند صد هزار تن که بیشتر آنان حتی حاضر نبودند یا حداقل حوصله نداشتند که جواب شعارهای بلندگوها را تکرار کنند، ختم شد که همین موضوع یکی از دلایل شکست پروژه و ناکامی در اهداف از قبل پیش بینی شده بود. از طرف دیگر نماز جمعه یی که قرار بود به عنوان چماقی در مقابله و ارعاب معترضان برای ۲۲ خرداد به کار گرفته شود تحت تاثیر حاشیه یی که برای سید حسن خمینی ایجاد شد، خود برهانی شد برای تداوم اعتراض و بی اعتباری هر چه بیشتر حکومتی که در طی یک سال اخیر همواره چون لشکر شکست خورده و گم کرده راه در میدان مین، که هر گامی برمی دارد زیر پای سربازان و سردارانش یک مین منفجر می شود. سیر تحولات اجتماعی و تکامل تاریخی جنبش اعتراضی مردم ایران به این دلیل به مرحله ی بلوغ و هویدا شدن یک چشم انداز امیدوارکننده رسیده است که به موازات بالندگی جنبش، شکاف و گسست درون حکومت به سرعت در حال انجام است. هرگونه تحلیلی چنانچه در راستای تبیین و تعیین ارتباط ارگانیک این دوگانه ی مورد لزوم برای تغییرات ساختاری باشد، می تواند رویکرد عقلانی و نگاه منطقی به واقعیت تحولات جاری تلقی شود. از آنجا که جنبش کنونی یک جنبش فراگیر و رنگین کمانی است، آرایش نیروهای تشکیل دهنده و اهداف مرحله یی آن می بایست به درستی توسط بدنه و راس جنبش درک گردد و گرنه خط کشی های کاذب، آرمانگراییانه، جهشوارگی، تک ساختی، اسبق السابقون، هم قوارگی و صرفا قاعده مند، می تواند در مسیر آن موجب گسست و شکاف در درون جنبش بشود. هم چنین این جنبش از آنجا که بیشترین بار خود را بر شبکه های اجتماعی و طیف های متکثر فکری - طبقاتی قرار داده است و از سازماندهی تشکیلات حزبی و انقلابی برخوردار نیست در صورت انطباق سازی های کاذب و

کلاسیک برای تعیین مسیر و هویت سازی می تواند به بیراهه ختم شود.

بالندگی و زاینده گی جنبش اعتراضی

هر چند که شروع اعتراضات سیاسی در فردای انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ با شعار "رای من کو" حضور میلیونی مردم خشمگین از وضعیت موجود را در خیابان به قیای رنگ و رو رفته رژیم ولایت فقیه دوخت ولی این جنبش بی سازمان به واسطه ی انباشت مطالبات مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار زودتر از حد انتظار به سطح شعار "مرگ بر دیکتاتور" و نفی حاکمیت مستقر ارتقا یافت. کلید پویایی و ماندگاری جنبش با وجود تمام سرکوب خشونتباری که حکومت اعمال کرد، دقیقا در همین نکته نهفته است که تا به امروز هرگونه تاکتیک سرکوب و شیوه های منفعل سازی را خنثی کرده است. جنبش اعتراضی سازمان نداشت و از مرکز تشکیلاتی مشخصی تغذیه و تدارک نمی شد اما در عوض جنبش از بستر مطالبات انباشت شده ی ۳۰ ساله یی متولد شده بود که برخاستن ققنوس جوان از خاکستر این آتش، نتیجه گریزناپذیر آن بوده است. به همین دلیل پیشی گرفتن عامل عینی بر عامل ذهنی به همان نسبت که ماندگاری و تداوم این جنبش جوان را تضمین می کرد در سطح الیت های جامعه، احزاب و اپوزیسیون یک پارادوکس را موجب شد که در وهله اول دنباله روی از توده مردم و در مرحله بعدی تلاش جزیره یی برای ایجاد آلترناتیو دلبخواه از مشخصات آشکار آن بود. اینکه جنبش هر روز و در هر مرحله گستره ی نفوذ، رویش ذهنی و عینی، بسیط شدن حوزه طبقاتی، پیوندهای درونی و بیرونی، پوش مطالبات اجتماعی با مطالبات طبقاتی و عبور از سنت های خاص استبداد مذهبی را به نفع تلقی دمکراتیک از قدرت و جامعه تداوم می دهد، نشانه های تکامل و زنده بودن جنبشی است که حداقل در فاز ضددیکتاتوری آن میرایی و شکست جایگاهی نخواهد داشت. نیروهای سیاسی و الیت های جامعه ی ایرانی در حینی که حق تعیین و تبیین استراتژی دراز مدت خود برای هویت سازی و حرکت در این مسیر را دارند ولی چنانچه در اتخاذ تاکتیک به سمت روندهای فرامرحله یی و اخلال در وحدت نیروهای حاضر در جنبش اعتراضی در مرحله ی ضددیکتاتوری حرکت کنند، بزرگترین آسیب را به جنبش وارد کرده و غیرمستقیم در خدمت استبداد و ارتجاع حاکم قرار خواهند گرفت. واقعیت وجودی جنبش اعتراضی سبز کنونی تلفیقی از طبقات و تفکرات متنوع جامعه ی ایرانی می باشد که اصلاح طلبان حکومتی، ملی مذهبی ها، چپ ها، لیبرال ها و اقلیت های قومی - مذهبی در صنوف طبقه ی متوسط شهری، کارگری، دهقانی، روزنامه نگار، زنان، دانشجویان، حقوقدانان، هنرمندان و جوانان را پوشش می دهد. با توجه به چنین گستره یی از نیروها و طبقات متنوع اجتماعی - اقتصادی در جنبش اعتراضی کنونی، اهداف مرحله یی جنبش نیز می بایست در تعامل و توافق بر حداقل ها در بین این مجموعه ی متکثر تعریف شود و در غیر این صورت فاز دمکراتیک و ضددیکتاتوری فعلی در جنبه یی تمامیت خواهی و دگماتیسم، کلید گمراهی و شکست این جنبش نوپا را در قفل زنگ زده ی مرثیه ی نهضت های تاریخ معاصر ایران به گردش در خواهد آورد. پتانسیل های عینی جنبش کنونی بسیار متنوع و قدرتمند است و در آینده ی نزدیک با توجه به فاجعه اقتصادی در شرف وقوع، سیل گسترده ی مال باختگان، بیکاران، گرسنگان و عموم زیانبران برنامه های نوحافظه کارانه دولت کودتایی احمدی نژاد نیز به صفوف آن خواهند پیوست. ایران در آستانه ۲۲ خرداد روزهای سرنوشت ساز و تعیین کننده یی را سپری خواهد کرد که چنانچه نیروهای اکتیو و توده های معترض بتوانند حضور اعتراضی خود را به رژیم استبدادی تحمیل نمایند هم اینکه سیر حرکتی جنبش روند شتابناک تری به خود می گیرد و هم اینکه گسست درونی حکومت ستون های متزلزل آن را فرو خواهد ریخت. در چنین شرایطی نیروهای سیاسی و نخبگان اجتماعی می توانند با حفظ اتحاد درونی خود و اتخاذ تاکتیک های مناسب در جهت تعمیق جنبش، تحول و تغییرات بزرگی را موجب شوند که حتی برای اقلیت حامی حکومت غیرمشروع ولایت فقیه نیز پیام سقوط تلقی شود.

گسست و شکاف در نظام حاکم

حاکمیت مشترک استبداد دینی و دیکتاتوری نظامی در شرایط کنونی با یک واقعیت گسست و شکاف دوگانه روبه رو می باشد که به واسطه ی ذات وجودی خود قادر به ترمیم و التیام زخم های آن نخواهد بود. از یک طرف تلاش برای یکدست کردن حکومت در طی چند سال اخیر موجب گردیده است تا طیف وسیعی از درون ساختار حاکم موسوم به اصلاح طلبان با رانده شدن از قدرت و تغییرات کیفی و کمی در ماهیت حاکمیت، نه تنها به صفوف مردم بپیوندند که حتی خود به بخشی از نیروهای اکتیو جنبش اعتراضی تبدیل شوند. در شرایطی

یک سال جنبش سبز در گفتگو با مهدی ممکن

مژگان مدرس علوم

جرس: معمولاً در هر جنبش اجتماعی و سیاسی طیف‌های گوناگونی از نظر فکری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... حضور می‌یابند که هر یک به سهم خود نقش در فرایند پیشبرد جنبش ایفا می‌کنند. در جنبش مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، جنبش اصلاح‌گرایانه دوم خرداد و بالاخره جنبش اعتراضی سبز این تنوع و تکثر بوضوح خود را می‌نمایاند. یکی از جریان‌هایی که طی بیش از نیم قرن گذشته در عرصه فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی در ایران تأثیر گذار بوده جریانی است که با همه تنوع و تکثر درونی خود مجموعاً نیروهای ملی‌مذهبی نامیده می‌شود. این جریان بویژه از دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت هویت متمایز سیاسی یافت و سپس در سال‌های بعد با تأسیس نهضت آزادی ایران وارد مرحله جدیدی شد. تأثیر گذاری این جریان سیاسی در مرحله انتقالی تأسیس جمهوری اسلامی و شکل‌گیری نهادها و ارکان بنیادی آن بر کسی پوشیده نیست اما با این همه از سال پنجاه و نه شمسی به این سو این جریان نیز بخشی از اپوزیسیون حکومت و جناح‌های حاکم به شمار می‌رود. اما نیروهای ملی‌مذهبی طی سی سال گذشته بر خلاف دیگر نیروهای اپوزیسیون بر مشی مبارزات مسالمت‌آمیز مدنی و شیوه‌های انتقادی-اصلاحی-ارشادی در برابر حکومت و جناح‌های حاکم تأکید داشته و به این مشی اصلاح‌گرایانه وفاداری داشته‌اند تا حدی که حتی بازداشت‌های گسترده غیرقانونی و زندان‌های طولی‌مدت انفرادی نیز سبب عدول از این اعتدال نشده است.

در جریان جنبش اصلاحات دوم خرداد و جنبش سبز نیز نیروهای ملی‌مذهبی با همین مشی اصلاح طلبانه همراه دیگر نیروهای اصلاح طلب بوده‌اند که شرح جزئیات آن مجال دیگری می‌طلبد. اینک اما در آستانه نخستین سالگرد انتخابات بیست و دوم خرداد هشتاد و هشت و تولد جنبش سبز با دکتر مهدی ممکن یکی از فعالان ملی‌مذهبی در خارج از کشور گفت و گویی مکتوب انجام داده ایم که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

آقای دکتر ممکن شما در تقسیم‌بندی‌های فکری به جریان نواندیشی دینی و در تقسیم‌بندی‌های سیاسی به نیروهای ملی‌مذهبی تعلق دارید. جنبش اعتراضی سبز را از این دو زاویه چگونه ارزیابی می‌کنید و موضع این دو جریان فکری و سیاسی را در مورد این پدیده چگونه تحلیل می‌کنید؟

پیش از اینکه به پاسخ سؤال بپردازم ترجیح می‌دهم در مورد جریان ملی-مذهبی توضیحی ارائه کنم که پاسخ به سؤال شما ساده‌تر خواهد شد. اطلاع دارید که جریان ملی-مذهبی یک حزب نیست بلکه "طیف" است و تا آنجا که اطلاعات مخلص اجازه می‌دهد شکل‌گیری و سابقه جریان مذکور بلحاظ عقیدتی و همچنین مواضع سیاسی به پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و برکناری رضا شاه از سلطنت برمی‌گردد و می‌توان از آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر سحابی بعنوان هسته اصلی آن نام برد که همان زمان مورد اقبال دانشجویان دانشگاه تهران که صبیغه مذهبی داشتند قرار گرفت. بلحاظ مواضع سیاسی از نهضت ملی شدن نفت بشدت حمایت کرد و پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در بنیانگذاری نهضت مقاومت ملی با مرحوم آیه الله سید رضا زنجانی در مبارزه علیه حاکمیت دست‌نشانده به مبارزه پرداخت و از این زمان نفراتی که هر روز بدان می‌پوستند بیش از پیش افزایش یافت. این جریان همانطور که شادروان مهندس بازرگان در دادگاه نظامی اعلام کرده بود خود را ملی، مسلمان و مصدقی معرفی می‌کرد و تا کنون همواره به مواضع خود وفادار مانده است. طیفی بودن این جریان نشان از تنوع و سلیقه فکری آنها دارد در حالیکه آشخور مشترک آنها روشنفکری دینی است و از نظر راقم این سطور بسیار فرخنده است. مشابهت‌های فکری و عقیدتی این طیف نسبتاً گسترده را، بهم نزدیک کرده است ولی درواقع آنچه حلقه اتصال و سیمان بین آنها شده است، مواضع سیاسی و مبارزه مشترک آنها برای نجات میهن است که در حال حاضر هرگونه مبارزه مشروع و دور از خشونت را می‌طلبد. شما از جنبش سبز با صفت جنبش "اعتراضی" یاد می‌کنید که از ویژگی‌های آن گستردگی ابعاد آن است که می‌تواند تمام هم‌میهنان معترض به حاکمیت فعلی را در برگیرد و طبعاً بسیار گسترده‌تر از طیف موسوم به ملی-مذهبی با چنین ویژگی و گسترده‌دگی، چگونه می‌توان به ارزیابی فکری این جنبش پرداخت در حالیکه سابقه آن هم از یکسال تجاوز نکرده است؟ مگر اینکه سؤال فقط شامل مواضع فکری چند نفر از پیشروان شناخته شده این جنبش باشد.

که حساب حاکمیت با این طیف درونی به بدترین شکل ممکن با سرکوب و حذف نهایی در حال تسویه شدن می‌باشد، آنان بر ویرانه‌های ستون ولایت در خط مقدم اعتراضات مدنی حتی با تعبیر و تفاسیر خود به ناچار در کنار نیروهای دمکراتیک و خواهان تغییرات بنیادین قرار گرفته‌اند. هر چند که این نیروها حامل نمایالت، تفکرات و خواستگاه طبقاتی خاص خود می‌باشند ولی کند و کاو در گذشته‌ی آنان و اصرار بر برجسته کردن وجه تمایز این نیروها با نیروهای بیرونی و همیشه معترض به ساختار جمهوری اسلامی، نه تنها هیچ خدمتی به جنبش دمکراتیک مردم ایران نخواهد بود که این تفرقه می‌تواند نادیده گرفتن تأثیر عنصر گسست درون حکومتی در جهت پیروزی یک جنبش مردمی نیز باشد. احزاب اصلاح طلبی چون حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی یا اشخاصی چون میرحسین موسوی، شیخ مهدی کروبی و سید محمد خاتمی نه تنها نقطه ضعف جنبش سبز اعتراضی نیستند که به یقین در کنار دیگر نیروهای دمکرات خارج از حاکمیت ستون‌های قدرتمند این جنبش فراگیر و بسیط ملی نیز خواهند بود. وقتی که آقای موسوی از قدم نهادن در راه بدون بازگشت سخن می‌گوید و هر بار بلافاصله بعد از رجزخوانی مقام ولایت، نقطه‌ی مقابل آن را عرضه می‌کند، هرگونه سخن گفتن از قهر جنبش اعتراضی با این اشخاص شاخص، یک تفرقه افکنی و در بهترین حالت یک بی‌انصافی سیاسی است. گسست درون حکومتی در وضعیت موجود به خروج اصلاح طلبان از قدرت محدود نمی‌شود چرا که در جناح اصولگرا و طیف اقتدارگرای حاکم نیز نشانه‌های آشکاری از چنددستگی و ریزش کمی و کیفی به عیان دیده می‌شود. این نیروها و طیف‌ها که چندان هم کوچک و خرد نیستند با رصد کردن وضعیت واقعی کشور به درستی درک کرده‌اند که راهی که مقام ولایت و نظامیان حاکم می‌روند هیچ سرانجامی به غیر از سقوط نخواهد داشت. آنان بدون پیوستن به صفوف مردم و جنبش اعتراضی در صدد نجات تنه‌ی میراث حکومت دینی و ریزه‌خواری بر سفره‌ی می‌باشند که با سیاست‌های علی خامنه‌یی و محمود احمدی‌نژاد هیچ آینده‌ی ندارد. این طیف‌های راست و اصولگرا به تدریج در حال یکپارچه شدن برای حذف حداقل احمدی‌نژاد و حلقه‌ی اطرافیان وی بوده و از این طریق امیدوارند که بتوانند آب رفته را به جوی برگردانند. اصطکاک‌های فزاینده مجلس تحت رهبری علی لاریجانی، شورای مصلحت نظام و بخشی از قوه قضائیه با عملکردهای خلاف قانون دولت کودتایی احمدی‌نژاد در شرایطی که مرتباً مقام ولایت در حمایت از آن داد سخن برمی‌آورد و خواص بی‌بصیرت را به بیعت با خود دعوت می‌کند، گویای افول قدرتی می‌باشد که "هست" آن امروز در "نیست" و "بود" آن در "نبود" خلاصه می‌شود. شکاف در درون جناح اصولگرا و اقتدارگرایان با چنان سرعتی در حال حرکت است که به نظر می‌رسد تبدیل شدن احمدی‌نژاد و حلقه‌ی اطرافیان وی به مهره سوخته چندان هم دور از ذهن نخواهد بود. گسست کیفی اصلاح طلبان و پیوند آنان با جنبش اعتراضی در کنار گسست کمی اصولگرایان و افتراق آنان با دولت کودتایی، مسیر سقوط نظام ولایتی را به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. در چنین وضعیتی تبدیل پتانسیل‌های انباشته شده و بالقوه جنبش اعتراضی به پتانسیل بالفعل در جهت اعمال تغییرات بنیادین، آینده‌ی روشنی را برای پیروزی جنبش دمکراتیک مردمی و شکست نهایی کوتاچیان به همراه خواهد داشت. جنبش سبز اعتراضی با استفاده درست از این گسست‌های دوگانه و تعمیق مطالبات درونی خویش در نبرد پیش رو قادر خواهد بود تا از موانع و مشکلات کنونی در مسر تحقق اهداف مشروع و منافع توده‌های ایرانی بهره‌ی لازم را برای موفقیت کسب کند. حکومت مستقر دیگر توان اعمال حاکمیت به شیوه‌ی گذشته را به صورت کمی و کیفی از دست داده است و به همین دلیل تنها به قدرت سخت افزاری خود تکیه کرده است. تکیه صرف به سرنیزه در شرایطی که دیگر مولفه‌های قدرت از دست رفته است در نهایت می‌تواند زمان سقوط را بالا یا پائین کند و گر نه واقعیت سقوط یک امر اجتناب ناپذیر خواهد بود. تنها چیزی که می‌تواند روزنه‌های امید را برای حاکمیت نامشروع هم چنان باز نگاهدارد مماشات، عهدشکنی رهبران شاخص جنبش، تفرقه و اغتشاش در صفوف جنبش اعتراضی می‌باشد که به همین دلیل نیروهای سیاسی خواهان تغییرات بنیادین باید به شدت از غلتیدن در این ورطه دوری کنند. روزهای حساسی که به زودی از راه خواهند رسید هر کدام می‌تواند کلید حل معمای قدرت در نبرد بین مردم و حکومت تلقی شود و به همین لحاظ می‌بایست با اتخاذ روش‌های متناسب با وضعیت میدان نبرد، دشمنان مردم را در گوشه‌ی رینگ به زانو درآورد.

بیان یک فرهنگ بود و مفهوم رحمت، اعتدال، تامل، تحمل، شکیبایی، مروت، مدارا، انصاف..... و نیز سیاست گام به گام از آن می تراوید. مهندس بازرگان و فرهنگیان و پیشروان فکری نسل او از فرهنگی برخوردار بودند که از نظر آنان، افراطی و افراطی گری، نوعی دشنام و نقطه ضعف و منفی بشمار می رفت و هر کس بسته به میزان ابتلاش بدان، از موازین اعتدال فاصله داشت؛ بازرگان میراث دار فرهنگی بود برآمده از آموزه های عرفی و دینی ایران که جلوه های آن در رفتار پیشگامان انقلاب مشروطیت و نیز در منش و کنش رهبران نهضت ملی نفت همواره بروز داشته است.

مهندس بازرگان پس از انقلاب بارها تلاش کرد درک و فهم درستی از واژه انقلاب به استناد آیات قرآن بویژه آیه 144 سوره آل عمران دهد که متأسفانه در هیاهوی تفسیری و ارداتی که از انقلابات قرن بیستمی بویژه انقلاب مارکسیستی (با) قرائتی لنینی و استالینی که خشم و قهر انقلابی و رادیکالیسم کور، از ارکان آن است) باجاشنی تعصب و تحجر گم شد.

باآنچه درسطور بالا گفته شد به باور من نجات جنبش های فکری و سیاسی درمیهن ما درگرو بازگشت به همان ارزش هایی است که مهندس بازرگان مدعی آن بود و خوشبختانه امروز دربیانیه ها و اظهارات شاخصین جنبش سبز، بشکلی این ارزشها مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی در واقع "فرصت"ی که بازرگان برآن پافشاری می کرد جلوه های خود را کم کم بروز داده است. ممکن است مواعی برای پیشرفت جنبش سبز پیش آید که حرکتش کند شود ولی مادامی که بر اصول حق طلبانه و اخلاق مدنی مدارا جویانه پای فشارد از بین نخواهد رفت، این جنبش جای مهر خود را تثبیت کرده است.

آیا اساسا برای رسیدن به يك نظم سياسي نسبتا دموكراتيك اخلاق مدارا جویانه شهروندان نقش اساسی ایفا نمی کند؟ شما رشد این اخلاق مدنی مدارا جویانه را در جامعه ایرانیان داخل و خارج کشور بویژه در میان فعالان سیاسی چگونه می بینید؟

گرچه هنوز آثاری از اختلافات تاریخی مذهبی ها و لائیک ها بمناسبت های مختلف بروز می کند، اما در همین دهه اخیر بسیار رنگ باخته و سوء تفاهماتی که در گذشته ایجاد میشد روبه افول است. اکنون مفهوم لائیک در بین اکثر ایرانیانی که در خارج (لا اقل در اروپا) مقیم هستند محدود به مفهوم سیاسی آن شده که دربرگیرنده دولت و حکومت لائیک میباشد و کسی به مفهوم فلسفی آن توجهی ندارد و افراد بیش از پیش و آگاهانه سعی می کنند اعتقادات مذهبی و ایدئولوژیک خود را وارد معرکه مباحثات سیاسی و اجتماعی بویژه در روزگاری که همه نجات ایران را و همه همت خود قرار داده اند نکنند و رشد اخلاق مدنی مدارا جویانه در جامعه ایرانیان خارج کشور به باور من در حال پیشرفت است، ضمن اینکه تماس و زندگی در جوامع پابند به دموکراسی و آزادی خواهی اثرات مثبت خود را داشته است. در خارج هنوز هستند کسانی که هنوز مدافع شیوه های غیر مدارا جویانه هستند ولی نمی توان از آنها به عنوان فعال سیاسی موثر نام برد. در داخل کشور جلوه های بسیار مثبتی دربیانیه های مربوط به جنبش سبز به چشم می خورد، طیف ملی مذهبی اولین کسانی بودند که از سال ها پیش مبتکر "گفتمان" آشتی و وفاق ملی بودند و همچنان در این زمینه کوشا هستند. سخنرانهای آقای خاتمی رئیس جمهور پیشین و بیانگذار گفتگوی تمدن ها و نیز منش عمومی ایشان شانس و سرمشق بزرگی در جهت رشد اخلاق مدنی مدارا جویانه همواره بین ایرانیان داخل و خارج بوده و هست..

فعالیت و مبارزه سیاسی در چارچوب واقعیت های عینی جامعه رخ می دهد نه در رویاهای ذهنی آدمیان. بسیاری از شعارها و خواسته های مطرح شده از سوی برخی جریانات سیاسی مخالف حکومت بویژه خارج از کشور همخوانی زیادی با واقعیات موجود جامعه ایران و توازن قوای سیاسی در کشور ندارد. به نظر شما چه برنامه ها و اهدافی باید در برابر جنبش سبز قرار داد که واقع بینانه و قابل دسترس باشند؟

تجربه اقامت طولانی مخلص در خارج از کشور نشان داده است که میدان اصلی مبارزه در داخل کشور وجود دارد و هرگاه دیگر مبارزه در داخل کشور می جوشد اثر آن در خارج کشور بصورت بخار ظاهر می شود. عمده ترین امتیازی که در صحنه داخل وجود دارد و نمی شود منکر آن شد واقعیت های عینی و قابل لمس است که خود منشاء و منبع شناخت و انتخاب دقیق چگونگی تاکتیک های مبارزه است که خارج از آن برخورداری نیست و گاه پیش می آید که در انتخاب شعار وجهت مبارزه دستخوش رویای ذهنی شود که از مصداق آن در این ایام می توان به شعار جمهوری ایرانی به جای جمهوری اسلامی، اشاره کرد، آنچه

و اما در مورد مواضع سیاسی که در خلال بیانیه ها و چگونگی مبارزه مدارا جویانه آن، چشم می خورد نه تنها مورد تأیید این جانب است بلکه مورد تأیید طیف گسترده ای از ایرانیان خارج از کشور با داشتن افکار و اعتقادات متنوع و دور از تعصب می باشد؛ در واقع می توان گفت در دنیای امروز برخلاف گذشته نه چندان دور، ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی بیشتر جنبه درونی و شخصی پیدا کرده اند و حال آنکه احساس حفاظت از وطن و میراث آن در اذهان ایرانیان بویژه مقیم خارج بسی پررنگتر شده است؛ فقط کافی است اطمینان حاصل شود که جنبش گرفتار بینش حقیر انحصار و مرزبندی های خودی و غیر خودی نباشد.

یکی از آفت هایی که جنبش های فکری و سیاسی ایران را در یکی دو قرن اخیر تحت تأثیر قرار داده و حتی به شکست کشانیده است شتاب زندگی و ناتوانی در ایجاد تعادل میان آرزوها و واقعیات است. در يك سال گذشته نیز به کرات شاهد اوج گرفتن منحنی مطالبات بوده ایم به نحوی که با يك حادثه مقطعی جمعی از ناظران و فعالان سخن از عبور جنبش از چارچوب های پیشین آن می گفتند. آیا به نظر شما جای خالی سیاست گام به گام مرحوم مهندس بازرگان هنوز پس از سی سال در عرصه سیاسی ایران احساس نمی شود؟

تاریخ جنبش های فکری و سیاسی ملت ایران بویژه در دو قرن اخیر شاهد فراز و نشیب های متعدد بوده است و هر بار که با تحمل مشقات زیاد، مختصر پیروزی بدست می آورده است با عواملی روبرو شده است که پیروزی به شرنگ تلخ درکامش تبدیل شده است که در غالب موارد، تنگ نظری حاکمیت به تنهایی و در مواردی با حمایت قدرت های خارجی بوده است که به سرکوب و به شکست جنبش ها انجامیده است چه بصورت از میان برداشتن صدراعظم و نخست وزیر اصلاح طلب و توپ بندی مجلس و قتل آزادی خواهان و انواع کودتا (کودتای 1299 و 28 مرداد 1332 و کودتا برای تعطیل مطبوعات اصلاح طلب و بحران آفرینی برای دولت خاتمی...)

" شتاب زندگی و ناتوانی در ایجاد تعادل میان آرزوها و واقعیات" که شما از آن نام میرید عاملی موثر هست ولی در مقایسه با آنچه اشاره شد سهم ناچیز به حساب می آید.

و اما در مورد جای خالی سیاست گام به گام مهندس بازرگان، که اشاره کردید، اجازه می خواهم خاطره ای نقل کنم.

نسلی که گزارشات تلویزیونی مرحوم مهندس بازرگان خطاب به ملت را، در سال اول انقلاب دیده است، این جمله آن روانشاد را بخاطر دارند: آن نخست وزیری که بخواهد برای ملاقات با وزرا اجازه بگیرد "برای لای جرز خوبست" راقم این سطور یکبار در ماه های اول انقلاب، اصطلاح "برای لای جرز خوبست" را، بمناسبتی دیگر از ایشان شنیده بودم؛ هنوز ماههای اول پیروزی انقلاب بود؛ با وجود اینکه دولت موقت در حد مقدور نسبت به پاکسازی وزارت خانه ها از افراد ناباب و احمقان و ایستگان رژیم گذشته تلاش کرده بود؛ بعلاوه مقرر شده بود، لیست کارمندان از دولت که به علی بی گناه یا با گناه اسمشان در بایگانی های ساواک وجود داشت به وزارت خانه های مربوطه ارسال شود تا وزیر مربوطه با معاونین تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند که طبعاً هر نوع رسیدگی باید خیلی محرمانه انجام می گرفت که حیثیت و آبروی کسی باز بچه این وان قرار نگیرد؛ با وجود این تمهیدات آفتی خطرناک با تابلو افشا کن افشا کن بجان انقلاب افتاده بود و جماعتی از ملت همیشه در صحنه به اعتبار اینکه در راه پیمایی های روز های انقلاب شرکت داشته اند بمنظور حمایت از انقلاب، پیگیرانه اصرار داشتند سوابق اشخاص در رژیم گذشته روشن شود که طبیعتاً از طرفی وسیله ای شده بود برای تهمت زدن، تصفیه حساب ها و بی اعتبار کردن افراد خدمتگزار و از طرفی دخالت نابجا در امری که به آنها مربوط نمی شد، و غالباً هم از طرف روزنامه های چپ نما حمایت می شدند؛ در همین راستا بخش مطبوعات وزارت ارشاد از طرف قوم مذکور که رنگی جز سیاه و سفید نمی شناخت، سخت زیر فشار قرار گرفته بود تا پرونده تک تک روزنامه نگاران و خبرنگاران مورد بازبینی قرار گیرد و به آنها هم گزارش شود. نهایتاً با سندی کای روزنامه نگاران که خود نقشی عمده در پیروزی انقلاب داشت توافق شد که در این مورد نظر آقای نخست وزیر پرسیده شود

در ملاقاتی که انجام شد آقای مهندس بازرگان در حالیکه که هنوز از اعدام ها و بگیر و بند های پس از انقلاب متأثر بودند گفتند: بعد از این کشتار ها دیگر دنبال چه می گردیم؟ آنها که نقشی داشتند یا اعدام شدند یا فرار کردند گیرم که روزنامه نگاری خبر نگاری بعلت استیصال در گذشته مرتکب خطبی شده باشد چرا فرصت دگرگونی به او داده نشود و افزودند: اما از انقلاب چه درکی داریم؟! آن انقلابی که نتواند مردم را از درون منقلب سازد " برای لای جرز خوبست"، آقای مهندس بازرگان کلمه "فرصت" را با حال و آهنگی ادا کرد که به تنهایی

امید سبز هنرمندان

در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، بسیاری از فیلمسازان، بازیگران، تهیه‌کنندگان، فیلمبرداران و... که دوران پر بار هشت ساله دولت اصلاحات را پشت سر گذاشته و چهار سال گرفتار دولت احمدی نژاد و وزارت "صفر هرندی" بودند، به امید تغییری بنیادی در حکومت ایران، به جنبش سبز پیوستند و از آن حمایت کردند. در اعلامیه‌هایی که از سوی هنرمندان برای حمایت از موسوی یا کروبی صادر می‌شد، نام بسیاری از سرشناسان تئاتر، سینما و تلویزیون را می‌شد دید. حتی ستارگان سرشناس با نشان سبز در میتینگ‌های انتخاباتی حضور پیدا می‌کردند. شبی که موسوی در مناظره با احمدی نژاد دست دولت استبداد را رو کرد، چند بازیگر شناخته شده نیز همراه خیل مردمی بودند که در مقابل ساختمان فرستنده تلویزیون به استقبالش آمدند.

پس از انتخابات و بیرون آمدن احمدی نژاد از صندوق‌های رای، هنرمندان سینما، تئاتر و تلویزیون هم به جمع معترضین پیوستند که شاخص‌ترین آنها جعفر پناهی دارند. شیر طلانی جشنواره ونیز، دوربین طلانی جشنواره کان و خرس نفره ای جشنواره برلین بود. پناهی یکبار در بهشت زهرا و بر سر مزار شهدای 25 خرداد دستگیر و آزاد شده بود. اما چون همچنان سبز مانده بود، بامداد یازده اسفند در خانه و همراه خانواده و مهمانانش بازداشت شد و این بار نزدیک به چهار ماه را در زندان اوین و بیشتر آنرا در سلول انفرادی به سر برد. تا امروز نیز جرم این کارگردان روشن نشده، اما به طور غیر رسمی اتهام او ساختن فیلمی در مورد بازداشتگاه کهریزک است، فیلمی که هیچ علائمی هم از ساختن آن به دست نیامده است. پناهی بر اثر فشارهای داخلی و بین‌المللی تا آغاز محاکمه اش آزاد شده و هم‌اینک تحت درمان است تا آثار زندان و شکنجه و اعصاب غذا را از خود دور کند.

معتداریا ممنوع تصویر

پناهی قبل از دستگیری، مهرماه گذشته همراه مجتبی میرتھماسب و فاطمه معتمد آریا ممنوع الخروج شده بودند. پناهی را نگذاشتند به جشنواره برلین برود و میرتھماسب و معتمد آریا از همراهی با سینماگران دیگر برای حضور در آمریکا به دعوت آکادمی اسکار بازماندند. پس از آن، اول آبانماه، این سه بیانیه‌ای نوشتند که: "...ما سینما گریم. این هویت را هیچ دولتی به ما نبخشیده است که بتواند آنرا از ما پس بگیرد... دولت این توان را دارد که مانع خروج ما از مرزهای کشورمان شود، اما هویت ما در گرو پاسپورتمان نیست. ما بدون پاسپورت هم ایرانی هستیم." سه روز پس از انتشار این بیانیه بود که معتمد آریا نتوانست گروه تئاتر "شاهنامه فردوسی" را در سفر به آلمان همراهی کند، چرا که به او گفته بودند اجازه کار در خارج را هم ندارد!

21 آذرماه این بازیگر توانست پاسپورت خود را پس بگیرد و واکسین اردیبهشت ماه به عنوان مهمان جشنواره سینمایی "کان" به فرانسه سفر کند. از این سفر عکسهایی در "فیس بوک" او منتشر شد که صدای محمد تقی رهبر رئیس فراکسیون روحانیون در مجلس شورای اسلامی را درآورد و وی خواستار ممنوع تصویر شدن فاطمه معتمد آریا از تلویزیون شد. البته این کار قبلاً انجام شده، یعنی از خرداد گذشته تاکنون، این بازیگر را در هیچ فیلم یا مجموعه تلویزیونی بازی نداده‌اند و آنچه هم اکنون از شبکه یک سیما پخش می‌شود، مجموعه‌ای است بنام "آشپزباشی" به کارگردانی محمدرضا هنرمند و با بازی پرویز پرستویی و فاطمه معتمد آریا که قبلاً ساخته شده و بیش از دوقسمت از پخش آن باقی نمانده است. قبلاً قرار بود این مجموعه در 40 قسمت ساخته شود که به 26 قسمت تقلیل پیدا کرد و پس از پایان آن بعید می‌نماید که هیچ یک از این سه نفر تا سرکار بودن دولت احمدی نژاد بتوانند کاری در تلویزیون ضرغامی دست و پا کنند.

نوری زاد نگران و در خطر

اما داستان محمد نوری زاد از همه اینها جالب‌تر می‌نماید. این نویسنده، مدرس دانشگاه و فیلمساز که خیلی هم ارادتمند "آقا" بود، با نوشتن چند نامه و انتقاد محترمانه چنان مورد غضب واقع شد که گوئی "مرتد" است و حالا جان خود و اعضای خانواده اش را هم در خطر می‌بیند. نوری زاد را تماشاگران تلویزیون با مجموعه "چهل سوار" می‌شناسند، مجموعه‌ای زیبا و خوش ساخت که سازنده آن می‌کوشید نشان دهد حکیم ابوالقاسم فردوسی چه ارداتی به امیرمومنان داشته و شخصیت "رستم" شاهنامه را با نگاهی به شخصیت علی (ع) آفریده است. این مجموعه با بودجه‌ای کلان وبا سر و صدای بسیار تولید شد و حتی گزارش مفصلی از پشت صحنه آن تهیه کردند که نشان می‌داد رئیس

مسلم است اینکه اگر جنبش سبز متهم به حمایت و بهره‌گیری از چنین شعاری شود، دچار خسارتی غیر قابل جبران خواهد شد و در داخل کشور جریانات مرتجعی که کمر به حذف "جمهوریت" جمهوری اسلامی بسته‌اند بهترین فرصت و بهانه را بدست خواهند آورد؛ استفاده از چنین شیوه‌هایی برای مبارزه در خارج کشور بهیچوجه همخوانی با واقعیات موجود جامعه ایران و توازن قوای سیاسی کشور را ندارد. به باور من جنبش سبز از نظر برنامه‌های آینده و هدفها هنوز شانس این را دارد که از فرصت و ظرفیت‌ها و کارشناسان فهیم و دلسوز داخل کشور بهره‌گیرد.

بخشی از رهبران کنونی جنبش سبز به رغم همکاری‌ها و ارتباطات پیش از انقلاب، در سال‌های نخستین پس از انقلاب با نیروهای ملی‌مذهبی و نیز جریان نواندیشی دینی اختلافات و مشکلاتی پیدا کردند. این مشکلات از زمان شکل‌گیری جنبش دوم خرداد به بعد آرام آرام کمرنگ و کم‌رنگ‌تر شده است. شما آینده‌انقلاب و همکاری این دو جریان مذهبی را که در شعارها و اهداف انقلاب اسلامی مشترکات فکری فراوان دارند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ این سوال در خلال سطور بالا بشکلی داده شده است، شخصا از خلال بیانیه‌های آقای موسوی احساس می‌کنم این مشترکات در حال پیشرفت است امیدوارم ادامه یابد که تحولی است فرخنده.

کلوزآپ سینمای ایران:

زندان، ممنوع الخروج، ممنوع تصویر! سعید زندگانی



جرس

محمد نوری زاد پس از انتشار پنجمین نامه‌اش به رهبر جمهوری اسلامی، بطور غیرمنتظره‌ای از زندان اوین بیانیه‌ای به بیرون فرستاده که جان‌ش در خطر است و اگر خود یا اعضای خانواده اش هدف یک تیر غیبی قرار گرفتند، همه بدانند که کار آنهایی است که خود را "سربازان گمنام امام زمان" می‌نامند.

تهدیدی که نوری زاد از آن سخن می‌گوید، تهدیدی است که همه دست‌اندرکاران سینمای مستقل ایران به نوعی با آن درگیر هستند. هنوز از آزادی موقت جعفر پناهی با وثیقه دویست میلیون تومانی، چند روزی بیشتر نگذشته که "فاطمه معتمد آریا" بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون از سوی رئیس روحانیون مجلس شورای اسلامی تهدید به ممنوع تصویر شدن می‌شود. "رفیع پیتز" کارگردان فیلم "شکارچی" پس از نمایش فیلمش در جشنواره سینمایی برلین دیگر به ایران برگشته چون دستیارش "مهدی کماسی" را دستگیر کرده و مانند "رسول اف" دستیار پناهی مدتی زندانی کرده‌اند و عباس کیارستمی پس از درخشش فیلمش "رونوشت برابر اصل" در جشنواره کان به خبرنگاران می‌گوید در بازگشت به ایران انتظار هر نوع برخوردی را دارد. اینها چرا اتفاق می‌افتد؟ جواب را کیارستمی در همان گفت‌وگو داده است: چون حکومت با سینماگران مستقل مسئله دارد. این مسئله از پنج سال پیش و با روی کار آمدن دولت اول احمدی نژاد شروع شد. ولی در این یکسال پس از خرداد 88 شدت بیشتری به خود گرفت و به زندانی شدن، بازجویی پس دادن و ممنوع فعالیت شدن بسیاری انجامید. بسیاری دیگر نیز که بی‌نام و نشان تر بودند، از کار در سینما و تلویزیون کنار گذاشته شدند و خبری از آنها منتشر نشد. حتی با سابقه‌های نام و نشان داری چون عزت‌الله انتظامی و علی نصیریان خانه نشین شده‌اند و همکارشان محمد علی کشاورز در گفت‌وگو با سایت "تابناک" می‌گوید از بازیگری پشیمان است.

اهواز اعلام می کنیم با وجود محرومیت ها و اخطار به کمیته انضباطی های سال گذشته ما همچنان سبز هستیم و هیچ جای تردیدی نداشته باشید که 22 خرداد در کنار هموطنان مان در شهر اهواز و در کنار رئیس جمهور موسوی و همه ایرانیان خواهیم بود."

این بیانیه می افزاید: "احضار بیش از 100 نفر از دانشجویان به کمیته انضباطی فقط در آستانه 16 آذر برای سرکوب دانشجویان اهوازی بود. اعتراضات گسترده و در پی آن محرومیت از تحصیل و احضار به کمیته انضباطی دانشگاهمان در 13 آبان بود."

دانشجویان اهوازی همچنین اعلام کرده اند: "با صدائی بلند فریاد میزنیم ما دانشجویان سبز دانشگاه آزاد اهواز بیداریم و استوار ایستاده ایم و اجازه نخواهیم داد دولت کودتا به اهداف شوم خود برسد و کشور را فدای هوس بازیهای قدرت طلبان کند. و از پدران و مادران خود میخواهیم ما را در 22 خرداد تنها نگذارند و همراه فرزندان خود برای کشور خود و احقاق حقوق از دست رفته خود در کنار فرزندان خود باشند."

لاهیجان: وعده ما 22 خرداد، سراسر ایران

دانشجویان دانشگاه آزاد لاهیجان نیز با صدور بیانیه ای از مردم خواستند در راه پیمایی روز 22 خرداد شرکت کنند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: "از طرف جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه آزاد لاهیجان سخن دل را با هم میهنان عزیز مطرح می کنیم... یک سال گذشت در حالی که سال پیش در چنین زمانی با شادی فراوانی سعی داشتیم تا با دستان سبزمان کشور عزیز و پر افتخار ایران را بار دیگر از نو بسازیم، اینبار نسل جدیدی قدم در راه جدیدی گذاشت، با تمام ناامیدی هایی که داشتیم ولی باز امیدوار بودیم ایران ما آباد و آزاد می شود... با افکاری مختلف گرد هم آمدیم و به یک هدف واحد رسیدیم با حضور خود در انتخابات نشان دادیم که ما بی شماریم و ما میخواهیم ایران را دوباره ایران ببینیم اما..."

در ادامه این بیانیه می خوانیم: "اگر نخست برای پس گرفتن رای خود مقابل زور ایستادیم، بعد از اتفاقاتی که با چشم خود دیدیم و با گوش خود شنیدیم مسئولیت سنگین تری را به دوش خود می کشیم؛ برادران و خواهرانمان جان خود را فدا کردند چون کشورشان را دوست داشتند. اکنون با افتخار اعلام می کنیم جنبش سبزی که با امید وارد عرصه شد هنوز بیدار است و تا گرفتن حق کامل خود دست از تلاش بر نخواهد داشت، چون این جنبش در دل های ما نقش بسته و تا وقتی زنده ایم امیدوارانه برای رسیدن به اهدافمان تلاش می کنیم."

این دانشجویان، بیانیه خود را چنین پایان داده اند: "از همه دانشجویان سبز و هموطنان عزیز درخواست می کنیم که روز 22 خرداد امسال را مثل سال پیش سبز کنید تا نشان دهیم جنبش سبز هنوز بیدار و امیدوار است و به طرفداری از نمایندگان مان همچنان خواهان حق خود هستیم و تا گرفتن حقمان کنار نمی کشیم"

مازندران: استاد دانشگاه، زندانی گمنام

بر اساس خبرهای رسیده، طاهری عضو هیات علمی دانشگاه مازندران چند ماهه اخیر را در بازداشت نیروهای امنیتی به سر برده است.

به گزارش دانشجویان، طاهری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود ولی به علت عدم دسترسی به منابع آگاه خبری و همچنین تهدید های نیروهای امنیتی استان مازندران، مدت بازداشت وی در زندان اداره اطلاعات مازندران به اطلاع رسانه ها نرسید. همچنین منابع آگاه گزارش می دهند که این استاد دانشگاه مازندران هم اکنون دوران بازداشتش را در زندان متی کلای بابل در کنار دانشجویان دربند زندان بابل می گذراند. این استاد دانشگاه دارای سابقه عارضه قلبی می باشد و وضعیت جسمی وی بسیار وخیم گزارش شده است.

پیش از این نیز علی اکبر سروش و احمد میری، از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم و فنون بابل و دانشگاه مازندران توسط وزارت اطلاعات دستگیر شده و دوران بازداشت شان را در زندان اداره اطلاعات مازندران و متی کلای بابل سپری کرده بودند.

همچنین گزارش ها از زندان متی کلای بابل حاکی از آن است که 5 دانشجوی دربند زندان بابل دارای وضعیت نامناسبی هستند و در چند روز اخیر از هرگونه تماسی با خانواده های خود محروم شده اند و حال برخی از آنها به علت عدم امکانات بهداشتی نامناسب گزارش شده است.

عینک آفتابی ممنوع

در حالی که فشارها بر دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور برای رعایت حجاب، افزایش یافته است، مسئولان دانشگاه آزاد لاهیجان استقاده از عینک

صدا و سیما هنگام فیلمبرداری به دیدار "نوری زاد" و رستم و اسفندیار او رفته است.

نوری زاد که چند بار به دیدار رهبر رفته و مورد تفقد قرار گرفته بود، فکر می کرد با استفاده از این مودت می تواند دیدگاههای مشفقانه و منتقدانه خود را برای اداره بهتر کشور در اختیار ایشان قرار دهد. از این رو بود که پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، دست به قلم شد و نامه ای به رهبر نوشت. نامه اول و دوم بی جواب ماند. اما نامه سوم را که نوشت و منتشر کرد، سربازان گمنام "آقا" آمدند و به اوین راهنمایش کردند. او آرام نگرفت و نامه چهارم را از زندان به بیرون فرستاد. این بار بازجویانش چنان ادب کردند که دید خود را هم از دست داد و اعتصاب غذا کرد. پس از آن و گوئی به اشاره رهبر، دادستان تهران (جانشین قاضی مرتضوی) به دیدارش رفت تا قیلمساز را راضی به نوشتن تقاضای عفو و توبه نامه ای بکند. اما نوری زاد اگر اهل توبه بود که در همان جا که در آغاز بود قرار می گرفت و بی نوشتن این نامه ها همچنان عزیزبارگاه باقی می ماند. توبه که نکرد هیچ، بار دیگر شرح دیدار با دادستان را در نامه پنجم رسانه ای کرد و بالاخره به "رهبر گرامی" گفت که "فتنه" گران را در اطراف خود باید جستجو کند نه در وجود موسوی و کروبی و خاتمی! حالا سازنده "رستم و اسفندیار" در سیاه چال "کی کاووس" دوران زندان سه ساله خود را سپری می کند و منتظر است که حکم شلاقش نیز اجرا شود. او نگران جان خود و عزیزانش، به مردم ایران خبر می دهد که چه خطری تهدیدشان می کند. آن سوئر همکارش "فرج اله سلحشور" که می گفت مجموعه "یوسف پیامبر" را با استفاده از آموزه هایش در حوزه علمیه قم ساخته، به جرم دزدیدن داستان مجموعه از یک کتاب به سه سال زندان و پرداخت پانزده میلیون تومان غرامت محکوم شده است. اما نه زندان می رود، نه شلاق می خورد و نه جانش در خطر است، چرا که همچنان به تقلید رهبر از درست بودن نتیجه انتخابات دم می زند و از دولت احمدی نژاد حمایت می کند!

عینک آفتابی در دانشگاه ممنوع

دانشجویان: وعده ما ۲۲ خرداد، سراسر ایران

آرش بهمنی



روز آنلاین

در حالی که ستاره دار شدن دانشجویان بار دیگر به خبر مورد بحث رسانه ها تبدیل شده و سخت گیری ها درباره نوع پوشش در دانشگاه ها ادامه دارد و به عینک آفتابی نیز رسیده است، دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور با صدور بیانیه هایی، از مردم برای حضور در راهپیمایی بیست و دوم خرداد دعوت کرده اند.

دانشجویان دانشگاه های تبریز در بیانیه خودبه همین مناسبت آورده اند: "حمایت خود را از مواضع جنبش سبز و چهره های شاخص آن یعنی میر حسین موسوی و مهدی کروبی اعلام میداریم و امیدواریم پیش از آنکه دیر شود حاکمیت به راه مردم باز گشته و دست از برخوردهای خشن و امنیتی با مردم و فعالین سیاسی بردارد."

در بخشی دیگر از این بیانیه با اشاره به سخنان آیت الله جنتی پیرامون برخورد با بدحجابی در دانشگاه آمده است: "چگونه میتوان از مردم خواست تا نتایج انتخاباتی را بپذیرند که دست اندرکارانش به هیچ کدام از شبهات مطرح شده پیرامون صحت آن پاسخ ندادند و چگونه میتوان نتایج انتخاباتی را پذیرفت که مؤیدش حرف از ندادن نمره به دانشجویان بدحجاب میزند؟ گویی ملاک سنجش دانشجویان در دانشگاهها به جای سطح علمی، پوشش و حجاب آنهاست!"

این بیانیه می افزاید: "ما جمعی از دانشجویان دانشگاههای تبریز در آستانه نخستین سالگرد حماسه 22 خرداد و 25 خرداد خواستار آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، به ویژه زندانیان حوادث پس از انتخابات سال 88، و پایان یافتن برخوردهای امنیتی و نظامی با منتقدین و فعالین مدنی هستیم. چرا که معتقدیم تنها راه بازگشت آرامش به کشور، باز کردن فضای سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق منتقدین و مخالفان است. همچنین خواستار اجرای بدون تنازل قانون اساسی هستیم و معتقدیم تنها راه برون رفت از بحران حاضر تمسک به قانون اساسی و پرهیز از برخوردهای گزینشی و دلبخواهی با اصول آن است."

اهواز: دانشگاه زنده است

جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز نیز با صدور بیانیه ای اعلام کردند با وجود همه تهدیدها در مراسم روز 22 خرداد شرکت خواهند کرد.

این دانشجویان در بیانیه خود آورده اند: "از طرف دانشجویان سبز دانشگاه آزاد

آفتابی را در این دانشگاه ممنوع کردند. آن گونه که یکی از دانشجویان این دانشگاه به "روز" گفته است، در هفته های اخیر و پس از برخورد با عده ای از دانشجویان به بهانه بدحجابی، مسئولان دانشگاه اعلام کرده اند که استفاده از عینک آفتابی در محیط دانشگاه از مصادیق بدحجابی است و کسانی که از عینک آفتابی استفاده کنند، توبیخ خواهند شد. طی هفته های اخیر، حداقل 48 دانشجوی دانشگاه ازاد لاهیجان به دلیل بدحجابی به کمیته انضباطی احضار شده اند، اما هنوز از احکام صادره برای آنها اطلاعی در دست نیست.

ماجرای غزه،

همبستگی "ما"ی جهانی و بیگانگی "من" ایرانی شطه ایرانی

اخبار روز:

• یکی از جنبه های بروز فرهنگ ارتجاعی و پدرسالارانه ی ریشه دار در کشور ما پدیده ی خودشیفته گی، نوعی عظمت طلبی مضحک است که همواره توسط قدرت های حاکم تقویت و ترویج می شود و مورد سواستفاده ی دولت های خارجی هم قرار می گیرد. در هنگام جنگ دوم، همین روحیه مورد استفاده ی هیتلر و رواج نازیسم و یهودی ستیزی در ایران قرار گرفت. روحیه ای که بی شک ریشه در تحقیرشده گی طی دوره هایی دارد که مردمان ما مکرر متحمل یورش و اشغال زانگاشان بوده اند. روحیه ای زاده ی شکست و ضعف ...

"دولت ها می آیند و می روند. ما، مردمان، ما می مانیم!" این جمله ای است که نویسنده و شاعر پرواز به آلیس واکر فمینیست در مقاله ای به تاریخ چهارم جون در وصف شهروندان جهانی که ساکنان غزه را فراموش نکردند، می نویسد. آلیس واکر که کتاب هایش را میلیون ها نفر در سراسر دنیا می خوانند وجدان مشترک جهان را می ستاید و از حماسه ی رزا پارک آن هنگام که قدم اول را در انکار تبعیض نژادی در آمریکا برداشت یاد می کند. تنها بود آنگاه که بر صندلی ممنوعه ی اتوبوس نشست؛ اما تنها نماند و جهانی در پی او آمد.

در روز های اخیر با به راه افتادن کاروان بین المللی کشتی های کمک رسانی به ساکنین غزه، شهری که بنا به تعریف سازمان عفو بین الملل "بزرگترین زندان جهان" است، و حوادث ناگوار پس از آن، شاهد ابراز همبستگی مردم دنیا و حمایت چهره های سرشناس ادب، هنر و فلسفه بودیم. از سراسر جهان! بسیاری ایرانیان اما، در همین روز ها فراموش کردند که دولت ها می آیند و می روند، آنچه می ماند ابعاد انسانی یک حرکت است و معنای همبستگی ما مردمان.

مسئله ساده است. داستان یک فاجعه ی انسانی است. در نوار غزه میلیون ها نفر بر ویرانه های جنگی، بدون امکان عملی باسازی مخروبه ها و محروم از امکانات بهداشتی و پزشکی، به شکل جمعی، در مغایرت کامل با قوانین سازمان ملل، مجازات می شوند. این بزرگترین زندان جهان را، دولت اسرائیل در سال ۲۰۰۸ برای مجازات مردم فلسطین شکل داد. شهر را با دیوار محاصره کرد. زندان سر باز ساخت. به هیچ اعتراض بین المللی هم وقعی نگذاشتند. دولت اسرائیل با حمایت دولت آمریکا، و دولت حماس با تحریک دولت جمهوری اسلامی و برخی دیگر از دولت ها، هر نوع راه حل پیشنهادی سازمان ملل و میانجی ها را در پایان بخشیدن به ادامه ی جنگ ویرانگر قریب چهار ساله رد کرده و یا در عمل با شکست مواجه می کنند. شعار هر دو طرف "جنگ، جنگ تا پیروزی است!" اسرائیل که مدعی قانونگرایی و تمدن است به کلیه مصوبات سازمان ملل در رابطه با حل بحران خاورمیانه بی اعتناست. حتی به افکار عمومی در کشور خود هم اعتنا نمی کند. اعمال تهدید، آزار و دستگیری مخالفان از نظر دولت اسرائیل ربطی به دموکراسی و تمدن ندارد. بهانه اش این است که شرایط جنگی است. دولت های ایدئولوژیک، چه از نوع اسرائیلی و چه جمهوری اسلامی همزمانند. دولت اسرائیل طرفداران از جان گذشته و حاضر به تظاهرات سازی هم دارد که مانند حزب اللهی های ایرانی برای رهبران سر می برند.

داستان مناقشه ی اسرائیل و فلسطین برای ما آشناست. اما ابراز همبستگی "مردم با مردم" برای ایرانی ها هنوز بیگانه است. بخش بزرگی از ایرانیان با مفهوم "ما" بیگانه اند.

یکی از شروط نهاده شدن دموکراسی و عدالت در هر جامعه ای، مبارزه ی دائمی و بدون قید و شرط با همه ی اشکال تبعیض و خشونت است. تبعیض ها در

هر شکل و مکانی که اعمال شوند، چه در تل آویو، مهاباد، کابل یا غزه... و با هر بهانه ای که مشروعیت و تداوم یابند، همچون ارگانیسمی زنده در چرخه ی قدرت، نابرابری و خشونت را در همه ی اشکال و در همه ی لایه های اجتماعی و در سراسر جهان بازتولید می کنند و به چرخش در می آورند. این چرخه می تواند از خانه به خیابان، به محل کار، باز به خانه و ... و از ایران به اسرائیل، به افغانستان، به نیویورک و ده ها کشور دیگر امتداد یابد و بازسازی و بازتولید شود.

نکته ی بارز در ماجرای کاروان کشتی های امداد رسانی به غزه که از کشورهای مختلف به راه افتاده بودند، نوع برخورد بخش قابل توجهی از ایرانیان خارج و داخل کشور به سر نوشت کشتی ها و سر نشینان داوطلب آن بود. این کشتی ها در یک پروژه ی بین المللی با شرکت و رهبری عمدتاً نیروهای سکولار و مبارز از سراسر جهان، از جمله بسیاری پزشکان، هنرمندان و نویسندگان سرشناس، برنده ی ایرلندی جایزه صلح نوبل و افراد یهودی تبار، برای یاری رسانی به ساکنین غزه به راه افتاده بود. محموله ی این کشتی ها عمدتاً سیمان و صندلی های چرخدار، وسایل پزشکی بود.

بی تفاوتی و برخورد برخی از ایرانیان نسبت به این حرکت نشان از نوعی درک سطحی، طلبکارانه و کاسبکارانه از "همبستگی" دارد. نمونه ای از ملایم ترین اظهارات را نقل می کنم. در بخش تلفن آزاد رادیو همبستگی استکهلم، شنونده ی مردی با حرارت کامل اظهار می کرد "چرا ما باید از فلسطینی ها حمایت کنیم. مگر آنها برای ما کاری کرده اند؟" این ادعا زیاد طرفدار دارد. چنین افرادی به جای آنکه ابراز همبستگی با کسانی که به آن نیازمندند را اولین نشانه ی دموکراسی خواهی و تمدن بدانند، به دنبال سهم خواهی هستند و نه همزبانی و همراهی!

اظهارات کاملان نژادپرستانه و در مواردی با زبان متأثر از فرهنگ قلدری و تمامیت خواهی حزب اللهی، نسبت به اعراب و ترک ها، حتی هوراکشی برای ماشین سرکوب و ترور دولت اسرائیل و اقدامات غیرقانونی آن، از جانب بخشی از ایرانیان و حتی مدعیان سیاسی ریز و درشت دفاع از جنبش آزادی در ایران هشدار داد که مخالفت بسیاری از مدعیان مبارزه با نظام حاکم بر ایران به خاطر مخالفت آنان با سرکوبگری و نقض حقوق بشر نیست. گویی دعوا بر سر کسب قدرت و خونخواهی قبیله ای و ایدئولوژیک است و ربطی به برجیدن تمرکز قدرت در دست فرد یا جریان فکری، مذهبی و ایدئولوژیک با حق ویژه برای ترجمان آزادی ها ندارد.

آیا از نوع برخوردهای اخیر نباید به این نتیجه رسید که بسیاری ایرانیان و برخی نیروهای سیاسی، از مقوله ی حقوق بشر استفاده ی ابزاری می کنند و نمی توانند و نمی خواهند آنرا به "غیرخودی" - با تعبیر خود- تعمیم دهند؟ آیا چنین نیروهایی در تعبیر و نگاهشان به مقوله های آزادی و حق، تفاوت ماهوی با سران جمهوری اسلامی دارند؟ اگر دولت جمهوری اسلامی با فرصت طلبی و به منظور تأمین منافعی، خود را "اتاجی" مردم فلسطین نامگذاری کرده و از دولت بنیادگرای حماس حمایت همه جانبه می کند و بر سر خون کودکان فلسطینی معامله، برخی ایرانیان نیز در بهترین حالت، با ناآگاهی وارد بازی پارگیری سیاسی شده اند و پشت دولت اسرائیل سنگر می گیرند. اظهار نظرهای تعداد قابل توجهی از ایرانیان در وبلاگ ها، فیس بوک، سایت ها و رادیوهای فارسی زبان، در مقابله با کسانی که شیوه های دولت ماجراجو، متجاوز و عظمت طلب اسرائیل را محکوم می کردند، هشدار به کسانی است که معنا و قدرت مفهوم "ما" را آنطور در می یابند که جامعه ی همبسته ی جهانی معنی می کند. اظهارات برخی در رسانه های گفتاری نشان می داد که عده ای حتی از زخمی و کشته شدن کسانی که به قصد یاری و شکستن محاصره ی اقتصادی راهی غزه بودند و طبق گزارش پزشکان قانونی و شاهدان عینی، اکثران از پشت و در حال گریز مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند، خشنودند. انگار پیوندهای عمیقی میان برخی مخالفان و یا مدعیان اپوزیسیون با حاکمیت جمهوری اسلامی وجود دارد که در نگاه مشترک معطوف به قدرت و خشونت شان ریشه دارد. نگاهی که با سکوت نخبگان و آزادی خواهان ایرانی مشروعیت می یابد. آیا می توان به این مهم بی اعتنا بود؟ در روز های اخیر تعجب آور و بارز بود که بسیاری مدعیان امور سیاسی و طرفداران حقوق بشر، از چپ تا راست، یا سکوت کردند و یا از توضیح و اذعان به واقعیتی سیاسی که مردمان مترقی دنیا به خوبی درک کرده اند عاجز ماندند. آنها نگفتند که دو رژیم ایران و اسرائیل با ماجراجویی های نظامی، منطقه ی خاورمیانه را مانند دو روی یک سکه، به سمت جهنمی می برند که جهان را به ناامنی سوق می دهد. بسیاری مدعیان حقوق بشر و آزادی های مدنی ایرانی حتی محض خالی نبودن عریضه به دستگیری و حملات وحشیانه ی نظامیان اسرائیلی به شهروندان این کشور که برای اعتراض به خشونت و شیوه های غیرمتمدنانه ی ارتش اسرائیل به خیابان رفتند، واکنش نشان ندادند. آنها

حادثه ۱۴ خرداد؛ حمله افراطی ها، افزایش انتقادات

پشت پرده حمله به حسن خمینی

نازنین کامدار

روزآتلاین

یک روز پس از آنکه میر حسین موسوی ماجرای برخورد با سید حسن خمینی در مراسم ۱۴ خرداد را "مهندسی شده" خواند، مهدی کروبی با انتشار نامه ای سرگشاده خطاب به نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی، ضمن انتقاد از آیت الله خامنه ای، آمران وقایع ۱۴ خرداد را "یاران قاتلان زنجیره ای" معرفی کرد. همزمان آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله یوسف صانعی، از مراجع تقلید در قم هم به جمع منتقدان به اهانت به نوه آیت الله خمینی پیوسته و برخی از نمایندگان مجلس نیز به وزرای اطلاعات و کشور در این باره تذکر داده اند.

این واکنش ها در حالیکه اخبار جدیدی درباره برنامه ریزی نهادهای امنیتی برای ایجاد اخلاخ در سخنرانی نوه آیت الله خمینی منتشر شده است. از دیروز رسانه های افراطی حامی دولت و سپاه با درج اخباری که عموماً از زبان "منابع آگاه" منتشر شده، ادعاهای تازه ای درباره اهانت به سید حسن خمینی در مقبره آیت الله خمینی منتشر کرده اند. آنها همچنین در یادداشت و تحلیل هایی با اصرار بر تغییر نام نوه آیت الله خمینی به سید حسن مصطفوی، دچار تناقض گویی شده و از یکسو اهانت ها را "خودجوش" خوانده و از دیگر سو "از نقش عناصر پشت پرده" سخن گفته اند.

مهدی کروبی؛ یاروان قتل های زنجیره ای

سایت سحام نیوز، پایگاه خبری نزدیک به مهدی کروبی، متن کامل نامه وی را منتشر کرده که در آغاز آن آمده است: "اینجانب از زمانی که اطلاع یافتم اداره ستاد برگزاری مراسم سالگرد امسال عملاً بدست بخشی از نیروهای مسلح افتاده است به شدت نگران شده و مطمئن بودم این مراسم ختم به خیر نخواهد شد ولی این حد از وقاحت و بی شرمی را تصور نمی کردم و لذا چند روز قبل نسبت به حوادث تلخ آن روز هشدار داده بودم. شما قطعاً اطلاع دارید که امروز مروج و مفسر خط امام کسانی شده اند که در برابر امام صف بندی کرده بودند و یاور شرکاء در قتل های زنجیره ای بودند! و از آن سوی یاران نزدیک امام اجازه سخن گفتن درباره امام را ندارند."

کروبی سپس با انتقاد آشکار از آیت الله خامنه ای می نویسد: "آری امروز جریانی با تمسک به جمله ای از امام که در مقام رحمت و رأفت و گذشت و چشم پوشی از لغزشهای گذشته و استفاده از نیروهای کارآمد فرمود که «میزان حال فعلی افراد است» تمامی یاران و نزدیکان امام را طلحه ها و زبیرهای زمان قلمداد کرده در حالی که بهتر است حوادث صدر اسلام را از روز ارتحال پیامبر اکرم و مراسم تشییع و تدفین آن حضرت و دادخواهی تنها یادگار فاطمه زهرا و جلوگیری از ایراد خطبه آن حضرت در مسجد پیغمبر تحلیل شود و شاید بدین نتیجه رسید که حوادث بعدی از جمله تبعید شدن ابوذر غفاری و ماجرای طلحه و زبیر ریشه در آن زوایای انحرافی اولیه دارد."

چه کسانی اخلاخ کردند

سایت کلمه دیروز در خبری با اعلام اینکه محل تجمع برخی از شعاردهندگان، یک هیأت مذهبی در شهرک شهید محلاتی بوده است، از فرمانده نیروی انتظامی و وزیر اطلاعات خواست برای بازداشت توهین کنندگان وارد عمل شود.

کلمه نوشته: "شب حادثه در مسجدامام خمینی در شهرک شهیدمحلاتی تهران پس از نماز مغرب وعشا نشریه ای بین نماز گزاران توزیع شد که در آن از خوانندگان خواسته شده بود با حضور در مراسم نماز جمعه در حرم امام به هنگام حضور سید حسن خمینی بطور هماهنگ شعاری را سر دهند واز اوبخواهند به خط امام برگردد."

کلمه افزوده است: "اگر اراده ای مبنی بر برخورد با حریم شکنان باشد رسیدگی به این امر برای وزارت اطلاعاتی که ریگی شرور را از آسمان غیر ایران به ایران می آورد و بر دستايش که بخون آلوده است دستبند می زند کار چندان مشکلی نیست. چرا وزیر محترم اطلاعات در این زمینه ساکت مانده است و از خود عکس العملی نشان نمی دهد؟ خوشبختانه به دلیل حضور دوربینهای صدا و سیما در ضبط مراسم سالگرد ارتحال امام فیلم تصویر آشوبگران کاملاً موجود است. آیا فرمانده ناجا در این رابطه برای شناسایی آشوبگران وظیفه ای احساس نمی کند که تا کنون در برابر این حرمت شکنی سکوت اختیار کرده است؟"

در همین حال سایت جوان آنلاین، نزدیک به سپاه پاسداران که تا پیش از این

با احتیاط از کنار جوسازی های نیروهای سیاسی مشخصی گذشتند و از این مهم غافل شدند که اقدامات اسرائیل و بی اعتنائی کاملش به افکار عمومی دنیا و مصوبات سازمان ملل، مشوق و چراغ سبزی است برای جمهوری اسلامی و مشروعیت بخش به قلدری های احمدی نژاد برای رد کردن درخواست های جامعه بین المللی. از این مهم غافل شدند که اقدامات دولت اسرائیل، که با مخالفت گسترده ی نسل جوان یهودیان در آمریکا و اروپا مواجه است، تنها به او جگیری هرچه بیشتر نیروهای بنیادگرای اسلامی در منطقه و رشد یهودی ستیزی در جهان می انجامد. از این غافل ماندند که دو نظام اسرائیل و سیاست های جمهوری اسلامی با استفاده از شیوه های سرکوب پلیسی همگون و سیاست های توطئه آمیز مشابه، نقض حقوق بشر در سراسر منطقه را مشروعیت می بخشند. این که شکستن محاصره ی غزه توسط نیروهای مترقی از سراسر جهان، از وابستگی مردمان غزه به جمهوری اسلامی و حماس و از بی پناهی شان می کاهد و به نیروهای سکولار در فلسطین نیرو می دهد. این که بخش بزرگی از جوانان فلسطینی درون غزه سکولاراند و خواهان برچیدن بساط حماس و باید این نیرو را تقویت کرد. این که دخالت وجدان جهانی و مترقی، جای حماس را تنگ می کند. این که جمهوری اسلامی و نیروهای تندروی اسلامی بیشترین سود را از ادامه ی محاصره ی غزه می برند. این که کشتار ترک ها در این ماجرا آب به آسیاب نیروهای اسلام گرا در ترکیه ریخت و توازن قوا را برای همیشه به نفع آنان در جامعه ی ترکیه عوض کرد. مسئله ای که در وهله ی اول به ایرانیان آزادی خواه و موج بزرگ پناهجویان ایرانی در ترکیه آسیب خواهد رساند.

یکی از جنبه های بروز فرهنگ ارتجاعی و پدرسالارانه ی ریشه دار در کشور ما پدیده ی خودشیفته گی، نوعی عظمت طلبی مضحک است که همواره توسط قدرت های حاکم تقویت و ترویج می شود و مورد سواستفاده ی دولت های خارجی هم قرار می گیرد. در هنگام جنگ دوم، همین روحیه مورد استفاده ی هیتلر و رواج نازیسم و یهودی ستیزی در ایران قرار گرفت. روحیه ای که بی شک ریشه در تحقیر شدگی طی دوره هایی دارد که مردمان ما مکرر متحمل یورش و اشغال زادگاشان بوده اند. روحیه ای زاده ی شکست و ضعف. رابطه ی تاریخی شاه و رعیتی که اکنون به رهبر و امت تغییر شکل داده، و حس تحقیر شده گی، عادت به هورا کشی و صلوات فرستادن برای بالادست را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده است. این خصلت با تبلیغات جهان گشایی و قلدرمایی جمهوری اسلامی در سال های اخیر دامن گسترده و حتی در میان برخی جریانات مخالف نیز در رقابت با نظام حاکم دوباره سر بلند کرده است. این خصلت بسیار رواج دارد، از فخر فروشی های تازه به دوران رسیده ها، تا منم منم های "ایرانیان تافته ی جدا بافته" که آروزی سروری بر مردمان منطقه را دارند و منظورشان از ایرانی تنها قوم فارس است و بس! طیف وسیعی را در بر می گیرند. تاسف بارتر مشاهده ی کسانی است که به رغم سال ها زندگی در بعضی کشورهای بیشتر دموکراتیک، هنوز نیاموخته اند که توهین و تحقیر قوم های دیگر نشانه ی توحش است نه هیچ چیز دیگر.

ایجاد تبعیض و خشونت که در ایران جمهوری اسلامی بر قومیت های غیر فارس، پیروان مذاهب غیر شیعه و مهاجرین افغانی روا می شود، گواه ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ای است که در کلیت خود حساسیت لازم را نسبت به تبعیض قومی، مذهبی و نژادی نشان نداده است و به تبع آن نسبت به انواع تبعیض ها در داخل و خارج، مداراگر و چشم پوش شده است. مسئولیت مقابله با فرهنگ و عادات ارتجاعی، با راسیسم، عرب ستیزی، ترک و افغان ستیزی، در شرایط کشور ما در وهله ی اول بر دوش رهبران احزاب و جریانات سیاسی، رسانه ها، روشنفکران و صاحبان قلم، پژوهشگران و به دنبال آن بر عهده ی هر فرد ایرانی است که خواهان رشد و نهادینه شدن روحیه ی آزادی خواهی و عدالت جویی در کشورش است. کشوری که جزیی از منطقه ی بحران زده ی خاور میانه است. کشوری که جزیی از آسیاست. کشوری که یکی از کشورهای جهان است و مردمانش باید بتوانند مستقل از سیاست های دولتی، اراده ی خود را در همراهی با "ما"ی جهانی نشان دهند. نباید اجازه داد سیاست های جمهوری اسلامی مرز همراهی ما با وجدان جهانی را ترسیم کند. کشور ایران را در عرصه ی جهانی باید مردمانی نمایندگی کنند که به ارزش های پایه ای حقوق بشر اعتقاد واقعی دارند نه کسانی که با نادانی سیاست های احمدی نژاد و ناتانیو را بازتولید می کنند.

شعله ایرانی (فعال حقوق زنان، سردبیر نشریه ی آوای زن)

مدعی "خودجوش" بودن اهانت به نوه آیت الله خمینی شده بود، در خبری که بر اساس "شنیده ها" منتشر کرد، مدعی شد این توهین از سوی خود سید حسن خمینی "طراحی" شده بود.

جوان آنلاین نوشت: "دعوت کننده اصلی از محمود احمدی نژاد برای سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه ۱۴ خرداد امسال شخص حجة الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی بوده است. بدیهی بود که سخنرانی رییس جمهور در چنین روزی به ویژه اینکه سابقه قبلی هم نداشته است حساسیت برانگیز شود - و این خود جای سؤال است که چرا شخص سید حسن آقای خمینی بر این امر تأکید داشته است - و دوم اینکه حتی با وجود اینکه ترکیب جمعیت حلقه اول نزدیک جایگاه توسط آقای انصاری مشخص شده بود، تقریباً می شد حدس زد که به واسطه برخی مواضع و رفتارها از سوی سید حسن خمینی در یک سال گذشته، مانند عدم موضع گیری محکم در قبال قانون شکنی برخی آقایان و یا جلوگیری از سوء استفاده از نام و خط امام، این رفتار - اگرچه دور از شأن مراسم سالگرد ارتحال امام - با او انجام پذیرد."

گفتنی است متن گزارش جوان در سایت های رجا نیوز، پرچم، و جهان نیوز به عنوان خبر اختصاصی بازپخش شده است.

اما در این میان، سایت رجا نیوز در اقدامی بی سابقه و با وجود انتقاداتی گسترده به اتفاقات روز جمعه که حتی حداد عادل، از نزدیکان آیت الله خامنه ای را نیز به واکنش واداشت، در مطلبی با عنوان "پس از بیست سال" سید حسن خمینی را به "ابوجهل" و "ابولهب" دو تن از شخصیت های منفور در تاریخ صدر اسلام تشبیه کرد.

رجا نیوز نوشته است: "ملت هوشیار رفتارها را رصد می کنند و اگر "سید حسن مصطفوی" به تفکر امام بازگردد، بار دیگر "سید حسن خمینی" خواهد شد و کاستی های یکساله اش را به پای جوانی اش میگذارند. نیکو شدن به نسبت نیکو، نه نیکوی است / بوجهل و بولهب همه خویش پیمبرند."

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان نیز در سرمقاله روز گذشته خود، دیدگاه های جوان آنلاین و رجانیز را تکرار کرده و نوشته است: "به یقین نوه حضرت امام انتظار ندارد مردم این مرز و بوم که به قول امام از مردم حجاز در زمان رسول خدا و از مردم کوفه در دوران حضرت امیر برترند، همه این بی حرمتی های ایشان به اسلام و انقلاب و امام را شاهد باشند و باز هم آقای سید حسن خمینی را نوه معنوی حضرت امام بدانند! بنابراین، بسیار بدیهی است که وقتی نوه حضرت امام را در مقابل آن حضرت و همراه و همگام با دشمنان او می بینند، هرگز حضرت امام را فدای نوه ایشان نمی کنند، بلکه با انگیزه احترام به حضرت امام - تأکید می شود که با همین انگیزه - نوه امام را از خود می رانند تا خدای نخواست، مواضع و عملکرد آقای سید حسن خمینی به حساب امام راحل نوشته نشود."

اقدام رجا نیوز در حالی است که شعارهای هواداران محمود احمدی نژاد که به گفته علی مطهری با "برنامه ریزی شخص رئیس دولت" انجام شده بود، با انتقادات گسترده ای، حتی در میان محافظه کاران مواجه شده و حداد عادل، نماینده ای که به دلیل نسبت خانوادگی به "خبر رسان بیت" در مجلس شهرت یافته را نیز به واکنش واداشته است.

به گزارش خبرنگار پارلمانی مهر، حداد عادل روز گذشته در جمع خبرنگاران گفته است: "درباره اهانت عده ای در روز سالگرد ارتحال امام به نوه ایشان، موضع ما همان موضع رهبری مبنی بر تقفد ایشان است." یک خبرنگار پارلمانی در این باره به روز گفت: "استفاده حداد عادل از ضمیر «ما» در موضع گیری اش با سئوالات متعدد خبرنگاران مواجه شد اما او در این باره سکوت کرد."

بنا به گزارش خبر آنلاین، پایگاه خبری نزدیک به علی لاریجانی، رئیس مجلس نیز دیروز هنگام خروج از پارلمان و در پاسخ به سؤال خبرنگاران گفت: "با ابتکار عاطفی رهبری انقلاب، پاسخ به این حواشی داده شد. شیرینی حرکت سمبلیک رهبری، اقدامات حاشیه ای این مراسم را تحت الشعاع قرار داد و عمق تعلق خاطر ایشان به خانواده امام را نشان داد. از این رو نیازی به مویه گران BBC و صدای آمریکا نیست."

اما به غیر نزدیکان به آیت الله خامنه ای، دو تن از مراجع بلندپایه حوزه علمیه قم نیز هر یک با صدور اطلاعیه ای، نسبت به اهانت افراتیون حامی احمدی نژاد به سید حسن خمینی ابراز انزجار کردند.

بنا به گزارش پارلمان نیوز، دفتر آیت الله موسوی اردبیلی اعلام کرده است: "حضرت آیت الله العظمی حاج سید عبد الکریم موسوی اردبیلی از مراجع عظام تقلید ضمن تأکید بر ابراز وفاداری ملت بزرگوار ایران نسبت به امام خمینی و اهل بیت شریف امام و بزرگداشت یوم الله ۱۵ خرداد از حادثه تلخ شکستن حرمت مراسم امام در حرم امام خمینی شدیداً ابراز تأسف نمود و اخلاص جمعیتی

اندک و افراطی در برنامه سخنرانی جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن آقای خمینی را محکوم کرد. معظم له همچنین طی تماس تلفنی با یادگار امام و تقفد از ایشان مراتب تأثر خویش و انزجار از اسانه ادب و حرمت شکنی در مرقف مطهر حضرت امام را به وی و اهل بیت امام ابلاغ فرمودند."

همچنین به گزارش پارلمان نیوز، آیت الله یوسف صانعی، یکی دیگر از مراجع تقلید قم نیز در تماس تلفنی با سید حسن خمینی حوادث روز جمعه را محکوم کرده و گفته است: "شما با آن پاسخ سنجیده و با تمسک به آیه شریفه "وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا" تمام نقشه های آنان را نقش بر آب کردید و ملت هم به خوبی متوجه این قضیه شدند."

وی افزوده است: "اگرچه ظاهر این حرکت تأسف بار بود اما در واقع باید متوجه بود این اقدام به نفع اسلام و به نفع اهداف حضرت امام تمام شد. اگر اینها دچار جنون سیاسی نشده بودند نمی آمدند در مقابل بیش از صدها خبرنگار داخلی و خارجی جلوی ابراز سخن و مطلبی که در حال پخش مستقیم از رسانه است را بگیرند، جلوی آزادی بیان و آزادی شنیدن مردم را بگیرند. این حرکت دلیل ضعف آنهاست و دلیل بر این است که اراده و مشیت خداوند بر این است که نقشه های آنان نقش بر آب شود."

وی افزوده است: "کسانی که این نقشه ها را می کشند اعم از عامل و آمر و محرک امروز ناتوان از حل معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین المللی مملکت شده اند لذا برای انحراف افکار عمومی جامعه به چنین اقداماتی متوسل می شوند، آنها می خواهند سخن امروز مردم غیر از درد مردم باشد اما من امیدوارم آقایان به هوش بیایند و در خط امام قرار بگیرند."

بنا بر این گزارش، ماجرای اهانت هواداران احمدی نژاد به سید حسن خمینی در صحن پارلمان ایران نیز بازتاب داشته و آنطور که ایلنا گزارش داده، مصطفی کواکبیان عضو فراکسیون اقلیت را واداشته است تا در تذکری به حیدر مصلحی و مصطفی محمد نجار، وزیر اطلاعات و کشور خواستار شناسایی اهانت کنندگان در مراسم سالگرد آیت الله خمینی شود.

تذکر وی به محمد نجار در حالی روز گذشته در پارلمان قرائت شده است که بنا به نوشته جوان آنلاین، وزیر کشور به دلیل سیلی خوردن از سید حسن خمینی در بیمارستان چمران تهران بستری شده است.

جوان آنلاین نوشته است: "مصطفی محمد نجار وزیر کشور که روز ۱۴ خرداد از جانب سید حسن مصطفوی و محمد علی انصاری مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود در بیمارستان چمران بستری شد. وزیر کشور پیش از ۱۴ خرداد تحت عمل جراحی سینوس قرار گرفته بود و به توصیه پزشکان معالج بایستی تحت نظر پزشکان قرار می گرفت و لیکن در روز ۱۴ خرداد در حالی که از وضعیت جسمانی مناسبی برخوردار نبود در حرم امام حاضر شد که پس از سخنرانی سید حسن مصطفوی مورد ضرب و شتم وی و محمد علی انصاری قرار گرفت به طوری که بخیه های صورت وی پاره گردید و دچار خونریزی شد."

این ادعا در حالی مطرح شده است که صفحه سید حسن خمینی در فیس بوک این ادعا را تکذیب کرده است.

همچنین سایت کلمه در ساعات پایانی دیشب، واکنش سید حسن خمینی به حوادث روز ۱۴ خرداد را بازتاب داده که در مطلبی به قلم حمید انصاری، قائم مقام "مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی" است.

حمید انصاری نوشته است: "عصر جمعه نخستین باری که ساعاتی بعد از مراسم، جناب حاج حسن آقای خمینی را دیدم و از ایشان درباره نگاهشان به حادثه و بازتاب آن پرسیدم به طور طبیعی به لحاظ روابط صمیمانه ای که داریم - که خود محصول منش بلند و کرامت این خاندان است - انتظار و تصور بر این بود که در پاسخ ایشان ابتدا درد دلی کند و از دشواری تحمل شرایط در این روزها اشاره ای داشته باشد، خدای متعال را شاهد می گیرم اولین مساله و مهمترین مطلبی که پیرامون این حادثه گفت این بود که آنچه که مرا بیش از هر چیز رنج می دهد این است که این مساله بر متن و اصل مراسم امام و فلسفه وجودی آن - که بزرگداشت یاد و نام امام و به رخ کشیدن عظمت نظام جمهوری اسلامی بود - غلبه کرده است."



تفسیری بر رمان «جن‌نامه» در سرزمین جن‌زدگان کاظم امیری



جستاری که در چهار بخش در آخرین روز یادنامه‌ی زنده‌یاد هوشنگ گلشیری در نقد «جن‌نامه» می‌خوانید، دوازده سال پیش به قلم کاظم امیری در فصل‌نامه‌ی «سنگ» در خارج از ایران منتشر شد و بعدها توسط آقای گلشیری در ماهنامه‌ی کارنامه، چاپ ایران هم انتشار یافت.

اکنون نه گلشیری در میان ماست و نه نویسنده‌ی این جستار. کاظم امیری که به گوشه‌گیری و متانت اشتهار داشت، چندی پیش در آپارتمان محقرش در برلین خودکشی کرد و روایت می‌کنند که تا مدت‌ها پیکر بی‌جان او روی زمین مانده بود.

«جن‌نامه» آخرین رمانی است که از هوشنگ گلشیری در سوند منتشر شد. نویسنده‌ی این رمان که هرگز حاضر نبود حتی یک کلمه از داستانش را حذف کند، تا زنده بود امید نداشت که اثرش در ایران منتشر شود. ده سال پس از درگذشت او هنوز این اثر بی هیچ دلیلی در محاق توقیف مانده است. «در سرزمین جن‌زدگان» نوشته‌ی کاظم امیری در نقد جن‌نامه‌ی هوشنگ گلشیری را می‌خوانیم:

«یگانه علت وجودی رمان کشف آن چیزی است که فقط رمان می‌تواند کشف کند. رمانی که جزئی ناشناخته از هستی را کشف نکند، غیر اخلاقی است. شناخت، یگانه اخلاق رمان است.»

هرمان بروخ

شباهت‌های جن‌نامه با بره‌ی گمشده‌ی راعی

«جن‌نامه» آخرین رمان هوشنگ گلشیری، قطورترین اثر اوست: ۵۴۱ صفحه. این رمان، که در پنج «مجلس»^۱ و دو «تکلمه» نوشته شده، هنوز به پایان نرسیده، تکلمه‌ی آخر، که ما از آن اکنون فقط چند صفحه‌ی سپید و فراخوانی کوتاه، «تو بنویس!» را داریم، خواه توسط خود نویسنده نوشته شود و خواه توسط خواننده، معنای این اثر را بگروگون خواهد کرد.

شاید این رمان جلد دوم سه‌گانه‌ی (Trilogie) است که گلشیری پس از انتشار «بره گمشده‌ی راعی» از آن سخن گفته بود. موضوعات مشترک فراوانی

«جن‌نامه» و «بره‌ی گمشده‌ی راعی» را به هم پیوند می‌دهند: عرفان، وجدان، نگویندخت ایرانی، جستجوی هویت، جدال سنت و تجدد، بحران هژمونی معرفت، زوال خانوادگی بزرگ، گردش زمین، رابطه‌ی زن و مرد (جنسیت)، که این آخری با نشانه‌های اتوبیوگرافیک همچون پیرنگی بین حوادث مختلف داستان ارتباط لازم را ایجاد کرده است.

هر دو رمان بر اساس سبک واحدی نوشته شده‌اند:

ذره‌گرایی، حرکت از دنیای محسوس به نامحسوس. هم اینجا و هم آنجا «نگاه» سخت مهم است. تکثر عظیمی این دو اثر را در برگرفته است، انگار که انفجاری بزرگ رخ داده و نویسنده مثل «فرشته‌ی نو»^۲ ی پاول کله پس از فاجعه بر روی ویرانه‌ها اطراق کرده، مرده‌ها را بیدار و داغون شده‌ها را مثل کاشی‌کاران گنبد‌های عظیم اصفهان با حوصله به هم بندکشی کرده باشد.

در هر دو داستان ارزش‌های دیرینه فرو ریخته‌اند و آدم‌ها چیزی ندارند که بتوانند بر آن تکیه و اعتماد کنند. آنها با اشیاء دیگر رابطه‌ی ارگانیک و به‌هنگام ندارند، زیرا مرجع عمومی و پیونددهنده از بین رفته است.

عکس‌العمل آنها دلمردگی، ترس و وحشت است. بالاین حال با سرگشتگی‌شان هم کنار نمی‌آیند و مثل بیماران فرویدی می‌خواهند خود را بازیابند. امید در دل‌هایشان رنگ باخته است ولی در دوردست کورسویی می‌درخشد.

آقای هوشنگ گلشیری عزیز سلام عمران صلاحی



وقتی که در خرداد ۱۳۷۹ هوشنگ گلشیری به طور نابهنگام درگذشت، هیچکس خبر نداشت که شش سال بعد طنزنویس نامدارمان، عمران صلاحی هم در شصت سالگی در سحرگاه یک روز پاییزی از دنیا می‌رود. ویژگی‌نامه‌ی هوشنگ گلشیری به مناسبت دهمین سال درگذشت او را با طنزنویشته‌ی صمیمی اما غمناک «آقای حکایتی» سال‌های کارنامه و دنیای سخن ادامه می‌دهیم: ده روز به نشانه‌ی ده سال. امروز با عمران صلاحی.

عمران صلاحی

امیدوارم حال شما خوب باشد و راحت خوابیده باشید، ما تصور می‌کنیم شما در آنجا هم که هستید، آرام و قرار ندارید و نگران مائید. نگران به اینکه به بیراهه نرویم و درست فکر کنیم و خوب بنویسیم. اگر جویای احوال مت باشید ملالی نیست به جز دوری شما. هوای دل ما کاملاً ابری است و در بعضی نقاط، همراه با رگبار‌های پراکنده.

دو سه سال است که بیشتر اوقات ما در بیمارستان‌ها و گورستان‌ها و مجالس ترحیم می‌گذرد. قرارها و دیدارهای ما بیشتر ترحیم است. این پنجشنبه هم قرار است به مجلس ترحیم نویسنده‌ی دیگر برویم. اگر شما هم در سفر نبودید، حتماً می‌آمدید، آقایان مختاری و پوینده هم می‌آمدند. خانم عزیزاده هم می‌آمد. لطفاً سلام ما را به آنها برسانید.

سابقاً برای دیدن دوستان از این کافه به آن کافه می‌رفتیم، اما حالا از این ختم به آن ختم. شما خودتان شاهد بودید، حتی به بعضی مجالس ترحیم با دلهره می‌رفتیم. چون بعضی از عوارض جانبی می‌خواستند ما را از حالت عمودی به حالت افقی در بیاورند.



آقای گلشیری عزیز

می‌بخشید اگر نامه کمی غیر جدی شد. شما خودتان هم با ما شوخی کرده‌اید. آخر چه معنی دارد که به این زودی بگذارید بروید. ما تازه چای دم کرده‌ایم و منتظریم بچه‌ها داستان بخوانند. اهل قلم از ترس شما جرئت نمی‌کردند بد بنویسند. ما مطمئنیم بعد از این هم جرئت خواهند کرد. چون شما همچنان حضور دارید و با خشم مهربان‌تان نگران و مراقب کار آنها هستید. شما بیشتر از آنکه خودتان بنویسید، گذاشتید دیگران بنویسند.

ما (خودم را می‌گویم) بعد از رفتن‌ها نه سری به خانه‌ی شما زدیم و نه به آنجا تلفن کردیم. چون خیال می‌کردیم مثل همیشه در خانه مشغول نوشتن هستید و نباید وقت‌تان را بگیریم. حالا هم روی‌مان نمی‌شود به خانم — بچه‌ها تسلیت بگوییم.

تو اگر

بسته‌ای بار سفر

تو اگر

نیستی دیگر

پس چرا من از همه جا

صدای تپش قلب تو را می‌شنوم؟

خود نویسنده زیرکانه دشواری قرائت را به خواننده در آغاز گوشزد می‌کند: «نه، دلخور نشدم؛ اما خوب، حوصله هم خوب چیزی است. اگر یک کلاف بدهند دست تو که بفرما گر هاش را باز کن، حتماً بیشتر گوریده‌اش می‌کنی، دست آخر هم پاره پاره‌اش می‌کنی، می‌اندازی دور. ببین، مثلاً توی همین اتاق، این پنجره‌های خورشیدی فکر می‌کنی چقدر کاربرد؟ خوب می‌شد یک جام یک دست گذاشت، بعد مثلاً رنگش زد. اما آن بابایی که این‌ها را درست کرده هر شبیه را به یک رنگ انتخاب کرده و بعد توی چوب‌های این وسط را درآورده تا هر شبیه درست جا بیفتد. یا بگیر این درها، همین منبت کاری‌شان کلی کار برده. یا همین قالی زیرپات، یک گره یک گره درست شده. حالا چله‌کشی‌اش بماند، یا نقشه‌کشی‌اش یا رنگ‌رزی پشم‌هاش. همین‌طوری که نیست.» (ص ۱۱۸)

توصیفات عینی و نتایج ذهنی

گلشیری به کمک روش جزءنگر، ذره به ذره، به معماری عمومی داستانش موفق می‌شود. توانایی او در این نهفته که از طریق حرکت در سطح و توصیفات کاملاً عینی به نتایج ذهنی دست می‌یابد و همین، شاید، نزد بعضی از خوانندگان این تصور را ایجاد می‌کند که او مثل نورنالیست‌ها قصد مستندسازی وقایع را دارد. برای نمونه سیمین بهبهانی در مورد سبک این نویسنده می‌نویسد:

«نکته‌ی دیگر آن که گلشیری در اکثر کارهای خود رئالیست است و از زندگی و تجربه‌های آن سود می‌جوید و با سوررئالیسم سروکاری ندارد، با این همه مضمون‌هایش تا حدی هنجارگیز و ناآشناست، نه معمول و ذهن آمخته. در واقع، نوآوری او بیشتر در گزینش ساختار و شکل داستان‌هاست نه در محتوای آن»^۴.

در این گفت‌آورد یکی از وجوه اساسی زیبایی‌شناسی گلشیری بیان شده است، نگاه این نویسنده واقعاً عینی‌گرا و منطبق بر تجربه‌گرایی‌ست، ولی این‌که گلشیری با «سوررئالیسم سروکاری ندارد»، صحیح نیست. اگر کسی این را باور نمی‌کند، می‌تواند به داستانی که معلم ده، مصطفی، در «جن‌نامه» تعریف می‌کند نظر اندازد تا ضمن مطمئن کردن خود، خواننده‌ی یکی از درخشان‌ترین متون سوررئالیستی باشد.

باری، در داستان‌های او فرم و محتوا، رئالیسم (واقعی) و سوررئالیسم (خیالی) چنان با هم عجین شده‌اند که نمی‌توان بین آنها جدایی پیدا کرد. او از یک طرف نشان می‌دهد که جهان بیرونی خارج از ادراکات ما وجود دارد و حی و حاضر است. تصور یک شیء و صفت آن برای فردیت آن مهم نیست، و بدین جهت، جهان اشیاء را بدون نمادسازی و بار معمولی به نمایش می‌گذارد و گام به گام به شخصیت‌های داستان نزدیک شده و درون آنها را به کمک همین دریافت حسی توصیف می‌کند.

از طرف دیگر، بلافاصله به «شیء در خود» شک می‌کند و دریافت آن را منوط به نگرش انسان به هستی می‌داند. یک شیء وقتی دریافت می‌شود که جذبه و کشش آن توسط ارگان‌های بدنی پذیرفته شود که به نوبه‌ی خود از ساختار عمومی روح تبعیت می‌کنند. در این جاست که به ظاهر تقابل بین سوژه و ابژه از بین می‌رود و جهان پدیدار از و رای اعراض برمی‌خیزد.

حصار میان انسان و جهان

جهان پدیدار اما همانا تصویری است که از ذهن و روان ما می‌آید و این همان تناقض «ما به‌لاشتراک» است که تنها با بیگانگی مطلق آدمی از وجود اجتماعی از بین می‌رود. در غیر این صورت، حصار بین انسان و جهان خراب نمی‌شود، فاصله باقی می‌ماند، زیرا امر تجربه شده در چارچوب مرجع و مرسل کلی، معنای فرهنگی و نظام عقیدتی هژمونی بخش تجربه می‌شود. به همین جهت هم، گاهی پشت یک «رشته مو» کل نگاه انسان به جهان پنهان است:

بی‌جهت نیست که گلشیری در مصاحبه‌ای با عنوان «انقلاب دوم» به مناسبت پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری در روزنامه‌ی آلمانی «TAZ» خود را «محافظه‌کار» می‌نامد. انسان محافظه‌کار، اگر مفهوم محافظه‌کار را در معنای اولیه‌اش در نظر بگیریم، اگر حتی امیدوار نباشد، پوچ‌گرا هم نیست.

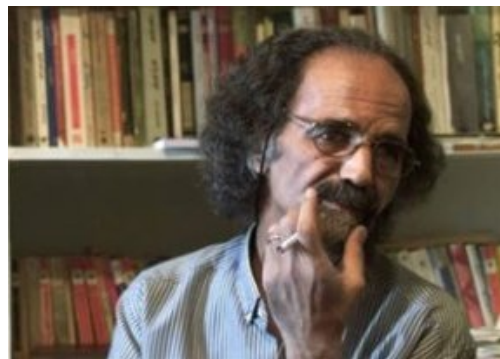
او یا به وضعیت موجود قانع است یا خواستار تغییر و تحولات گام به گام و آرام است. به همین خاطر هم، قهرمان روان پریش «جن‌نامه» - چنانچه خواهیم دید - «بنجی» فاکنر نیست که در نظرش آینده فرصت از دست رفته است و تحولات اجتماعی تصور ناپذیر است مگر به شکل فاجعه.

در «جن‌نامه» هم مثل «بره‌ی گمشده‌ی رای» راوی، که هم‌زمان شخصیت اصلی رمان هم هست، در جستجوی هویت خویش است. او زندگی خودش را مرور می‌کند تا دریابد کیست و کجا ایستاده است. در این فرایند خودیابی، هجوم یادها، تخیلات، خوانده‌ها، شنیده‌ها، تجربه‌ها چون بهمنی روی سرش آوار می‌شود و او نمی‌داند که در این نمایشگاه اشیاء و امور ذهنی به کدامیک چنگ بیندازد. به همین خاطر هم می‌نویسد تا شاید نظمی پیدا کند، به تاکید خودش روایت در اینجا تنها ضرورت نیست، اجبار است:

«تابستان‌ها را می‌توانستیم توی همین مهتابی بخوابیم، البته ما مردها یک اتاق کوچک هم آن پایین داشتیم، زیر همین مهتابی. اتاق که نبود، دستدانی بود... می‌ماند صندوق‌خانه و این راهرو. راهله‌ای به پشت بام داشت. بالا رفتیم، چهار دست و پا. در هم انگار باز بوده. بعد یک دفعه متوجه می‌شوند که نیستیم. مادر نمی‌دانست بالاخره کی به صرافت افتاده. مادر توی حیاط ایستاده بوده، با سر باز و دو دست حتماً گشوده، تا اگر بیفتیم، بگیردم، مثل همان روز که پسر عموی پدر از پشت بام آویزانم کرده بود و بعد شدم آن طور که می‌شدم، یا شدم همین که حالا هستم، که یکی می‌مجبورم می‌کند که بنویسم»^۵

از دریچه‌ی ذهن یک مرد ابله و یک انسان جن‌زده

راوی در این رمان یک آدم «معمولی» و متعارف نیست. او به تاکید خودش «جن‌زده» است (ص ۴۶۹). در اینجا می‌توان سؤال ژان پل سارتر را تکرار کرد: «چرا نخستین دریچه‌ای که بر این جهان افسانه‌ای گشوده می‌شود ذهن مردی ابله است؟» آیا زندگی آن‌سان که شکسپیر گفته است، واقعاً «افسانه‌ای» است که از زبان دیوانه‌ای نقل (می) شود، آکنده از خشم و هیاهو که هیچ معنایی ندارد؟^۶



تلاش راوی برای رهایی از هویت شقه شقه شده بیانگر آن است که پاسخ او - که به گمان من بیش نویسنده هم در آن نهفته - آری‌ای محض نیست. رفتن او به «پشت بام» در کودکی نشانه‌ی علاقه‌ی زودرس و وجودی او به ماوراءالطبیعه و حقیقت‌جویی‌ست.

برای او واقعیت چیزها، حقیقت آنها نیست. او چون با بحران شناخت مواجه است به همه چیز غیر امور تجربه شده شک می‌کند، ولی بلافاصله برایش آشکار می‌گردد که تجربه هم نیت‌مند است. امر دریافت شده هم‌زمان به شرایط بیرونی و شرایط درونی وابسته است. به همین خاطر هم، او در یک فضای مالیخولیایی بین جهان بیرون و جهان درون در رفت و آمد است.

سیلان یادها و دیده‌ها جریان عادی زمان را می‌شکند و او را گرفتار تشنیت و هرج و مرج می‌کند. تقطیع زمانی، گسست و پیوستگی، روش گام به گام، اندیشه و احساس، بازی عمل و خاطره، رابطه بین تاریخ و اسطوره و... نظم چیزها را به هم زده‌اند. گذشته داخل حال می‌شود و آینده در این میان محو شده، چرا که پیشرفت دیگر زیر سؤال رفته است.

فلاش بک‌های تند و سریع، گذر از امور سطحی و پیش پا افتاده به مسائل مهم فلسفی مزاحم قرائت خطی است. لذت خواندن این رمان در تحلیل تکه‌ها، پیوند آنها به همدیگر و درک برش‌های رنگارنگ نهفته است که نه تنها قرائت آرام و صبورانه را از خواننده می‌طلبد، بلکه آن را فقط در این صورت ممکن می‌سازد





پرده ها را پس بزن عسگر آهنین

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
بامدادانت بر انگیزد ز خواب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
در دل شبم نشاند زرّ ناب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
پیش چشم آرد جهان را بی نقاب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
گل برویاند از این باغ خراب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
بر کشد رنگین کمان جای سراب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
در دل آینه یابد بازتاب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
واژه ها را جان ببخشد در کتاب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
بی حجابت ببند ای اهل حجاب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
خود به رقص آید بر امواج شراب

پرده ها را پس بزن، تا آفتاب
گویدت: شب خوش! در آمد ماهتاب!

۳۰ مه ۲۰۱۰

«خم شد و دو انگشت در کاسه‌ی تردید کرد. یک مو بود، بلند و سیاه. عمه کوچکه گفت: خدا مرگم بدهد. همه نگاه می‌کردند. پسر عمه تقی مو را از میان نان‌های تردید شده بیرون می‌کشید. یکی دو خرده نان به وسط و یکی به تاش چسبیده بود. میرزا نصرالله داد زد: صد دفعه گفتم، وقتی به غذا سر می‌زنید، یک چیزی سرتان بکنید. عروشش گفت: من که همیشه روسری به سرم هست. میرزا نصرالله گفت: با تو که نبودم، عروس، این خاله‌ات را گفتم. پسر عمه تقی گفت: سیاه است. عمه کوچکه گفت: شاید توی نان بوده. میرزا نصرالله گفت: توی نان بوده، توی کوفت بوده، بالاخره یک جایی بوده، عمه بزرگه گفت: مادر، شاید به لباس خودت بوده. پسر عمه تقی مو را برد تا نزدیک بینی مادرش: - درست نگاه کن، این موی زن است، نه مرد» (ص ۱۱۱)

در این صحنه که به ظاهر خسته کننده بنظر می‌آید، از طریق یک تار مو یکی از پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی یعنی اعتقاد مذهبی و رابطه‌ی آن با جنسیت فرافکنی می‌شود. نویسنده چون به ایده‌ها و اندیشه‌ها شک می‌کند، از منظر بیرونی با توجه به کارکرد اشیاء موقعیتی را نشان می‌دهد. او چیزها را ابداع نمی‌کند، بلکه آنهایی را که راوی می‌بیند، نشان می‌دهد و راوی کسی است که در طی رمان مطابق با مضمون رمان خلق می‌شود.

او در طی داستان از کلیشه‌های اجتماعی جدا شده و به یک ذهنیت فردی دست می‌یابد. امری که شامل حال خواننده هم می‌شود: او هم باید این کلام اجتماعی خرد شده، مواد و مصالح تکه‌پاره را در یک دلالت معنایی متناسب با ذهنیت خود به هم پیوند دهد تا معنای کلی رمان را دریابد.

با این حال خطاست اگر این همه را فقط جزء صنعت رمان و هنرنمایی نویسنده بدانیم. گلشیری نمی‌توانست این رمان را، که موضوعش - همچنین - گسست و سیزو فرنی فرهنگی ست طور دیگر بنویسد.

راوی اگر چیزها را در بسیاری مواقع - به ویژه در «مجلس اول» - از بیرون می‌بیند، به خاطر آن است که دنیا برای او کاراکتر واقعی‌اش را از دست داده و او به دریافت محض تبدیل شده است. او دچار اختلال حواس است و ناتوان از اینکه یک شیء را در کلیت آن ببیند (ه) عینی‌گرایی او یک واقع‌گرایی روانشناختی ایجاد نمی‌کند، بلکه بیشتر متکی بر اصل تصادف است.

بی‌معنایی و پوچی دنیا خودش را در تکه‌پارگی و اتم‌شدگی (Atomisierung) نشان می‌دهد، چیزها دیگر در یک کلیت معین با تجلی فرهنگی معین ظاهر نمی‌شوند، بلکه در جدایی و تک افتادگی‌شان بدون رابطه‌ی معینی با همدیگر. از این رو، روایت به ویژه در آغاز - در سطح می‌ماند، زمان مقطع است و خیل حوادث مختلف تداوم آنها را ناممکن ساخته است.

راوی در وضعیت بحرانی‌ای که قرار دارد، تنها قادر است لحظه‌ها را دریابد: به همین خاطر هم گاه در یک پاراگراف کوتاه چند صحنه بدون ربط زمانی و موضوعی نقل می‌شوند و چون زمان حال مسخ شده است، او مجبور است برای رهایی از انشقاق و پراکندگی، جهت غلبه بر فراموشی به گذشته‌ها چنگ اندازد. البته نباید فراموش کرد که تأکید بر انشقاق ذهنیت راوی جزء «حقیقت‌مانندی» رمان است. راوی مکرر با اشاراتی نظیر «این را گفته‌ام»، «گفتم انگار»، «تا گنج نشوم»، «یادم باشد»، «یادم باشد که هی نچرخم»، به خواننده القاء می‌کند که دچار فراموشی است. در حالی‌که حتی یاد کاهویی می‌افتد که روزی عمویش در پیک نیکی از او خواسته است. (ص ۱۴۷)

این تناقض، اما، با موضوع محوری رمان سازگار است. گلشیری در اینجا متوجه این امر بوده که بازخوانی عالم مثال، که خاطره‌ای فراموش شده را می‌ماند، تنها با مقلوب شدن تخیل و آگاهی ممکن است.^۵ او مثل پنه لویه (Penelope) برای غلبه بر فراموشی باید فراموش کند و با چنگ انداختن به گذشته ورود گذشته را همچون زمان تداوم‌دار به چیز تازه سوق دهد.

ادامه دارد..

پاتویس‌ها:

۱- شاید گلشیری کلمه «مجلس» را بدین خاطر به واژه‌های فصل یا بخش ترجیح داده، زیرا این کلمه بیشتر با مضمون رمان (عرف و تصوف) جور درمی‌آید. این کلمه، که به معنای جای گردآمدن و نشست، محل شورا و قضاوت، محل ذکر و اراده‌ی حال، محل نقد و تحقیق، پاره در تئاتر و موسیقی، آستان و بارگاه اعلی... است، در متون عرفانی به کرات و با ترکیب‌های مختلف ظاهر می‌شود.

سعدی هم مجالس پنجگانه‌ای در مسائل تصوف دارد. همچنین تعداد فصل‌های رمان با مراحل پنج‌گانه در نزد صوفیان تطابق دارد. از دیدگاه صوفیان رون انسانی در سفر آسمانی خود از پنج مرحله می‌گذرد:

۱- عالم جسم (ناسوت) ۲- عالم عقل مجرد (ملکوت) ۳- عالم قدرت (جبروت) ۴- عالم نفی (لاهورت) ۵- عالم سکوت محض (ماهوت) (محمد اقبال لاهوری: سیر فلسفه در ایران، ترجمه آریان‌پور، چاپ سوم، تهران ۱۳۵۴، ص ۲۴).

۲- هوشنگ گلشیری، جن‌نامه، سوند ۱۹۹۸، چاپ اول، ص ۱۰۰. جهت جلوگیری از تکرار، نقل قولها از این کتاب در داخل متن با شماره‌ی صفحه قید شده‌اند.

۳- ژان پل سارتر: «رمان در نظر فاکتور»، ترجمه ابوالحسن نجفی. در: ویلیام فاکتور: خشم و هیاهو، ترجمه صالح حسینی، تهران ۱۳۷۱، ص ۲۹۸ و ۳۰۵.

۴- سیمین بهبهانی: «طبع نوجو و ذهن نواندیش»، مکتب، گاهنامه‌ی فارسی، شماره‌ی هفتم، سوند ۱۳۷۷، ص ۵۶.

۵- موریس مرلو پونتی هم پس از مطالعه‌ی یک آدم روان پریش به این نتیجه رسیده که بیمار نخست به جزئیات یک شیء، یک پدیده توجه می‌کند، پیش از آنکه به کارکرد عمومی، به کل و مفهوم فرهنگی آن توجه کند. ر.ک:

M. Merleau-ponty Phenomenologie der Wahrnehmung, Berlin 1966, S.45 u.S. 159



آن روزها رفتند تورج پارسی

آن روزها
آن روزها رفتند ،
آن روزها که تو در حجمی به اندازه ی بوی گل سرخ ،
در مردمک چشمانم جا می گرفتی ،
و نگاهم که جاری بود ،
به تپش قلبت گوش فرا می داد ،
و انگشت حیرانم از کوچه ی شرم و تردید ،
پاورچین پاورچین ،
خود را بر پوست تنت می کشید
آن روزها رفتند ،
و ساعت دیگر حضور خود را اعلام نکرد.

آن روزها رفتند ،
و غم و درد سنگینی عصای دستم شد ،
تا به دنبال روزهای گمشده ،
به پنجره ی همه ی خانه های جهان سرک بکشم ،
تا شاید کمی از آن روزها را ،
بر تاقچه ی اتفاقی ببینم که به من خیره شده است ،
تا شاید نام کاغذیم را بر زبان براند ،
تا بوی نفس آن روزها مرا دوباره ،
به مرزهای از دست رفته جغرافیایم برساند.

آن روزها رفتند ،
و ساعت دیگر حضور خود را اعلام نکرد
آن روزها رفتند ،
و غربت تا سقف سیاه شب ،
و بوی نفرین و تل خاکستر گندمزاران
و گریه شهر پریده رنگ ،
شهری که همچنان می گرید ،
و ساعت دیگر حضور خود را اعلام نکرد ،
و آنچنان بی تفاوت ماند ،
که حاضر نشد به خاطر دست های چوبی من ،
خود را مرور کند
ساعت دیگر حافظه ی سبزی ندارد ،
ساعت تهی است ،
و من تکیده و مبهوت ،
مرگ را می بینم ،
که به تسلیم دعوت می کند
آنروزها رفتند ،
.... آنروزها

ویرجینیا ژانویه ۹۷



بریده ای دیگر از:

تاریخ من

شهرلا بهار دوست

امروز آفتاب در آغوش تو

شانه های من در پنجه

های تو

چشم شهر هنوز خیره به عجزها

مدام تا گور زنهای مرده می روند

مانده اند چگونه سیگار ما را دود کنند!

نگاهشان نمی کنم، نکن

سرم روی گردنم چرخ می به ناز می زند

لبهای توست که سوت می زند

من با آهنگ امشب دختر کُرد می شوم

زیر طاق کردستان، با شیرین، شیرین شیرین می رقصم

سرخ بر فراز اورامان، آواز فرزاد از حیات زندان می شوم

با صدای تو می پیچم، تکرارکنان می خوانم

من چه دارم؟

من چه دارم؟

تاریخ من از کجا بود؟

که بود؟

که خواهد بود؟

تا کجا؟



تدارک سبز
ویدا فرهودی

غم از سکوت گذشت و سرشکِ نم نم شد
که پنج غنچه ز میراث باغمان کم شد

سکونِ فاصله ها را هجوم ضجه شکست
سکوتِ پیر وطن را صدا فراهم شد

و ابر، دامن باران گرفت تا گیرد
طناب دار چولر زید و گردنی خم شد

کسی نگفت چه آمد به سر، بهاران را
که بر بهشتِ زمینی * خزان مقدم شد!

خزان که نه! چه بگویم جمود و هم و دروغ
وزید و زرد، لباس سپید مریم شد

نگه به چشم شقایق نمی توان کردن
که اشک سهم مدامش، به جای شبنم شد

بیا ز مام وطن طرز رستگاری پرس
همو که مادر آرش و گیو و رستم شد

همو که بار شکفتن به بطن خود دارد
اگر چه خسته دلش از افول آدم شد

و باغ مرهم زخمش فقط از او خواهد
که رازهای مگو را یگانه محرم شد

جوانه هاش ببین در تدارکی سبزند
به زادروز هر ان چه ز باغمان کم شد
بهار ۱۳۸۹

* بهشتِ زمین: منظور از دیهشت است.

هند سه ای دیگر
حسن مکارمی

حیات خط نقطه های تنفس است
زندگی سطح خطوط متنافر حادثه
و هستی حجم پنهان نور و ترانه

کوتاه ترین فاصله میان دو نقطه آرزوست
و بارش امید میله های زندان تنفس ما

کره های خواب ما بر هم مماس اند
و هرم رابطه ها با شکنندگی یک آه
و آه نقطه ای فاقد بعد
من کیم آهی مانده به لب ها ...

پاریس بهار ۲۰۱۰

آب
یوسف صدیق (گیلرادی)

در این برکه
خاطره ای از چهره ات ...

و آب
چندان زلال
که می توان
اندیشه را به تمامی شست ...
و آب

چندان مهربان
که می توان
با جان قطره در آمیخت
و بی ملال گفت: پاینده باد عشق.

در این برکه
چهره ای از خاطره ات ...

